



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

دو فصلنامه علمی-تخصصی

سال اول

شماره اول

پاییز و زمستان ۱۴۰۱

تبلیغ و خانواد

تأثیر گذشت و تغافل در استحکام خانواده

فرج الله میرعرب

روش های افزایش استحکام خانواده با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری عنه

مرضیه قنبری

نقش سبک زندگی غربی در کاهش فرزندآوری

حسنیه صالحان

تأثیر روزه در صمیمیت و آرامش روانی خانواده

اعظم نوری

سیره خانوادگی سردار شهید قاسم سلیمانی

علیرضا انصاری

نقش سرپرست در ایجاد خانواده متعادل

فریده فاطمی مهر

نقش نظارتی خانواده در کاهش آسیب های اجتماعی فرزندان

سیدرضا صیادمنش

سیره اهل بیت علیهم السلام در ازدواج فرزندان

علی جباری

راه های آموزش مهارت قاطعیت به فرزندان

محمدحسین افشاری

خدمت به مردم و مراقبت از ارزش های دینی آنان در سیره شهدا

رضا آبیاری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی و تبلیغی
گروه تولید محتوا

تبلیغ فحانواؤ

صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مدیر مسئول: سعید روستا آزاد

سر دبیر: مصطفی آزادیان

کارشناس اجرایی: اکبر اسماعیل پور

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول - شماره اول

پاییز و زمستان ۱۴۰۱

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

سعید روستا آزاد

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

سید محمد اکبریان

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

عبدالکریم پاک نیا تبریزی

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

علی نظری منفرد

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

میرتقی قادری

استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ناصر رفیعی محمدی

عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه

شمارگان: ویراستار:

۲۵۰ نسخه زهرا رضائیان

قیمت: صفحه آرا:

۴۸۰۰۰ تومان اکبر اسماعیل پور

چاپ:

مؤسسه بوستان کتاب

آدرس: قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا، کدپستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱ -

تلفن: ۳۱۱۵۱۲۴۷ - ۰۲۵ - پایگاه اینترنتی: <http://jpf.dte.ir> - پست الکترونیک: tabligh@dte.ir



امام خمینی (قدس سره):

نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است؛ برای این که بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می کنند. خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است، و از خدمت همه کس بالاتر است، و این امری است که انبیا می خواستند. می خواستند که بانوان قشری باشند که آنها تربیت کنند جامعه را، و شیرزنان و شیرمردانی به جامعه تقدیم کنند.

صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۹۷.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می توان زن بود، عقیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود؛ می توان سنگر خانواده را پاکیزه نگاه داشت و در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز، سنگرسازی های جدید کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد.

در انقلاب اسلامی و در دفاع مقدس، زنانی ظهور کردند که می توانند تعریف زن و حضور او در ساحت رشد و تهذیب خویش، و در ساحت حفظ خانه سالم و خانواده متعادل، و در ساحت ولایت اجتماعی و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و جهاد اجتماعی را جهانی کنند و بنیست های بزرگ را درهم بشکنند.

<https://www.leader.ir/fa/speech/10428/>

پیام به کنگره هفت هزار زن شهید کشور ۱۳۹۱/۱۲/۱۶

فهرست مطالب

سخن نخست ۵

تأثیر گذشت و تغافل در استحکام خانواده ۹

فرج الله میرعرب

روش های افزایش استحکام خانواده با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری دامت برکاته ۱۹

مرضیه قنبری

نقش سبک زندگی غربی در کاهش فرزندآوری ۳۱

حسنیه صالحان

تأثیر روزه در صمیمیت و آرامش روانی خانواده ۴۱

اعظم نوری

سیره خانوادگی سردار شهید قاسم سلیمانی ۴۹

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری

نقش سرپرست در ایجاد خانواده متعادل ۶۱

فریده فاطمی مهر

نقش نظارتی خانواده در کاهش آسیب های اجتماعی فرزندان ۷۱

سیدرضا صیادمنش

سیره اهل بیت علیهم السلام در ازدواج فرزندان ۷۹

علی جباری

راه های آموزش مهارت قاطعیت به فرزندان ۸۹

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری

خدمت به مردم و مراقبت از ارزش های دینی آنان در سیره شهدا ۹۹

حجت الاسلام والمسلمین رضا آبیاری

سخن نخست

ماه مبارک رمضان، ماه مهمانی خدا، ماه بهار قرآن و ماه لیلۃ القدر است. این ماه عزیز بی نظیرترین فرصت برای خودسازی و تزکیه نفس به شمار می‌رود. پیامبر بزرگوار اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خطبه شعبانیه فرمود:

ای مردم، ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش به شما روی آورده است. ماهی که نزد خدا بهترین ماه و روزهایش بهترین روزها و شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعات آن بهترین ساعت‌هاست. ماهی که در آن به میهمانی خدا دعوت شده‌اید و از کسانی که مورد اکرام خدا هستند می‌باشید.^۱

به برکت حلول این ماه نورانی، آنچه برای ما انسان‌ها مهم می‌نماید آن است که به تعبیر رسول اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با نیت‌های خالص و صادق و دل‌های پاک از خدا بخواهیم که در این ماه به روزه داری و تلاوت قرآن مؤفّقمان بگرداند: «فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ وَقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ أَنْ يُوَفِّقَكُمْ لِصِيَامِهِ وَتِلَاوَةِ كِتَابِهِ».^۲

بندگان خوب خدا، در ماه رمضان، افزون بر تربیت و اصلاح خُلق و خوی فردی، دغدغه اخلاق اجتماعی نیز دارند: «وَتَصَدَّقُوا عَلَى فَقْرَائِكُمْ وَمَسَاكِينِكُمْ وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَأَرْحَمُوا صِغَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ»^۳ به فقیران و در ماندگان کمک و یاری کنید. به پیران و کهنسالان احترام و به کودکانتان ملاطفت و مهربانی نموده و با خویشاوندان رفت و آمد داشته باشید.» اکنون که

۱. محمد بن علی صدوق، عیون اخبار الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ج ۱، ص ۲۹۵.

۲. همان.

۳. همان.

خداوند به ما توفیق درک این ماه نورانی را داده است خوب است از لحظه لحظه آن کمال بهره را ببریم و خود را به هدف آفرینشمان که قرب الهی است نزدیک کنیم.

با کمک خدای سبحان، گروه تولید محتوای معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، به مناسبت ماه مبارک رمضان و اعزام مبلغان به سراسر کشور، توفیق داشته است سه فصلنامه تولید و در اختیار مبلغان گرامی قرار دهد:

● فصلنامه ره توشه؛ این فصلنامه که برای استفاده عموم مبلغان تهیه شده است در ذیل پنج عنوان عقاید و اندیشه، اخلاق و معنویت، احکام و عبادات، مناسبت های تاریخی، و سیاسی - اجتماعی و در سی مقاله به رشته تحریر در آمده است. موضوعات مقالات متنوع و متناسب با نیازهای جامعه امروزی است مانند: خدای پرده پوش، امام شناسی در دعای افتتاح، امام مهدی علیه السلام در ادعیه ماه مبارک رمضان، پیامدهای سهل انگاری و سبک شمردن نماز، آثار و پیامدهای روزه داری و روزه خواری، چیستی معنویت در جنبش عصر جدید، شش راهکار کلیدی برای افزایش محبت الهی، خیرخواهی، شاخصه های سخن سدید، جنگ روانی، جنگ هیبریدی و جهاد تبیین، استقامت در دین ورزی، حجاب، راهکارهای امید افزایی در جامعه، و....

لازم به ذکر است، در کنار فصلنامه فوق، ره توشه دیگری به نام "ره توشه پیوستی" شامل مجموعه ای از مقالات مهم و مناسبتی سال های گذشته، تهیه شده است که در پایگاه خبری بلاغ به آدرس <https://www.balagh.ir> در دسترس قرار دارد.

● فصلنامه تبلیغ و خانواده؛ این فصلنامه برای مبلغانی که در عرصه خانواده به تبلیغ می پردازند آماده شده است. مقالات این فصلنامه عبارتند از: تأثیر گذشت و تغافل در استحکام خانواده، راه های آموزش مهارت قاطعیت به فرزندان، روش های افزایش استحکام خانواده با تاکید بر بیانات مقام معظم رهبری دامت برکاته، نقش سرپرست در ایجاد خانواده متعادل، سیره خانوادگی سردار شهید قاسم سلیمانی، نقش سبک زندگی غربی در کاهش فرزندآوری، سیره اهل بیت علیهم السلام در ازدواج فرزندان، تأثیر روزه در صمیمیت و آرامش روانی خانواده، نقش نظارتی خانواده در کاهش آسیب های اجتماعی، سیره اهل بیت علیهم السلام در ازدواج فرزندان، خدمت به مردم و مراقبت از ارزش های دینی آنان در سیره شهدا.

● فصلنامه تبلیغ و تقریب؛ این فصلنامه برای مبلغان محترمی که در مناطق مشترک شیعه و سنی به تبلیغ می پردازند آماده شده و شامل ده مقاله با عنوانین ذیل است: نقش راهبردی تقریب مذاهب اسلامی در تحقق تمدن نوین اسلامی، همزیستی مسالمت آمیز مسلمانان، پیامدهای

سخن نخست ■ ۷

جدایی قرآن و عترت، موانع وحدت، شاخصه‌ها و مبانی قدرت نظامی، حفظ حرمت و آبروی مسلمان از منظر قرآن و روایات، نگاهی به زندگی امام صادق علیه السلام در منابع اهل سنت، فضائل حضرت خدیجه علیها السلام در منابع اهل سنت، بایسته‌های تبلیغ در مناطق مشترک، و پرسش و پاسخ. گفتنی است مجموعه پیش‌رو، پیراسته از کاستی و نقص نیست به همین جهت انتظار می‌رود مبلغان عزیز، ما را از پیشنهادهای سازنده و تجربیات ارزشمند خود بهره‌مند سازند. در پایان، ضمن قدردانی از نویسندگان فرهیخته، از همه کسانی که در امر آماده‌سازی و انتشار این فصلنامه‌ها تلاش کردند، به ویژه حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان رئیس محترم گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی و همکاران گرامی ایشان صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌کنم.

سعید روستاآزاد
معاون فرهنگی و تبلیغی
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

تأثیر گذشت و تغافل در استحکام خانواده

فرج الله میرعرب*

مقدمه

یکی از عوامل مهم برای تحکیم روابط خانوادگی و رشد آن، چشم‌پوشی و گذشت از اشتباهات دیگران و نادیده گرفتن یا تغافل در برابر آنهاست. این صفت زیبا، یکی از عوامل مهم آرامش روانی و آسایش زندگی است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «هر که از بسیاری امور تغافل و چشم‌پوشی نکند، زندگی اش تیره می‌شود».^۱

به غیر از معصومین علیهم السلام، همه افراد خطا و لغزش دارند. دو نفر که با هم زندگی می‌کنند و از جهتی تشریک مساعی و همکاری دارند، باید لغزش‌های یکدیگر را ببخشند تا زندگی‌شان ادامه پیدا کند. اگر بخواهند در این باره سخت‌گیری کنند، ادامه همکاری غیر ممکن می‌شود. دوشریک، دو همسایه، دو دوست، دو همکار، دو نفر زن و شوهر باید در زندگی اجتماعی دارای گذشت باشند. هیچ زندگی اجتماعی‌ای به اندازه زندگی خانوادگی، نیازمند گذشت نیست. اگر اعضای یک خانواده بخواهند در مورد یکدیگر سخت‌گیری کنند و لغزش‌های یکدیگر را دنبال کنند، یا زندگی آن‌ها از هم می‌پاشد و یا بدترین زندگی را خواهند داشت.^۲ از این‌رو در صدر پیشنهادات قرآن و روایات، عفو (گذشت) و تغافل (چشم‌پوشی) است: «وَإِنْ تَغْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و ببخشید (خدا شما را می‌بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است».^۳ رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز در این باره فرموده است: «همه مردم دارای خصلت‌های نیک و بد هستند. مرد نباید تنها جنبه‌های ناپسند همسر

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۱.

۲. ابراهیم امینی، آیین همسررداری، ص ۱۱۱.

۳. تغابن: ۱۴.

خویش را در نظر بگیرد و همسر خود را ترک کند؛ چه هر گاه از یک خصلت او ناراحت شود، خصلت دیگرش را دوست دارد و مایه خشنودی اوست»^۱.
 خرده و بی ادبی‌ها که برفت عفو کن، هیچ مکافات مکن^۲
 چنین نگاهی می‌تواند خانواده را از خطر سقوط و از هم پاشیدگی حفظ کند.
 فراوان همی بخش و کم می‌شمار ز منت نهادن همی کن کنار^۳

معنای عفو و تغافل

«عفو»، گذشت از گناه دیگری است. در عفو شخص قصد دارد گناه آن کس را که در حقش ستمی کرده است، پاک کند.^۴ در عفو گناهکار می‌داند که فرد مورد ستم، از خطای او در حقش اطلاع دارد و طرف مقابل به او می‌گوید از گناه تو گذشتم. «تغافل» مصدر باب تفاعل و به معنای حالت غفلت به خود گرفتن است؛ یعنی انسان چیزی را می‌داند، اما به گونه‌ای وانمود می‌کند که من ندیدم، نشنیدم، نفهمیدم.^۵ در قرآن از واژه «تغافل» استفاده نشده است؛ بلکه کلمه «صفح» آمده است: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا». «صفح» به معنای در گذشتن و نکوهش نکردن است. صفح از کسی، به معنای بخششی است که از خطای فرد خطاکار چشم‌پوشی می‌شود؛ به گونه‌ای که گویا خطا را ندیده است. اگر کسی با شخصی که مشغول گناه است، روبه‌رو شود و به گونه‌ای رفتار کند که گویا ندیده است؛ صفح کرده است.^۶ در ادبیات اخلاقی به چنین رفتاری، تغافل گفته می‌شود. در واقع تغافل و چشم‌پوشی، به معنای همان ضرب‌المثل فارسی است که «شتر دیدی، ندیدی»؛ چنانکه باباطاهر خطاب به خداوند عرض می‌کند:
 از آن روزی که ما را آفریدی به غیر از معصیت چیزی ندیدی
 خداوندا به حق هشت و چارت ز ما بگذر شتر دیدی، ندیدی^۷

۱. احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۳۲۹؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۸.

۲. جلال‌الدین محمد بلخی، کلیات شمس تبریزی، غزلیات، غزل ۲۰۲۴.

۳. عبدالرحمن بن احمد جامی، مثنوی هفت اورنگ، خردنامه اسکندری، بخش ۱۳.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۵۷۴.

۵. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۴۱۹.

۶. حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۸۶.

۷. بابا طاهر همدانی، دیوان بابا طاهر، دوبیتی‌ها، دوبیتی ۳۲۷.

اهمیت و بایستگی عفو و تغافل

در اخلاق الهی، عفو و تغافل در روابط انسانی جایگاه بسیار مهمی دارد؛ چنانکه فرمان خدای متعال در برابر خطاهای عموم انسان‌ها می‌فرماید: «وَلِيَعْفُوا وَلِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟^۱ باید ببخشند و نادیده بگیرند. آیا دوست ندارید که خداوند شما را ببخشد؟». این دستور، اصلی عمومی است؛ از این رو به یقین گذشت و چشم‌پوشی به نحو تغافل در ارتباط با اعضای خانواده اولویت دارد؛ زیرا تغافل، صفت اخلاقی مهمی است که در همه عرصه‌ها سرنوشت‌ساز است. از همین روست که امام علی علیه السلام فرموده است: «وَإِنَّ الْعَاقِلَ نِصْفُهُ اِحْتِمَالٌ وَنِصْفُهُ تَغَافُلٌ؛^۲ عاقل و خردمند، نصفش تحمل و بردباری است و نصف دیگرش تغافل و نادیده‌گیری». اهمیت این مسئله از آنجا ناشی می‌شود که اگر کوچکترین خطایی از سوی اعضا در محیط خانواده رخ دهد و به جای چشم‌پوشی، به آن خطا پر و بال داده شود؛ خانواده به جهنم تبدیل می‌شود. به همین دلیل است که عفو و صفا در بدترین شرایط، از ضروریات زندگی خانوادگی است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغَفَّرُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ؛^۳ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بعضی از همسران و فرزندان دشمنان شما هستند، از آن‌ها بر حذر باشید و اگر عفو کنید و چشم‌پوشید و ببخشید، (خدا شما را می‌بخشد)؛ چرا که خداوند بخشنده و مهربان است».

در این آیه سه رفتار اخلاقی «عفو»، «صفا» و «غفران» آمده است که از نظر آیت‌الله مکارم شیرازی، سلسله مراتب بخشش گناه را بیان می‌کند؛ زیرا عفو به معنی صرف نظر کردن از مجازات و صفا، مرتبه بالاتری است؛ یعنی ترک هر گونه سرزنش، و غفران به معنی پوشاندن گناه و به فراموشی سپردن آن است.^۴ در ابتدای آیه سخن از دشمنی همسران و فرزندان است، ولی در ادامه سخن از گذشت، پوشاندن خطا، چشم‌پوشی و بخشیدن به نحو فراموشی خطاست. پدر خانواده گاهی با دشمنی زن و فرزندانش مواجه می‌شود و مادر خانواده نیز ممکن است به همین شرایط دچار شود. آیت‌الله مکارم شیرازی معتقد است علت‌های دشمنی کم نیست؛ گاه می‌خواهید اقدام به کار مثبتی کنید مانند خدمات عمومی، هجرت تحصیلی، حرکت جهادی و

۱. نور: ۲۲.

۲. علی بن محمد لثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۸۴.

۳. تغابن: ۱۴.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۰۶.

... دامان شما را می‌گیرند و مانع این فیض عظیم می‌شوند. گاه انتظار مرگ شما را می‌کشند تا ثروت شما را تملک کنند و ... این دشمنی گاه در لباس دوستی و به گمان خدمت است و گاه به راستی با نیت سوء و قصد عداوت و یا به قصد رسیدن به منافع دنیایی انجام می‌گیرد.

آثار عفو و تغافل در خانواده

بخشش و تغافل آثار ارزشمندی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. زندگی اخلاق‌مدارانه

عفو و تغافل، نقش مهمی در خوش گذشتن و سالم ماندن روابط خانوادگی دارند. گذشت شوهر از خطاهای همسر خود که از سر نادانی انجام داده است، زندگی را شیرین می‌کند؛ از همین روست که امام صادق علیه السلام در مورد وظایف شوهر فرمود است: «وَإِنْ جَهِلَتْ عَقْرَ لَهَا؛^۱ اگر زن دچار خطای جاهلانه شد، بر مرد است که با گذشت با او برخورد کند».

در همین حدیث لذت بردن از زندگی با همسر، منوط به همین صفت بخشش شده است. راوی این حدیث که اسحاق بن عمار است، نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام همسری داشت که حضرت را اذیت می‌کرد، ولی امام علیه السلام از خطای او چشم‌پوشی می‌کرد و او را می‌بخشید: «كَانَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام امْرَأَةٌ وَكَانَتْ تُؤْذِيهِ فَكَانَ يَغْفِرُ لَهَا».^۲

از امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است: «صَلَحَ حَالِ التَّعَائِشِ وَالتَّعَاشِرِ مِلْءُ مِكْيَالٍ ثَلَاثَةٌ فِطْنَةٌ وَثَلَاثَةٌ تَغَافُلٌ»^۳ مصلحت، همزیستی سالم و معاشرت با مردم، پیمانۀ پُری است که دو سوم آن زیرکی و هوشیاری و یک سوم آن تغافل (و نادیده گرفتن خطا) است».

این روایت ضمن تأکید بر تغافل مثبت، از تغافل منفی بر حذر می‌دارد. حدیث ابتدا تأکید به زیرکی و هوشیاری و ترک غفلت می‌کند و سهم آن را دو سوم می‌داند؛ به این معنا که انسان نباید از مسائل مهم زندگی بی‌خبر بماند؛ بلکه باید با کمال دقت، مراقب آنچه که خیر و صلاح او در آن است؛ باشد. از سوی دیگر نسبت به اموری که لازم است مورد بی‌اعتنایی و بی‌توجهی قرار گیرد، دستور به «تغافل» می‌دهد؛ مانند دقت در مسایل جزئی زندگی که اهمیت چندانی ندارند و انسان را از رسیدگی به امور مهم باز می‌دارد. مخفی کردن عیوب پنهانی اعضای خانواده و

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۱۶.

۲. همان.

۳. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۵۹.

جامعه نیز در مواردی که مصلحت ایجاب می‌کند، در زمره تغافل قرار می‌گیرد. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره تغافل در برخی امور زندگی فرموده است: «مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَغُضَّ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ تَنَفَّصَتْ عَيْشَتُهُ»^۱ کسی که تغافل و چشم‌پوشی از بسیاری امور نکند، زندگی برای او ناگوار خواهد شد.

بنابراین از آنجا که زندگی خانوادگی خالی از اموری نیست که برخلاف توقع آدمی باشد، اگر انسان جزئیات زندگی اعضای خانواده را با کنجکاوی و دقت پیگیری کند و آن‌ها را مورد بازخواست قرار دهد؛ زندگی برای او و اطرافیانش تلخ می‌شود.

فراوان همی بخش و کم می‌شمار
ز منت نهادن همی کن کنار^۲

۲. حفظ حرمت‌ها و ارزش‌ها

پدر و مادر و بزرگان خانواده و جامعه، باید مراقب حرمت‌ها و حریم‌ها باشند و نگذارند که جایگاه ارزشی آن‌ها نزد کسانی که با آن‌ها رابطه دارند؛ خدشه‌دار شود. امام علی علیه السلام در بیانی حکیمانه فرموده است: «وَعَظُّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدُّنْيَا مِنَ الْأُمُورِ... وَ لَا تَكُونُوا بَحَّاثِينَ عَمَّا غَابَ عَنْكُمْ، فَيَكْثُرَ عَائِبُكُمْ... وَ تَكْرُمُوا بِالتَّعَامِي عَنِ الْأَسْتِصَاءِ»^۳ قدر و منزلت خود را با تغافل نسبت به امور پست و کوچک بالا برید... و زیاده از اموری که پوشیده و پنهان است، تجسس نکنید که عیب‌جویان شما زیاد می‌شوند... و با چشم بر هم نهادن از دقت بیش از حد در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید.

حدیث مذکور شرح آیه ۱۲ سوره حجرات است که می‌فرماید: «لَا تَجَسَّسُوا؛ موشکافی و تجسس نکنید». به همین دلیل است که حضرت فرموده است: «با چشم بر هم نهادن، از دقت بیش از حد در جزئیات، بزرگواری خود را ثابت کنید».

۳. حلم‌افزایی

حلم و بردباری، نقش بسیار مهمی در سلامت زندگی انسان دارد و در عصبانیت‌ها، عنصری مهم برای نجات از افراط و رفتارهای شرم‌آور است. تغافل، نقش مهمی در تقویت این صفت

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۱.

۲. عبدالرحمن بن احمد جامی، مثنوی هفت اورنگ، خردنامه اسکندری، بخش ۱۳.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۵، ص ۶۴، باب ۱۶.

دارد؛ چنانکه از امام علی علیه السلام نقل شده است: «لَا عَقْلَ كَالْتَّجَاهِلِ لَا جِلْمَ كَالْتَّغَاوُلِ؛^۱ هیچ عقلی مانند خود را به نادانی زدن نیست، هیچ حلمی مثل خود را به غفلت زدن نیست».

۴. شایستگی ستایش مردم

کسانی که توان تغافل دارند، مورد ستایش دیگران قرار می‌گیرند؛ چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: «تَغَاوُلُ يُحْمَدُ أَمْرًا؛^۲ چشم‌پوشی کن تا مورد ستایش قرار گیری». خدای متعال نیز در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران فرموده است: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» و بدین وسیله عفو کردن مردم را ستوده و این صفت را از اوصاف اهل تقوا شمرده است که سبب جلب محبت خداوند می‌شود.

عفو و تغافل یوسف علیه السلام

قصه حضرت یوسف علیه السلام، یک نمونه از تغافل و بخشش در ارتباط با اعضای خانواده است. وقتی سرقتی ساختگی به بنیامین - برادر حضرت یوسف علیه السلام - نسبت داده شد، برادرانی که آن همه ظلم در حق یوسف علیه السلام کرده بودند؛ تهمتی را که در کودکی به یوسف زده شده بود، تکرار کردند. آنان بی‌رحمانه گفتند که اگر این جوان دزدی کند، چیز عجیبی نیست؛ چرا که برادرش (یوسف) نیز قبلاً مرتکب چنین کاری شده است؛ زیرا که هر دو از یک پدر و مادرند و حساب آن‌ها از ما که از مادر دیگری هستیم، جداست. اگر چه آنان با این جسارت می‌خواستند خط فاصلی میان خود و بنیامین بکشند و سرنوشت او را با برادرش یوسف علیه السلام پیوند دهند، اما حضرت یوسف علیه السلام در عین رنجیدن، تغافل کرد و دروغ آنان را به رویشان نیاورد. قرآن در آیه ۷۷ سوره یوسف می‌فرماید: «قَالُوا إِنِّي يَسْرِقٌ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يَوْسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ».

ادامه ماجرا نشان می‌دهد که یوسف علیه السلام چقدر نسبت به اعضای خانواده و برادرانش گذشت نشان داد. قرآن در آیات ۸۹ تا ۹۲ سوره یوسف در مورد زمانی که برادران، یوسف علیه السلام را شناختند و از رفتارها و سخنان خود شرم‌منده شدند؛ می‌فرماید:

(یوسف) گفت: آیا زمانی را که نادان بودید، به یاد دارید که با یوسف و برادرش چه کردید؟ گفتند: شگفتا! آیا تو خود یوسفی؟! گفت: من یوسفم و این برادر من است ... گفتند: به خدا سوگند یقیناً که خدا تو را بر ما برتری بخشید و به راستی که ما خطاکار بودیم. (یوسف) گفت:

۱. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۲ و ۲۴۴.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۵۲.

امروز هیچ ملامت و سرزنشی بر شما نیست، خدا شما را می‌آمرزد و او مهربان‌ترین مهربانان است.

حضرت یوسف علیه السلام حتی منتظر عذرخواهی برادرانش نشد و آنان را بخشید. بر اساس این سبک زندگی قرآنی، افراد با ایمان در عین قاطعیت در حفظ اصول اعتقادی خویش و عدم تسلیم در مقابل همسر و فرزندان که با آنان دشمنی دارند و یا آن‌ها را به راه خطا دعوت می‌کنند، باید تا آنجا که می‌توانند در تمام مراحل از محبت و عفو و گذشت دریغ نکنند؛ زیرا چنین اخلاقی، وسیله‌ای برای تربیت و بازگرداندن آنان به خط اطاعت خداوند است.^۱ آنچه کردی انفعالش عذر خواهد، باک نیست

چشم‌ها روزی اگر با هم مقابل می‌شود

دیده را خونبار خواهد کرد از دیدار، زود

گر تغافل در میان زین‌گونه حایل می‌شود^۲

شرایط عفو و تغافل

۱. تغافل در مواردی است که عضو خانواده متوجه نشود که والدین خطایش را فهمیده‌اند و اگر متوجه شود، این تغافل نوعی بی‌تفاوتی پدر و مادر در مقابل اشتباه فرزندشان تلقی می‌شود و گناه برای فرزند عادی جلوه می‌کند. برای مثال فرزندی در مقابل پدرش به مادرش توهین می‌کند و پدر ضمن سکوت هیچ عکس‌العملی از خود نشان نمی‌دهد. این سکوت نه تنها گذشت و تغافل نیست؛ بلکه باعث جری شدن فرزند در این عمل قبیح و زشت می‌شود.

۲. گذشت و تغافل و بخشیدن به این معنی نیست که به اعضای خانواده آزادی مطلق داده شود و هیچ‌گونه نظارت و ارشاد و هدایتی در کار نباشد؛ زیرا افراط در عفو و تغافل، فرد خطاکار را جسورتر و بی‌اعتنا نسبت به مسائل بار می‌آورد. از این رو باید برنامه تربیتی میانه انتخاب شود.

۳. شناخت مواردی که عفو و تغافل در آن‌ها جایز است، بسیار مهم است. امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: «وَ عَظُّمُوا أَقْدَارَكُمْ بِالتَّغَافُلِ عَنِ الدَّنِيِّ مِنَ الْأُمُورِ»^۳ قدر و منزلت خود را با تغافل نسبت به امور پست و کوچک بالا ببرد.

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۰۶-۲۰۴.

۲. کمال‌الدین محمد وحشی بافقی، گزیده برترین اشعار وحشی بافقی، غزلیات، غزل ۱۶۱.

۳. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، ص ۱۸۰.

این حدیث نشان می‌دهد که تغافل مربوط به امور مهم و سرنوشت‌ساز زندگی نیست؛ بلکه مربوط به امور جزئی و مسائلی است که در زندگی نقش حیاتی و سرنوشت‌ساز ندارند. بنابراین تغافل، منافاتی با امر به معروف و نهی از منکر و انتقاد سازنده ندارد؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر مربوط به واجبات و محرمات است که از محدوده تغافل بیرون است و انتقاد سازنده، مربوط به اموری است که در سرنوشت فرد و جامعه اثر قابل ملاحظه‌ای دارد؛ در حالی که تغافل مربوط به امور جزئی و شخصی و یا عیوبی است که مصلحت در پرده‌پوشی و مخفی ماندن آن است.^۱

فهرست منابع

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت: دارصادر، بی‌تا.
۳. امینی، ابراهیم، آیین همسررداری، چاپ بیست و نهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
۴. بلخی، جلال‌الدین محمد، کلیات شمس تبریزی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ اول، تهران: راد، ۱۳۷۵ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ش.
۶. جامی، عبدالرحمن بن احمد، مثنوی هفت اورنگ، تصحیح جابلقا دادعلیشاه، تهران: مرکز مطالعات ایرانی، ۱۳۷۸ش.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح صفوان عدنان داودی، چاپ اول، بیروت - دمشق: دارالقلم - دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۸. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چاپ ششم، قم: منشورات شریف رضی، ۱۳۹۲ق.
۹. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، چاپ دوم، نجف: مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ش.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
۱۱. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.

۱. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۲، ص ۳۵۳.

نقش گذشت و تغافل در استحکام خانواده ■ ۱۷

۱۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، تهیه و تنظیم جمعی از فضلاء، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۷۷ش.
۱۴. _____ و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.
۱۵. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۶. وحشی بافقی، کمال الدین محمد، گزیده برترین اشعار وحشی بافقی، چاپ اول، قم: انتشارات نسیم بهشت، ۱۳۹۶ش.
۱۷. همدانی، بابا طاهر، دیوان بابا طاهر، چاپ اول، تهران: انتشارات شفیعی، ۱۳۹۹ش.

روش‌های افزایش استحکام خانواده

با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام

مرضیه قنبری *

مقدمه

خانواده، رکن اساسی هر جامعه و نقطه آغازین زندگی اجتماعی انسان‌ها و نخستین کانون تمدن و آرامش بشری است. استحکام این بنای مقدس، چشم‌اندازهای روشنی را در افق پیشرفت اجتماع ترسیم خواهد کرد. از نگاه اسلام، خانواده یکی از نهادهای زیربنایی بنیاد هستی و از ساختارهای اصلی جامعه است؛ زیرا «جامعه مطلوب» با وجود «خانواده مطلوب» شکل می‌گیرد؛^۱ خانواده‌ای که رهبر فرزانه انقلاب علیه السلام فرمود: «خانواده، کلمه‌ای طیبه است. کلمه طیبه هم خاصیت‌اش این است که وقتی یک جایی به وجود آمد، مرتب از خود برکت و نیکی می‌تراود و به پیرامون خودش نفوذ می‌دهد. کلمه طیبه، همان چیزهایی است که خدای متعال آن را با همان اساس صحیح به بشر اهدا کرده [است]». ^۲ با توجه به منظومه فکری امام خامنه‌ای علیه السلام مبنی بر استحکام خانواده، بر آن شدیم که مبانی ایشان را با بهره‌گیری از آیات و روایات، درباره «روش‌های استحکام خانواده» تبیین نماییم؛ اثرپیش‌رو در محورهای زیر سامان یافته است.

نقش زن در خانواده

از آنجا که هدف از خلقت انسان‌ها، رسیدن به مقام قرب الهی از طریق تکامل انسان‌هاست؛

* دکترای تفسیر تطبیقی دانشگاه قم.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای علیه السلام، «کانون گرم خانواده»، ۱۳۸۶/۰۸/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21429>

خداوند تمام هستی را در مسیر کمال انسان قرار داده است و انسان می‌تواند با شکوفایی استعدادهای خویش، از حیات طیبه بهره‌مند و به درجه‌ای از قرب الهی نائل شود؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا نَظَرَ إِلَىٰ أَمْرَاتِهِ وَنَظَرَ إِلَيْهِ نَظَرَ اللَّهُ تَعَالَىٰ إِلَيْهِمَا نَظَرَ الرَّحْمَةِ؛^۱ وقتی مردی به همسر خود نگاه کند و همسرش به او نگاه کند، خداوند به دیده رحمت به آن دو نگاه می‌کند». در این صورت فرزندان نیز از والدین الگو می‌گیرند و محبت به یکدیگر و والدین را سرلوحه خود قرار می‌دهند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایت دیگری فرموده است: «مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِيَامِ نَهَارِهَا وَقِيَامِ لَيْلِهَا؛^۲ هیچ زنی نیست که جرعه‌ای آب به شوهرش بنوشاند، مگر آنکه این عمل او برایش بهتر از یک سال باشد که روزهایش را روزه بگیرد و شب‌هایش را به عبادت سپری کند». در این صورت تعامل اعضای خانواده با یکدیگر، بر پایه عشق، محبت، آرامش و اطاعت‌پذیری شکل خواهد گرفت که نقش اساسی در استحکام خانواده دارد؛ از این روست که رهبر معظم انقلاب علیه السلام فرموده است: «یکی از مهم‌ترین وظایف زن، خانه‌داری است. همه می‌دانند، بنده عقیده ندارم به اینکه زن‌ها نباید در مشاغل اجتماعی و سیاسی کار کنند. نه، اشکالی ندارد؛ اما اگر چنانچه این به معنای این باشد که ما به خانه‌داری به چشم حقارت نگاه کنیم، این می‌شود گناه. خانه‌داری یک شغل است؛ شغل بزرگ، شغل مهم، شغل حساس، شغل آینده‌ساز».^۳

روش‌های استحکام خانواده

روش‌هایی برای استحکام بنیان خانواده وجود دارد که در اینجا به بخشی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. محبت‌افزایی

اهمیت محبت و عشق حقیقی در استحکام روابط زوجین و تحکیم روابط والدین و فرزندان، تا آنجاست که امام خامنه‌ای علیه السلام فرموده است:

امروز در دنیا تعبیر بدی از محبت می‌کنند. این عشقی که تعبیر می‌کنند، این‌ها، آن محبت واقعی نیست. این، همان حالت هیجان جنسی است آن چیزی که با ارزش است، آن محبت

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۲۷۸.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، هدایة الامة الی احکام الائمة علیهم السلام، ج ۷، ص ۸۵.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای علیه السلام، «شغل حساس و آینده‌ساز»،

۱۳۹۸/۰۸/۰۴.

عمیق و صمیمی و خدایی و همراه با احساس مسئولیت متقابل بین دختر و پسر است که بدانند حالا بعد از این، یک واحدند و یک هدف را دنبال می‌کنند. این، آن محبتی است که خانواده بر اساس آن شکل می‌گیرد.^۱

از نظر ایشان محبت اولیه میان زن و مرد، امری ذاتی و طبیعی است: «طبیعت الهی زن و مرد در محیط خانواده، طبیعی است که برای زن و برای مرد به وجود می‌آورد که آن رابطه، رابطه عشق و مهربانی است». ^۲ استناد ایشان به این آیه شریفه است که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۳ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند». این آیه شریفه بیشتر بر حفظ محبت تأکید دارد. اهمیت این مسئله در روایات نیاز تا آنجاست که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكِ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»^۴ این سخن مرد به زن که دوست دارم، هرگز از دل زن بیرون نرود». آن حضرت در حدیث دیگری محبت به همسر را نشانه افزایش ایمان معرفی کرده و فرموده است: «كَلَّمَا ازادَ الْعَبْدُ إِيْمَانًا ازادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ»؛ هر چه ایمان بنده بیشتر شود، زن دوستی او فزون‌تر می‌شود». مقام معظم رهبری تداوم خانواده را در محبت و رعایت حقوق یکدیگر می‌داند و می‌فرماید: «محبت در صورتی خواهد ماند که طرفین حقوق یکدیگر و حدود خود را رعایت کنند و از آن تخطی و تجاوز نکنند؛ یعنی در واقع هر کدام از این دو طرف که دو شریک هستند و با هم زندگی را بنا می‌کنند، سعی کنند که جایگاه خود را در دل و ذهن و فکر طرف مقابل، جایگاه راسخ و نافذی قرار دهند».^۶

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای دامنه‌ای، «بالا تر از واقعیت»، ۱۳۸۶/۰۸/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21433>

۲. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859>

۳. روم: ۲۱.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶۹؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۰.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۸.

۶. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای دامنه‌ای، «بالا تر از واقعیت»، ۱۳۸۶/۰۸/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21433>

۲. رفق و مدارا

«رفق» در لغت، به معنی کاری را خوب انجام دادن و نرمخویی در برابر تندخویی^۱ و «مدارا» به معنی نرمی، ملاحظت، ملایمت و احتیاط کردن است.^۲ رفق و مدارا در زندگی، از ارزش‌های والای انسانی است که مورد تأکید اسلام است و رعایت سازگاری و مدارا از سوی فرد، چه در محیط اجتماعی و چه در محیط خانوادگی، زمینه ظهور و بروز ده‌ها صفت و رفتار اخلاقی دیگر را فراهم می‌آورد؛ به‌ویژه بازخوردهای مثبت سازگاری در خانواده و در برخورد با ناسازگاری‌ها، بیش از هر رفتار دیگری ثمربخش خواهد بود. رعایت اصل مدارا، از شیوه‌های همیشگی انبیا بوده است که همواره در فعالیت‌های تبلیغی و در برخورد با مردم، آن را سرلوحه امور قرار می‌دادند؛ چنانکه رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «أَمْرُنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرُنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ»^۳ پروردگارم مرا به مدارای با مردم فرمان داد، چنانکه به بر پا داشتن واجبات فرمانم داد.»

اهمیت سازگاری با اعضای خانواده و به‌ویژه همسر از دیدگاه اسلام، از آن‌روست که فرد باید ارتباط خود با همسرش را بر اساس صلح، آشتی و همنوایی قرار دهد و بکوشد زمینه‌های بروز تنش و نزاع را در ارتباط با همسر خود از بین ببرد یا به حداقل ممکن کاهش دهد. سازگاری با همسر را می‌توان همنوایی با او دانست تا جایی که به خودشکوفایی فرد و ارزش‌های الهی او آسیب نزنند. مقام معظم رهبری رحمته‌الله، یکی از عوامل استحکام خانواده را مدارا و ایراد نگرفتن از همسر دانسته است.^۴ از نظر ایشان زوجین باید در تمامی دوران زندگی و به‌خصوص سال‌های اول با یکدیگر سازگاری داشته باشند که این سازش، از نوع سازش خوب است؛^۵ زیرا سازگاری موجب نزدیکی دل‌ها و استحکام پیوندها می‌شود.^۶ ایشان مراد از سازش را تطبیق دادن خود با

۱. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۱۴۹.

۲. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رحمته‌الله، «کانون گرم خانواده»، ۱۳۸۶/۰۸/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21429>

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای رحمته‌الله، «سازش و سازگاری»، ۱۳۸۶/۰۸/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21435>

۶. همان.

شرایط زندگی دانسته است که اگر طرف مقابل قابل اصلاح است، اصلاحش نماید؛ و گرنه با او بسازد.^۱ امام هادی علیه السلام در این باره فرموده است: «بگو مگو، دوستی طولانی را از بین می‌برد و رابطه محکم را به جدایی می‌کشاند و کمترین اثر بگو مگو این است که هر کدام از دو طرف می‌خواهد بر دیگری پیروز شود و همین در پی پیروزی بودن، مهم‌ترین عامل قطع رابطه است.»^۲

بر این اساس رفق و مدارا، از عوامل تحکیم نظام خانواده است. فرماندهان شهدای دفاع مقدس همین اخلاق را داشتند که با همسران خود مدارا می‌کردند. همسر شهید محمدابراهیم همت می‌گوید:

ابراهیم کم‌دی داشت که وسایل شخصی‌اش و بعضی از چیزهایی را که دوستان و نیروهایش به او می‌دادند، در آن نگهداری می‌کرد. روزی بدون اجازه او و از سر کنجکاوی سر کم‌د رفتم. چشمم به نامه‌های داخل کم‌د افتاد. آن‌ها نامه‌های شهدا بود که ابراهیم نگهداری می‌کرد. چندتایی از آن‌ها را برداشتم و خواندم. وقتی برگشت و ماجرا را متوجه شد، ناراحتی را در چهره او دیدم. آماده هر نوع رفتاری بودم و به اشتباهم پی برده بودم، اما او سجاده‌اش را پهن کرد و مشغول نماز شد تا ناراحتی‌اش فروکش کند. این نوع رفتارها و مدارای ابراهیم با اشتباه من، بیش از هر کار دیگری در من تأثیر داشت.^۳

امام علی علیه السلام درباره مدارا با همسر فرموده است: «فَدَارَهَا عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ وَاحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا؛ فَيَصْفُو عَيْشَكَ؛^۴ همیشه با همسرت مدارا کن و با او به نیکی همنشینی کن تا زندگی‌ات باصفا شود.»

۳. امانت‌داری و رازداری

امانت‌داری زن در برابر اموال مرد خانواده، از ویژگی‌های خانواده سالم است که زن باید در حضور و غیاب مرد حافظ دارایی‌ها و نیز امانت‌دار اسرار و مشکلات داخل خانواده باشد؛ هم‌چنانکه مقام معظم رهبری رحمته الله علیه معتقد است یکی رفتارهایی را که منجر به استحکام خانواده

۱. همان.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۳۷۰.

۳. رضا آبیاری، سرداران آسمانی، همسران زمینی، ص ۳۲ و ۳۳.

۴. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۰، ح ۳.

می‌شود، امانت‌داری است: «زن و شوهر باید راز هم را حفظ کنند، زن نباید راز شوهر را پیش کسی بازگو کند... حواستان جمع باشد، اسرار هم را محکم نگه دارید تا زندگی انشاءالله شیرین و مستحکم شود».^۱ این مبنای رهبر انقلاب علیه‌السلام، ریشه در آموزه‌های دینی دارد؛ چنانکه امام رضا علیه‌السلام فرموده است: «ما آفادَ عَبْدًا فَائِدَةٌ خَيْرًا مِنْ رُؤْيَةِ صَالِحَةٍ إِذَا رَأَاهَا سَرَّتُّهُ وَإِذَا غَابَ عَنْهَا حَفِظَتْهُ فِي نَفْسِهَا وَ مَالِهِ»^۲ آدمی سودی بهتر از همسر شایسته به چنگ نیاورده است؛ همسری که شوهرش با دیدن او خوشحال شود و هر گاه از وی دور شود، در غیابش نگهبان خود و اموال او باشد».

امانت‌داری از خصلت‌هایی است که افزون بر جلب رضایت همسر، جلب رضایت خداوند را نیز در پی دارد؛ چنانکه امام علی علیه‌السلام فرموده است: «إِذَا أَحَبَّ اللَّهُ عَبْدًا حَبَبَ إِلَيْهِ الْأَمَانَةَ».^۳ امانت‌داری موجب کامل شدن دین نیز می‌شود؛ چنانکه امام صادق علیه‌السلام فرموده است: «چهار چیز است که اگر در هر کس باشد، مؤمن است؛ اگر چه از فرق سر تا پاها غرق در گناه باشد: راستگویی، حیا، حسن خلق و شکر».^۴ قرآن نیز یکی از صفات زنان صالح را حفظ اسرار دانسته و فرموده است: «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...»^۵ و زنان صالح، زنانی هستند که متواضع هستند و در غیاب (همسر خود) اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده است، حفظ می‌کنند». بر اساس این آیه شریفه زنان صالح و درستکار، زنانی فروتن هستند که در قبال خانواده خود متعهدند و نه تنها در حضور مرد خانواده، بلکه در غیاب او نیز در برابر دارایی، ناموس، آبرو، اسرار و هر چیزی که به شخصیت مرد مربوط است، امانت‌دار هستند.^۶ در واقع چنین زنانی، مطیع امر خداوند و همسران خود هستند که حقوق و احترام همسران‌شان را حفظ می‌کنند.^۷

روزی شخصی نزد شیخ ابوسعید ابوالخیر آمد و گفت: «ای شیخ! نزد تو آمده‌ام تا به من از

۱. بیاناتی از رهبر انقلاب در مراسم عقد ازدواج، ۱۳۸۳/۰۳/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=1137>

۲. عبدالله بن جعفر حمیری، قرب الاسناد، ص ۲۰.

۳. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۱۳۵.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۰۷.

۵. نساء: ۴۳.

۶. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۱.

۷. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۹.

اسرار حق چیزی بیاموزی». شیخ به او گفت: «برگرد و فردا بیا تا راز حق به تو بیاموزم». او فردا نزد شیخ آمد. شیخ موشی را در درون حُقه (قوطی یا ظرف کوچکی که در آن جواهر می‌گذارند) نهاده و سر حُقه را نیز محکم بسته بود. وقتی آن شخص آمد، شیخ آن حُقه را به او داد و گفت: «حُقه را ببر، ولی بکوش که مبادا سر آن را باز کنی». آن مرد آن حُقه را با خود برد، ولی سر انجام آتش هوس او شعله‌ور شد که در میان این حُقه چیست و چه رازی وجود دارد؟! وسوسه هوای نفس، او را واداشت تا سرانجام سر آن را باز کرد. ناگاه موشی از آن بیرون جست و فرار کرد. او نزد شیخ آمد و گفت: «من از تو سر خدا خواستم، تو موشی به من دادی؟!». شیخ گفت: «ای درویش! ما موشی در حُقه به تو دادیم، تو نتوانستی آن را پنهان کنی؛ چگونه سر الهی را به تو دهیم که آن را نگاه داری؟»^۱

گفت پیغمبر که هر که سرنهفت
زودد گردد بامراد خویش جفت
دانه‌ها، چون در زمین پنهان شود
سرآن، سرسبزی بستان شود^۲

۴. عیب‌پوشی

زن و مرد باید عیوب یکدیگر را پوشانند. رهبر فرزانه انقلاب علیه‌السلام در این خصوص فرموده است: «اگر دیدید که همسرتان یک نقطه عیبی دارد و مجبورید او را تحمل کنید، تحمل کنید که او هم هم‌زمان دارد یک عیبی را از شما تحمل می‌کند. آدم عیب خودش را که نمی‌فهمد، عیب دیگری را می‌فهمد. پس بنا بگذارید بر تحمل. اگر چنانچه قابل اصلاح است، اصلاحش کنید؛ اگر دیدید کاری نمی‌شود کرد، با او بسازید».^۳ قرآن نیز درباره عیب‌گوشی همسران در مقابل یکدیگر می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ...».^۴ لباس انسان را از گرما و سرما و خطر حفظ می‌کند، عیوب را می‌پوشاند و نیز زینت بدن انسان است. بنا بر این تشبیه، زوجین همدیگر را از انحرافات حفظ می‌کنند، عیوب هم را می‌پوشانند، وسیله آسایش و آرامش یکدیگرند و هر یک

۱. محمد محمدی اشتهاردی، داستان دوستان، ج ۵، ص ۲۸۲.

۲. جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر اول، ابیات ۱۷۶ و ۱۷۷.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای علیه‌السلام، «سازش و سازگاری»، ۱۳۸۶/۰۸/۱۹.

زینت دیگری محسوب می‌شوند.^۱ علامه طباطبایی^{علیه السلام} نیز معتقد است که این عبارت استعاره است از اینکه هر یک از زوجین طرف دیگر خود را از رفتن به فسق و فجور و اشاعه آن در میان افراد نوع جلوگیری می‌کند؛ پس در حقیقت مرد لباس زن، و زن ساتر مرد است.^۲ از آنجا که لباس انسان را می‌پوشاند و حفظ می‌کند، زن و مرد به لباس تشبیه شده‌اند.^۳ بنابراین زن و مرد دو جنس مکمل یکدیگر و عامل شکوفایی، نشاط و پرورش هم هستند؛ به گونه‌ای که هر یک بدون دیگری، ناقص است.^۴ مقام معظم رهبری^{علیه السلام} سازش در روابط زن و مرد را سازشی نیکو دانسته و توصیه نموده است که کمبودها، نقایص و ضعف‌های همسر نباید منجر به دلسردی شود؛ زیرا هیچ انسانی ایده‌آل و بی‌عیب و نقص نیست.^۵

۵. آرامش‌افزایی

از نظر روان‌شناسان محیط خانواده، امن‌ترین و رضایت‌بخش‌ترین بستر برای ارضای نیازهای روانی و به‌ویژه آرامش روانی است. محبت، غمخواری و پذیرش یکدیگر که از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ضروریات زندگی اجتماعی است؛ به بهترین وجه در خانواده مطلوب تأمین می‌شود. در چنین خانواده‌ای زن و مرد به دلیل روابط صمیمی و خوب، در زمان غم و اندوه به راحتی در کنار همسر خود به آرامش می‌رسند. اگر چه رهبری خانواده به عهده مرد است، ولی زن به سبب عواطف و احساسات قوی زنانگی، نقش اصلی و مؤثرتری را در تأمین آرامش و سلامت روانی خانواده ایفا می‌کند؛ از همین روست که در خانه مسئولیت‌های بیشتری به زن داده شده است.^۶ آرامش مرد در ورود به منزل، یافتن محیط امن خانه، زن دلسوز و مهربان و امین است.^۷ البته آرامش واقعی و اصیل از ایمان زوجین نشئت می‌گیرد؛ از همین روست که خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۵۰.

۲. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۴۴.

۳. محمود بن عمر زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۲۳۰.

۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، زن از زبان قرآن، ص ۲۱.

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای^{علیه السلام}، «سازش و سازگاری»، ۱۳۸۶/۰۸/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21435>

۶. مجید معارف و احمد قماشچی، «عوامل آرامش در خانواده در سبک زندگی امام علی(ع) و حضرت زهرا(س)»، ص ۹۸.

۷. بیاناتی از رهبر انقلاب در مراسم عقد ازدواج، ۱۳۸۳/۰۳/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=۱۱۳۷>

السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ؛^۱ او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزایند؛ لشکریان آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خداوند دانا و حکیم است». امام خمینی علیه السلام درباره نور ایمان در قلب آدمی فرموده است: قلبی که در آن نور توحید و معرفت کمال مطلق تابیده باشد، دارای طمأنینه، ثبات، تأنی و قرار است که مجاری امور را به قدرت خداوند می‌داند و زمام امر موجودات را به دست خود آن‌ها نمی‌داند. چنین قلبی اضطراب و شتاب‌زدگی و بی‌قراری ندارد. اگر قلبی در حجاب‌های خودبینی، شهوات و لذات حیوانی باشد؛ از فوت لذات حیوانی خوفناک است و طمأنینه قلب را از دست داده و در کارها با عجله و شتاب‌زدگی اقدام می‌کند.^۲

همسر گرامی مقام معظم رهبری علیه السلام می‌گوید:

فکر می‌کنم بزرگ‌ترین نقش من، حفظ جو آرامش خانه بود؛ طوری که ایشان بتوانند با خیال راحت به کارشان ادامه دهند. من سعی داشتم تا ایشان را از نگرانی در مورد خود و فرزندانم دور نگهدارم. گاهی اوقات که برای ملاقات ایشان به زندان می‌رفتم، از مشکلاتی که داشتیم؛ چیزی به ایشان نمی‌گفتم و در پاسخ به سؤالات‌شان درباره وضعیت خودم و فرزندان صرفاً خبرهای خوب می‌دادم. برای مثال طی ملاقات‌هایی که با ایشان در زندان داشتم یا در نامه‌هایی که در دوران تبعید برای ایشان می‌نوشتم، هرگز چیزی در مورد بیماری فرزندان نمی‌گفتم و نمی‌نوشتم.^۳

۶. اطاعت‌پذیری

ازدواج، قرارداد مقدسی میان زن و مرد است که حقوق و وظایفی برای زوجین ایجاد می‌کند. در حقوق اسلام، انفاق و تأمین هزینه زندگی خانواده بر عهده مرد است: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ...».^۴ زن نیز در مقابل، مکلف است که از مرد به عنوان رئیس خانواده اطاعت کند. مقام معظم رهبری علیه السلام با توجه به آیه فوق، سرپرستی خانه و معیشت خانه را از آن مرد می‌داند، البته این به معنی حکومت مطلق مرد در خانواده نیست:

۱. فتح: ۴.

۲. سید روح‌الله موسوی خمینی، شرح جنود عقل و جهل، ص ۳۶۲ و ۲۶۳.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ، «نگاهی به ویژگی‌های خانواده مطلوب از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام»، ۱۴۰۰/۰۵/۲۲، کد خبر: ۱۶۲۷۴.

این طور هم نیست که بگوییم همه جا خانم باید از آقا تبعیت کند؛ نخیر. چنین چیزی نه در اسلام داریم و نه در شرع. «الزَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»، معنایش این نیست که زن بایستی در همه امور تابع شوهر باشد. نه! یا مثل برخی از این اروپا ندیده‌های بدتر از اروپا و مقلد اروپا، بگوییم که زن بایستی همه کاره باشد و مرد باید تابع باشد؛ نه این هم غلط است. بالاخره دو تا شریک و دو تا رفیق هستید، یک‌جا مرد کوتاه بیاید، یک‌جا زن کوتاه بیاید. یکی اینجا از سلیقه و خواست خود بگذرد، دیگری در جای دیگر تا بتوانید بایکدیگر زندگی کنید.^۱

از نظر ایشان زن نیز همانند مرد در محیط خانواده، صاحب حق است و نباید در حق زن اجبار و تحمیل روا داشت.^۲ بهترین شیوه سرپرستی مدیریت مرد در خانواده، این است که حاکمیت قلب افراد خانه را بر عهده گیرد. به عبارت دیگر اداره منزل تنها با حکومت بر دل‌ها امکان‌پذیر است و تسلط بر جسم به تنهایی مؤثر واقع نمی‌شود؛ زیرا هر گاه بر دل‌ها حکومت شود، فرمانبری حتمی است و نیازی به خشونت و اعمال زور نیست.^۳

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
۲. آبیاری، رضا، سرداران آسمانی، همسران زمینی، قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۰ش.
۳. بلخی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، تصحیح رینولد نیکلسون، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۴۰۰ش.
۴. پاینده، الوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، چاپ اول، مشهد: آستانة الرضوية المقدسة، ۱۴۱۴ق.
۶. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الإسناد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت عليهم السلام، ۱۴۱۳ق.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای دامنه‌ای، «حق کرامت زن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای»، ۱۴۰۱/۰۶/۰۹.

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=50835>

۲. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2859>

۳. حسین مظاهری، خانواده در اسلام، ص ۲۴ و ۲۵.

۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۰ق.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۰ق.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۲. لثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۱۴. محمدی اشتهاردی، محمد، داستان دوستان، چاپ پنجم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.
۱۵. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، زن از زبان قرآن، قم: جمال، ۱۳۸۸ش.
۱۶. مظاهری، حسین، خانواده در اسلام، چاپ اول، قم: شفق، ۱۳۹۰ش.
۱۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله، شرح جنود عقل و جهل، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۷ق.
۱۸. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

مجلات و سایت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای علیه السلام.
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ، «نگاهی به ویژگی‌های خانواده مطلوب از منظر مقام معظم رهبری علیه السلام»، ۱۴۰۰/۰۵/۲۲، کد خبر: ۱۶۲۷۴.
۳. معارف، مجید و احمد قماشچی، «عوامل آرامش در خانواده در سبک زندگی امام علی علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی زنان، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۲۴-۹۳.

نقش سبک زندگی غربی در کاهش فرزندآوری

حسنیه صالحان*

مقدمه

سونامی سالمندی جمعیت در آینده‌ای نزدیک، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام و نخبگان دلسوز نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ تا جایی که رهبر انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه فرمود: «یکی از خطراتی که وقتی انسان درست به عمق آن فکر می‌کند، تن او می‌لرزد؛ این مسئله جمعیت است». ^۱ برای درک مفهوم سونامی سالمندی، کافی است بدانیم که نرخ باروری در ایران از ۶/۴ فرزند در سال ۱۳۶۴ به نرخ ۱/۶ در سال ۱۳۹۴ سقوط کرده است. همچنین در سال ۱۳۹۰، تعداد ازدواج ۸۷۴ هزار بود که این رقم در سال ۱۴۰۰، به ۵۷۰ هزار کاهش پیدا کرد. تعداد طلاق در سال ۱۳۹۰، حدود ۱۴۳ هزار عدد بود که در سال ۱۴۰۰، این عدد به ۲۰۰ هزار افزایش یافت. نرخ باروری در سال ۱۳۹۰، ۱/۷۹ بود که در سال ۱۴۰۰، نرخ باروری به ۱/۶۵ رسید؛ ^۲ این در حالی است که حداقل نرخ باروری برای حفظ ثبات جمعیت، ۲/۱ است.

در خطر کاهش جمعیت یک جامعه همین بس که جمعیت، یکی از عناصر قدرت هر کشور و عاملی مهم در رشد و اعتلای فرهنگ و اقتصاد آن کشور است. به همین دلیل اگر جمعیت کشوری به سمت پیری برود، به‌زودی با مشکلات عدیده‌ای همچون نیاز به کار اتباع

* دانش‌آموخته جامعه‌الزهر علیه‌السلام و کارشناس روانشناسی.

۱. بیانات در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=24721>

۲. نصرنیوز، «کاهش ۳۵ درصدی ازدواج و افزایش ۴۰ درصدی طلاق»، ۱۴۰۱/۰۹/۲۲، کد خبر: ۸۳۱۳۹.

<https://nasnews.ir/detail/83139>

بیگانه برای تولید و رونق اقتصادی مواجه خواهد شد.^۱ همچنین بحران‌های عمیق خانوادگی و تضعیف اقتدار نظامی و امنیتی یک کشور، از معضلات دیگر کاهش جمعیت است. در این میان عوامل مهمی در کاهش نرخ فرزندآوری موثر بوده‌اند که یکی از مهم‌ترین این عوامل، تأثیر مدرنیته و نفوذ فرهنگ غرب در لایه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی ایرانیان است؛ فرهنگی که بر پایه اعتقاد به انسان‌محوری بنا شده است، خوشبختی و لذت بردن بیشتر از زندگی را در محدود کردن تعداد اعضای یک خانواده می‌داند و این کار را با کنترل باروری و کاهش زاد و ولد محقق می‌کند.^۲ گسترش روزافزون ارتباطات بین‌المللی و دسترسی به فضای مجازی نیز سبب شده است بسیاری از ارزش‌های اسلامی جای خود را به نظریات و ارزش‌های پوسیده غربی بدهند. این در حالی است که امروزه این نظریات، کارایی خود را حتی در جوامع غربی نیز از دست داده‌اند.

در این نوشتار برآنیم تا به بررسی مهم‌ترین شاخصه‌های سبک زندگی غربی که تأثیر مستقیمی بر نگرش نسبت به فرزندآوری دارند، پردازیم تا بتوانیم با آشنایی و مدیریت آسیب‌های ناشی از آن، از پیری جمعیت کشور جلوگیری کنیم.

مهم‌ترین شاخصه‌های زندگی غربی

سبک زندگی غربی، ویژگی‌ها و شاخصه‌های خاص خود را دارد که شاید بتوان گفت از ملزومات این شیوه زندگی است. در این بخش برخی از این شاخصه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. اصالت لذت و رفاه فردی

در فرهنگ مادی‌گرای غربی، اصالت با رفاه فرد است و هر چیزی که با رفاه او در تضاد باشد؛ باید حذف شود. فردگرایی، اصطلاحی است که در قرن نوزدهم مطرح شد و به دو نوع فردگرایی مثبت و منفی تقسیم می‌شود. فردگرایی مثبت معطوف به خودباوری، خودشکوفایی، اعتماد به نفس و استقلال فردی است که همگی دارای بار ارزشی مثبت هستند؛ اما فردگرایی منفی به خودمداری، خودشیفتگی، اتکای افراطی به خود، شادکامی فردی، کیف فی‌الحال و کسب سود

۱. محبوبه جوکار، «مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ص ۴۱.

۲. همان، ص ۴۲.

شخصی به قیمت متضرر شدن دیگران معطوف است.

امروزه رشد فردگرایی در جامعه ایران، ساختار خانواده را به شدت تحت تأثیر قرار داده و توجه و تمرکز بر فرد و تمایلات او در فرهنگ مدرنیته، او را از زندگی گروهی و خانوادگی دور کرده و موجب خودبینی او شده است.^۱ از آنجا که تأکید نگاه اومانیستی یا فردگرای غربی بر رفاه بیشتر فرد و لذت حداکثری اوست، شعار «فرزند کمتر زندگی بهتر» سرلوحه سبک زندگی غربی خانواده‌ها قرار گرفته است؛ زیرا نیاز فرزند به مراقبت و محدودیت‌هایی که فرزندآوری برای والدین ایجاد می‌کند، مانع رفاه و آسایش آنان است و مزاحم کامیابی و خوشبختی‌شان می‌شود. بر اساس این دیدگاه معمولاً خانواده‌هایی که به سبک غربی زندگی می‌کنند، دیر صاحب فرزند می‌شوند و تربیت او را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کنند که خدشه‌ای به رفاه و آسایش‌شان وارد نشود. این در حالی است که از نگاه دینی، زندگی دنیوی با رنج و سختی همراه است و لذت و رستگاری خالص تنها در بهشت به دست خواهد آمد؛ از همین روست که خداوند می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»^۲ به راستی که ما انسان را در رنج آفریده‌ایم». علامه طباطبایی^{رحمته‌الله} در ذیل این آیه می‌گوید: «و این تعبیر که خلقت انسان در کبد است، به ما می‌فهماند که رنج و مشقت از هر سو و در تمامی شئون حیات بر انسان احاطه دارد و این معنا، بر هیچ خردمندی پوشیده نیست. در دنیا نعمت‌ها آمیخته با ناملايمات و مقرون با جرعه‌های اندوه و رنج است».^۳

افزون بر این در آموزه‌های دینی، تعابیر زیبایی از فرزند شده است؛ برای مثال پیامبر گرامی^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} اسلام فرموده است: «الْوَلَدُ كَيْدُ الْمُؤْمِنِ إِنْ مَاتَ قَبْلَهُ صَارَ شَفِيعاً وَإِنْ مَاتَ بَعْدَهُ يَسْتَعْفِرُ اللَّهُ لَهُ فَيَعْفُرُ لَهُ»^۴ فرزند، میوه دل مؤمن است. اگر قبل از او از دنیا برود، او را شفاعت می‌کند و اگر بعد از او از دنیا برود، از خداوند بخشش او را می‌طلبد و خدا به برکت دعای فرزند او را می‌آمرزد». آن حضرت در سخن دیگری فرموده است: «إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَاحِينَ الْجَنَّةِ»^۵ فرزند شایسته، گلی خوشبو از گل‌های خوشبوی بهشت است». حتی بوسیدن

۱. فریبا پروینیان، ولی‌الله رستمعلی‌زاده و رضا حبیبی، «تأثیر سبک زندگی امروزی زنان بر میزان فرزندآوری؛ مطالعه موردی شهر قزوین»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ص ۴۵.

۲. بلد: ۴.

۳. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، ج ۲۰، ص ۴۸۷ و ۴۸۸.

۴. حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

۵. همان، ص ۱۱۳.

و نوازش فرزند، سبب پاداش و ارتقای درجه در بهشت خواهد شد؛ چنانکه پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «قَبِّلُوا أَوْلَادَكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ»^۱. اگر چه فرزندآوری، سختی‌هایی را به همراه دارد و حتی ممکن است مانع برخی لذت‌ها شود؛ اما این سختی‌ها در مقایسه با لذت‌های دنیوی و پاداش‌های اخروی آن بسیار ناچیز است.

۲. مصرف‌گرایی به سبک نظام سرمایه‌داری

در عصر حاضر با بالا رفتن معیارهای زندگی، افراد هیچ توجهی به قدرت خرید خود نمی‌کنند و حتی افرادی که نتوانسته‌اند به ثروت مناسبی دست یابند؛ از خریدهای اسراف‌گونه استقبال می‌کنند.^۲ مصرف‌گرایی به سبک دنیای سرمایه‌داری و لیبرالیسم، از جمله ارزش‌هایی است که در سال‌های اخیر جامعه ایران را تحت تأثیر خود قرار داده و با تبلیغات متنوع و رنگارنگ به دنبال اقناع افراد، به‌ویژه زنان برای خرید کالا و تغییر نگرش و انتخاب سبک زندگی خاص است. این در حالی است که افزایش مصرف‌گرایی و بالا رفتن هزینه‌ها به تدریج منجر به فردگرایی، افزایش سن ازدواج، افزایش طلاق، گسترش شهرنشینی، فاصله طبقاتی و ... می‌شود.^۳ طرفداران نظام سرمایه‌داری با توسعه فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی و با تکیه بر تبلیغات و سیاست‌های جمعیتی سازمان ملل و ترویج تفکرات اومانیستی می‌کوشند به رشد اجتماعی و اقتصادی دست یابند و راه رسیدن به آن را در کاهش جمعیت می‌دانند. در تأثیر مصرف‌گرایی بر کاهش فرزندآوری همین بس که وجود فرزند زیاد، مصرف بیشتر و افزایش هزینه بالاتر را به همراه خواهد داشت و چون هدف انسان در دوران جدید، مصرف‌گرایی و بهره‌مندی حداکثری از زندگی معرفی شده است؛ پس فرزندآوری کمتر مورد نظر قرار گرفته است و خانواده‌ها ترجیح می‌دهند با داشتن فرزند کمتر و کاهش هزینه‌ها، رفاه و لذت افزون‌تری را تجربه کنند. این باور موجب کاهش سطح باروری و در نتیجه سیر نزولی رشد جمعیت شده است.^۴

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۲۰.

۲. محمدرحیم عیوضی و محمدجواد هراتی، «تأملی در تأثیر توسعه بر هویت فرهنگی»، نشریه راهبرد توسعه، ص ۱۱۲.

۳. صالح قاسمی، پایان پویایی، ص ۳۵.

۴. محبوبه جوکار، «مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ص ۵۱.

۳. ترویج دیدگاه فمینیسم

فمینیسم، واژه‌ای فرانسوی است که مدافع برابری حقوق زنان با مردان در تمام عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. بر اساس این دیدگاه خانواده، ازدواج و مادر شدن، مهم‌ترین عامل تبعیض علیه زنان و دختران است. آرمان فمینیسم می‌گوید: «هیچ زنی نباید اجازه داشته باشد در خانه بماند و فرزندان خود را بزرگ کند. جامعه باید به طور کلی تغییر کند»^۱. فمینیسم با تأکید بر استانداردهای مردانه و برتری آن، خواهان همین استانداردها برای زنان شد تا آنان نیز همانند مردان در تمام عرصه‌های اجتماعی به این برتری دست یابند. شدت رواج این دیدگاه در جامعه غرب، به حدی بود که حتی زنانی که آگاهانه خواهان نقش‌های مادری و همسری و خانه‌داری بودند، به عنوان اینکه تحت سلطه پدرسالاری هستند؛ به حاشیه رانده شدند. به نظر بسیاری از فمینیست‌ها، استثمار و فرودستی زنان ناشی از آن است که بچه می‌زایند و همین واقعیت زیست‌شناختی است که به مردان این امکان را می‌دهد که زنان را به اطاعت از خود واداشته و آنان را در زیر سایه حمایت خود قرار دهند. به همین دلیل بسیاری از زنان تحت تأثیر این نگاه، فرزندآوری را علت از دست دادن فرصت‌های تحصیلی و شغلی برای رسیدن به موقعیت برابری با مردان می‌دانند و آن را مانعی برای دسترسی به منابع قدرت و اعتبار اجتماعی تلقی^۲ و در بهترین حالت تنها به یک فرزند بسنده می‌کنند. مقام معظم رهبری علیه‌السلام در بیانات خود به این موضوع اشاره کرده و فرموده است:

امروز دست‌های به شدت مشکوک، موج ضد ارزشی را در دنیا به راه انداخته‌اند که در همه جا هست، در کشور ما هم متأسفانه در گوشه و کنار دیده می‌شود. این‌ها می‌خواهند زن را وادار کنند به اینکه بشود یک مرد! این را کسر شأن زن می‌دانند که چرا فلان کارها را مرد می‌کند، زن نکند. این چه افتخاری است برای زن؟ افتخار برای زن، این است که زن باشد؛ یک زن کامل؛ یک مونث کامل.^۳

۱. حمیرا مشیرزاده، از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم، ص ۳۷.

۲. فریبا پروینیان، ولی‌الله رستمعلی‌زاده و رضا حبیبی، «تأثیر سبک زندگی امروزی زنان بر میزان فرزندآوری؛ مطالعه موردی شهر قزوین»، فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه، ص ۶۲.

۳. بیانات در دیدار بانوان نخبه در آستانه سالروز میلاد حضرت زهرا(س)، ۱۳/۰۴/۱۳۸۶.

۴. تحقیر خانه‌داری و جایگاه مادری

امروزه فرهنگ لیبرالیستی و فردگرایی جامعه غربی، موجب تغییر در نگاه ارزشی به نقش مادری و همسری شده است. از ارزش‌های نظام لیبرالیستی روی آوردن زنان به اشتغال و میل آنان به ترک خانواده، میل به ازدواج در سنین بالاتر، کنترل بارداری و تمایل به فرزند کمتر است.^۱ قطعاً رواج چنین دیدگاهی در جامعه ما، موجب کاهش گرایش به مادر شدن و اصالت یافتن فعالیت‌های شغلی زنان و دوری از نقش‌های زنانه شده است.

خانم بتی فریدان، نظریه‌پرداز فمینیست لیبرال، زنانی را که به کار خانگی مشغول می‌شوند، قربانیان یک گزینه اشتباه می‌خواند و آن‌ها را محکوم به عقب‌ماندگی مستمر می‌داند. وی بر این باور است که پرداختن به کار خانه‌داری، محصول فرهنگی است که از زنان خود انتظار رشد ندارد و حاصل آن، تلف شدن یک نفس انسانی است.^۲ در دوران مدرن، ارزش‌هایی همچون وفاداری، همدردی همسران نسبت به یکدیگر، فرزندآوری، نگرش‌هایی مانند نان‌آور بودن مرد و خانه‌دار بودن زن و وظیفه تربیت فرزند به شدت زیر سؤال رفته و بسیار کم‌رنگ شده‌اند و نهاد خانواده دیگر آن قداست و وجاهت دوران قبل را ندارد. در نتیجه امروزه زنان چندان خود را ملکف به فرزندآوری و تربیت آن نمی‌بینند و برای خود نقش‌ها و وظایف جدیدی قائل هستند که در راستای توسعه و پیشرفت فردی آنان است و منابع هویت‌ساز آنان گوناگون و زیاد شده است.^۳ مقام معظم رهبری علیه‌السلام بارها در بیانات خود به اهمیت نقش مادری و همسری و نیز امر خانه‌داری اشاره کرده و فرموده است:

اگر بنای آفرینش انسان و جهان را به دو بخش کارهای ظریف و ریزه‌کاری و بخش کارهای مستحکم بگذاریم، بخش اول که ظریف‌کاری‌ها و ریزه‌کاری‌ها و رشته‌رشته پروردن احساسات و عواطف بشر است، در اختیار زن است. گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است. هر جا سخن از تضعیف خانواده است، نقش این بخش مهم نادیده گرفته شده [است]. هر جا سخن از بی‌اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند در آغوش پر مهر و محبت مادر است، این نقش نادیده گرفته شده [است]. دنیای غرب این جرم بزرگ را دارد که این نقش را تضعیف کرده و

۱. فریبا علاسوند، زن در اسلام، ص ۳۵۵.

۲. اسماعیل چراغی کوتیانی، «فمینیسم و کارکردهای خانواده»، ماهنامه معرفت، ص ۹۵.

۳. حلیمه عنایت و لیلیا پرنیان، «رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری»، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، ص ۱۲۸.

در مواردی نادیده گرفته است.^۱

در روایات نیز امر خانه‌داری و مدیریت داخل خانه توسط زنان، مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «الْمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا؛^۲ بزرگ خانه، زن است». مقام معظم رهبری دامنه‌العلوه در ذیل این روایت می‌فرماید: «کدبانو یعنی آن کسی که محیط خانواده تحت اشراف اوست، تحت نظارت و تدبیر و مدیریت اوست. خیلی کار پر زحمتی است، خیلی کار ظریفی است؛ فقط هم ظرافت زنانه از عهده انجام این کار برمی‌آید. یک عده‌ای خیال می‌کنند زن در خانه بیکار است. نخیر، زن توی خانه بیشترین و سخت‌ترین و ظریف‌ترین کارها را انجام می‌دهد». ^۳ بنیانگذار انقلاب اسلامی، امام خمینی دامنه‌العلوه نیز اهمیت نقش مادری را مورد توجه قرار داده و فرموده است: «مادرها باید توجه به این معنا کنند که بچه‌هایشان را خوب تربیت کنند، پاک تربیت کنند. دامن‌هایشان یک مدرسه علمی و ایمانی باشد». ^۴ در شرح احوالات این بزرگ‌مرد انقلاب نیز آمده است که گاهی هم که اطرافیان به شوخی به ایشان می‌گفتند چرا زن باید در خانه بماند؟ امام دامنه‌العلوه می‌فرمود: «خانه را دست‌کم نگیرید. تربیت بچه‌ها کم نیست. اگر کسی بتواند فردی را پرورش دهد، خدمت بزرگی به جامعه کرده است. عاطفه در زن، قوی‌تر است و قوام و دوام خانواده بر اساس محبت شکل می‌گیرد».^۵

۵. تضعیف باورهای دینی

جدا شدن دین از دنیا یا همان سکولاریسم، از شاخصه‌های اصلی فرهنگ غرب است که بر مبنای آن، همه ملاحظات ناشی از ایمان به خدا و جهان آخرت کنار گذاشته می‌شود و تمام انگیزه‌های انسان در همین حیات و معیشت دنیوی خلاصه می‌شود و حساب دیگری در زندگی و عمل و ذهن خود برای هیچ چیز باز نمی‌کند. ^۶ سکولاریسم، اولین عامل مؤثر در فروپاشی

۱. بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۸۴/۰۵/۰۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3298>

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج‌الفصاحه، ص ۶۱۴.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای دامنه‌العلوه، «هنر تقسیم کار»، ۱۳۸۶/۰۸/۱۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21434>

۴. مصطفی وجدانی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی (ره) به روایت جمعی از فضلا، ص ۸۹.

۵. همان.

۶. صالح قاسمی، پایان پویایی، ص ۲۷.

نظام خانواده در غرب است و با کاهش دلدادگی به شناخت دین و کاهلی در سرسپردگی به دستورات دینی، تاثیر خود را روی خانواده می گذارد.^۱

متأسفانه در سال‌های اخیر درصد بالایی از خانواده‌های ایرانی تحت تاثیر این ایدئولوژی قرار گرفته و باورها و ارزش‌های دینی در میان آن‌ها کمرنگ شده است تا آنجا که ارزش هر چیزی در زندگی را با سود مادی و منفعت طلبانه‌اش می‌سنجند. از آنجا که این خانواده‌ها همه چیز را در دنیا خلاصه کرده‌اند و اعتقادی به جهان پس از مرگ و نظام پاداش و عقاب الهی ندارند، به سختی زیر بار مسئولیت فرزندآوری می‌روند و منافع دنیوی را بر نتایج اخروی ترجیح می‌دهند. برخی از این خانواده‌ها به علت عدم باور به ارزش‌ها و مقولات دینی و از ترس فقر و مشکلات اقتصادی، از فرزندآوری پرهیز می‌کنند؛ در حالی که خداوند متعال رزق فرزندان را تضمین کرده و فرموده است:

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ
خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانِ خَطْنًا كَبِيرًا؛^۲ یقیناً پروردگارت رزق را برای هر که بخواهد، وسعت می‌دهد و [برای هر که بخواهد] تنگ می‌گیرد؛ زیرا او به [مصلحت] بندگانش آگاه و بیناست. فرزندان تان را از بیم تنگدستی نکشید. ما به آنان و شما روزی می‌دهیم، یقیناً کشتن آنان گناهی بزرگ است.

در رویکرد دینی فرزند، مایه خوشبختی و سعادت فرد است؛ چنانکه امام کاظم علیه السلام فرموده است: «سَعِدَ امْرُؤٌ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى خَلْفًا مِنْ نَفْسِهِ»^۳ خوشبخت شد مردی که نمرد تا فرزندى از خود دید». امام سجاد علیه السلام نیز در این زمینه فرموده است: «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَتَجَرُّهُ فِي بِلَادِهِ وَ يَكُونَ خُلَاطَاؤُهُ صَالِحِينَ وَ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِ»^۴ خوشبختی مرد مسلمان در سه چیز است: محل تجارت و کسب او در شهر خودش باشد که پس از پایان روز نزد زن و فرزند خود برود و دوستانش شایسته و صالح باشند و فرزندانى داشته باشد که از کمک آنان سود جوید».

۱. همان، ص ۲۸.

۲. اسراء: ۳۰ و ۳۱.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۵۸ و ۳۵۷.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۷.

فهرست منابع

کتاب

۱. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
۳. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم: شریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۵. علاسوند، فریبا، زن در اسلام، قم: نشر هاجر، ۱۳۹۰ش.
۶. قاسمی، صالح، پایان پویایی، تهران: خیزش نو، ۱۳۹۶ش.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸. مشیرزاده، حمیرا، از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران: نشر پژوهش شیرازه، ۱۳۸۸ش.
۹. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.
۱۰. وجدانی، مصطفی، سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی علیه‌السلام به روایت جمعی از فضلا،

مجلات

۱. پروینیان، فریبا و ولی‌الله رستمعلی‌زاده و رضا حبیبی، «تأثیر سبک زندگی امروزی زنان بر میزان فرزندآوری، مطالعه موردی شهر قزوین»، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۷، ص ۷۲-۳۹.
۲. جوکار، محبوبه، «مدرنیته، تغییر سبک زندگی و کاهش جمعیت در ایران»، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۶۹-۳۹.
۳. چراغی کوتیانی، اسماعیل، «فمینیسم و کارکردهای خانواده»، ماهنامه معرفت، شماره ۱۳۱، ص ۸۷-۱۰۸.
۴. عنایت، حلیمه و لیلا پرینیان، «رابطه جهانی شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری»، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲، ص ۱۳۶-۱۰۹.

۵. عیوضی، رحیم و محمدجواد هراتی، «تأملی در تأثیر توسعه بر هویت فرهنگی»، نشریه راهبرد توسعه، شماره سوم (پیاپی ۱۹)، پاییز ۱۳۸۸، ص ۱۳۰-۱۰۴.

سایت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ای www.khamenei.ir.
۲. نصرنیوز، «کاهش ۳۵ درصدی ازدواج و افزایش ۴۰ درصدی طلاق»، ۱۴۰۱/۰۹/۲۲، کد خبر: ۸۳۱۳۹.

تأثیر روزه در صمیمیت و آرامش روانی خانواده

اعظم نوری*

مقدمه

ماه رمضان و روزه‌داری، فرصتی مغتنم برای متوجه شدن به سوی معبود و باعث ایجاد نوعی آرامش روحی و روانی است. هر چند در بیان آثار روزه بیشتر به سلامت جسم پرداخته می‌شود، اما نقش روزه در سلامتی روان و طهارت روح به مراتب بیشتر از فواید جسمی است؛ به‌ویژه اینکه در ماه مبارک رمضان که ماه خودسازی است، روزه تأثیر بیشتری در این امر دارد. ارتباط با معبود در این ماه مبارک، عامل مهمی در ایجاد آرامش فردی و به دنبال آن آرامش خانواده و جامعه است؛ زیرا انسان تحت تأثیر تعالیم دینی در این ماه و فضای معنوی حاکم بر آن، با پروردگار ارتباط بیشتری برقرار می‌کند. آرامش در پرتو روزه‌داری، افزون بر فواید کم‌خوری، می‌تواند باعث سلامتی جسمی نیز بشود. پژوهش‌هایی که در زمینه ارتباط بهداشت روان و روزه‌داری در ایران انجام شده است، نشان‌دهنده کاهش میزان اختلالات روانی - اجتماعی، اضطراب، افسردگی و خودکشی در این ماه است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که میانگین نمرات افسردگی نمونه‌های روزه‌دار بعد از ماه مبارک رمضان، از نظر آماری کاهش معناداری داشته و به این ترتیب، نتایج این پژوهش بر تأثیرات مثبت روزه بر افزایش سلامت روانی و نیز کاهش میزان افسردگی روزه‌داران صحه گذاشته است.^۱

اهمیت آرامش روانی در خانواده

یکی از مهم‌ترین اهداف و کارکردهای خانواده، تحصیل آرامش روانی و سکون قلبی زن و شوهر

* کارشناس ارشد رشته تفسیر، پژوهشگر مطالعات زنان و خانواده جامع الزهر بیت.

۱. مریم جوانبخت و همکاران، «بررسی تأثیر روزه‌داری در ماه رمضان بر عزت نفس و سلامت روانی دانشجویان»، فصلنامه علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، ص ۲۷۰.

و به دنبال آن فرزندان در سایه برقراری روابط عاطفی است؛ چنانکه قرآن کریم به این واقعیت چنین اشاره کرده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۱ از نشانه‌های خداوند این است که از نوع خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. علامه مغنیه در تفسیر آیات ۱۹ تا ۲۱ سوره نساء می‌نویسد: «ازدواج، مبادله روح با روح و عقد ازدواج، پیمان مودت و رحمت است؛ نه مالک شدن جسم بر جان»^۲.

افزون بر توجه و تأمین نیاز عاطفی زن و شوهر در خانواده و دلبستگی آن‌ها به یکدیگر، اگر میان والدین و فرزندان نیز محبت و دلبستگی ایجاد شود؛ افزون بر احساس امنیت و آرامش فرزندان در خانواده، موجب برخورداری آن‌ها از عواطف مثبت، همدلی، اعتماد به نفس بالا و تعاملات بدون تعارض با همسالان و بزرگسالان می‌شود.^۳

متأسفانه یکی از معضلات جامعه امروز، نبود آرامش و وجود تنش‌ها، استرس‌ها و ناراحتی‌هایی است که گاه به صورت افسردگی و گاه به صورت خشم و عصبانیت جلوه می‌کند و به طور طبیعی دیگر کارکردهای خانواده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در تحقیقات علمی اثبات شده است که افراد دارای اعتقادات مذهبی قوی‌تر از سلامت روان بالاتری نیز برخوردارند. مذهب و دینداری افراد، از سویی به ایجاد انگیزش مثبت نسبت به دنیا در انسان منجر شده است و او را در مقابل رویدادهای ناگوار زندگی یاری می‌رساند و از سویی دیگر به زندگی فرد معنا و هدف داده است. داشتن معنا و هدف در زندگی، نشان‌دهنده سلامت روان است.^۴

روزه و آرامش خانوادگی

بی‌تردید عبادت خدا و از جمله روزه در ماه مبارک رمضان، از عوامل یاد و ذکر الهی است. حذف عبادات و باورهای دینی در زندگی فردی و خانوادگی، مشکلات متعددی را در پی دارد که قرآن از آن به زندگی تنگ و سخت یاد کرده است: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا»^۱

۱. روم: ۲۱.

۲. محمدجواد مغنیه، تفسیر الکاشف، ترجمه موسی دانش، ج ۲، ص ۴۵۱.

۳. محمدرضا سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۵۶.

۴. مونا چراغی و حسین مولوی، «رابطه بین ابعاد مختلف دینداری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان»، دوفصلنامه علمی پژوهش‌های تربیتی، ص ۲۰.

صَنَكًا؛^۱ و هر کس از یاد من روی گرداند، همانا برایش زندگی دشواری خواهد بود». در تفسیر این آیه شریفه آمده است: «زندگی آرام و شیرین فقط در پرتو یاد و ذکر خداست».^۲ بنابراین ترک عبادت، آرامش و لذت را از زندگی انسان سلب می‌کند و موجب اضطراب، حیرت و حسرت می‌شود؛ هر چند فرد از مزایای مادی خوبی برخوردار باشد.^۳ برای مثال شرط صحت یا قبولی بسیاری از عبادات به رعایت حقوق مردم و خوش خلقی که ستون مهم دوری از تنش و داشتن آرامش است، دانسته شده و پاداش‌هایی هم برای آن در نظر گرفته شده است؛ چنانکه در روایتی آمده است رسول خدا ﷺ در خطبه شعبانیه و پیش از آغاز ماه رمضان، با اشاره به اهمیت حسن خلق و رفتار نیکو در این ماه خطاب به مسلمانان فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ حَسَّنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلِقَ كَأَنَّ لَهُ جِوَّازًا عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ؛^۴ ای مردم! هر کس در این ماه خلق خود را نیکو کند (در پاداش این تلاش مثبت) در روزی که گام‌ها بر پل صراط لغزان است، او به آسانی از آن عبور می‌کند».

موسم بندگی چشم و زبان و گوش است نه همین صوم دهان است، خدا می‌داند
گر نباشد همه اعضای تو تسلیم خدا روزه‌ات صرفه نان است، خدا می‌داند

روزه و تمرین شکیبایی

یکی از آثار روزه، صبرافزایی است. صبر عامل مهم آرامش در خانواده و جامعه است. روزه، تمرین صبر در برابر جزع یا همان حالت ناشکیبایی و بی‌قراری است. افرادی که در برابر مشکلات جزع و فزع می‌کنند، نه تنها چیزی از بار مشکلات آن‌ها کاسته نمی‌شود؛ بلکه باری اضافه نیز بر دوش آن‌ها می‌گذارد؛ چنانکه امام هادی علیه السلام فرموده است: «الْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَ لِلجَّارِعِ اثْنَتَانِ؛^۵ مصیبت برای انسان صبور، یکی و برای انسان ناشکیبا، دو تاست». نبود صبر موجب بروز مشکلات زیادی به‌ویژه در عرصه خانواده می‌شود، چه بسا نبود صبر و ناشکیبایی باعث فروپاشی خانواده شود؛ از همین روست که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا

۱. طه: ۱۲۴.

۲. محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۵، ص ۴۰۶.

۳. همان.

۴. محمد بن علی صدوق، الامالی، ص ۹۴.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۴۴.

الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ^۱. به تعبیر برخی روایات مراد از صبر در آیه شریفه، روزه است.^۲ به این ترتیب یکی از فلسفه‌ها و آثار روزه، صبر و شکیبایی روح آدمی است؛ صبری از که اضطراب‌ها و تنش‌ها می‌کاهد و مانع بسیاری از اختلافات و کشمکش‌ها می‌شود.

روزه، فرصتی برای دورهمی و تعامل اعضای خانواده

اعضای خانواده به عنوان یک جامعه کوچک در این ماه، زمان بیشتری به‌ویژه هنگام سحر و افطار با یکدیگر می‌گذرانند. شاید در دیگر ایام به دلیل مشغله‌های کاری و تحصیلی، زمان صرف غذا و حضور در منزل برای هر یک از اعضای خانواده متفاوت باشد؛ اما در ماه مبارک معمولاً همه اعضا در سفره سحر و افطار کنار هم هستند و در صورتی که آداب این ماه در تقوای لسانی و احترام به والدین و کودکان رعایت شود، این ارتباطات موجب بهبود سلامت روان افراد و ایجاد صمیمیت میان افراد خانواده می‌شود. بسیار دیده شده است که میان همه اعضای خانواده به دلیل روزه‌داری، همکاری بیشتری نیز برای انجام امور منزل مانند آماده کردن افطار و سحر وجود دارد؛ زیرا روزه‌داری یکی از بهترین فرصت‌ها برای ایجاد محبت و درک متقابل و احساس نزدیکی میان اعضای خانواده است. وجود مراسم‌های مختلف در مساجد، سخنرانی، احیای شب‌های قدر و شرکت همگانی اعضای خانواده یا جلسات دعا و قرائت قرآن در خانه میان اعضای خانواده، موجب همراهی بیشتر خواهد بود.

روزه و گسترش ارتباطات عاطفی و تقوای زبانی

در روایات بسیاری به میهمانان ضیافت الهی در ماه مبارک سفارش شده است که با مراقبت از نفس خویش، بکوشند که از روزه‌داری این ماه فقط رنج گرسنگی و تشنگی عایدشان نشود و به دیگر شرایط روزه‌داری بی‌اعتنا نباشند؛ چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است: «كَمْ مِنْ صَائِمٍ لَيْسَ لَهُ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَالظَّمَأُ»^۳ چه بسا روزه‌داری که از روزه‌اش جز گرسنگی و تشنگی نصیبی نیابد.

یکی از مهم‌ترین آداب و توصیه‌ها در ماه رمضان و روزه‌داری، حفظ زبان است؛ همان‌گونه

۱. بقره: ۱۵۳.

۲. «الصَّبْرُ هُوَ الصَّوْمُ؛ منظور از صبر در آیه همان روزه است». محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۴.

۳. حسین بن محمد شریف الرضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، حکمت ۱۴۵.

که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در خطبه شعبانیه فرمود: «وَ احْفَظُوا أَلْسِنَتِكُمْ...»^۱ و زبان‌های خود را (در ماه رمضان) حفظ کنید». وقتی فرد روزه‌دار تقوای لسانی و رفتاری پیشه کند، به طور طبیعی تنش‌ها و ناراحتی‌ها در خانواده کاهش می‌یابد؛ مانند زن و شوهری که بیشتر از قبل تلاش می‌کنند در ارتباطات کلامی موجب آزار یکدیگر نشوند و از گناهان زبانی مانند توهین، بی‌احترامی و... پرهیز می‌کنند. فرزندان نیز در تقلید از رفتار و گفتار والدین، مانند آینه عمل می‌کنند. در واقع این ایام، تمرینی برای کنترل رفتار و گفتار در خانواده است که موجب افزایش احترام و درک شرایط اطرافیان و در نتیجه کاهش تنش‌ها می‌شود. کودکانی که والدین خود را در روزه‌داری مهربان‌تر و باحوصله‌تر می‌بینند، به یقین بهتر با سبک زندگی دینی آشنا می‌شوند. شاید به همین دلیل پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به طور ویژه بر محبت و مدارا با کودکان در روزه‌داری تأکید می‌کنند: «وَ اِرْحَمُوا صِبْغَارَكُمْ؛^۲ بر خردسالان خود ترحم کنید».

ممکن است برخی در حالت روزه بر اثر فشار گرسنگی یا مشکلات دیگر در مواجهه با اعضای خانواده بداخلاقی کنند یا صبر لازم را در برخورد با همسر یا کودکان در خانه نداشته باشند، این رفتار افزون بر اینکه فرد را از پاداش‌های معنوی و اخروی باز می‌دارد؛ ممکن است نگاه بدبینانه‌ای نسبت به روزه‌داری در کودکان ایجاد کند و به نوعی باعث دین‌گریزی آن‌ها شود.

روزه و سنت افطاری در خانواده

افطاری دادن به روزه‌داران، از سنت‌های اسلامی است که در تمامی اعصار مورد اهتمام مسلمانان بوده است. افراد در این ماه مبارک، فامیل و خویشاوندان یکدیگر را برای افطاری دعوت می‌کنند تا افزون بر پاداش روزه و افطاری دادن، کدورت‌ها و ناراحتی‌هایی را که ممکن است در میان آن‌ها باشد؛ به صفا و صمیمیت بدل کنند. در حقیقت این کار عاملی برای وحدت قلوب میان اعضای فامیل و خویشاوندان است؛ به‌ویژه که این اطعام با نیت عبادی و رضای الهی و دست یافتن به پاداش الهی باشد. در روایتی آمده است:

روزی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «مَنْ فَطَّرَ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُؤْمِنًا صَائِمًا كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ

اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عِتْقُ رَقَبَةٍ وَ مَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ؛ هر کس از شما در این ماه

روزه‌داری را افطار دهد، خدای تعالی پاداش عملش را ثواب یک بنده آزاد کردن و

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳.

۲. همان.

آمزش گناهان گذشته او قرار خواهد داد». فردی گفت: یا رسول الله! همه ما که توانایی افطار دادن نداریم. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِيمٌ يُعْطِي هَذَا الثَّوَابَ مِنْكُمْ مَنْ لَمْ يَقْدِرْ إِلَّا عَلَى مَذْقَةٍ مِنْ لَبَنٍ يَفْطُرُ بِهَا صَائِمًا أَوْ شَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ عَذْبٍ أَوْ تُمَيْرَاتٍ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ؛^۱ خداوند تبارک و تعالی، کریم است و این ثواب را به هر کس از شما هم که فقط توان افطاری دادن با شیر آمیخته به آب یا يك وعده نوشیدن آب گوارا یا چند دانه خرماى كوچك را دارد و توان پرداخت بیش از این را ندارد، عطا می‌کند.

افطاری در بین اقوام و خویشاوندان، موجب انس و الفت، تجدید دیدارها، انفاق و محبت و دوستی بین افراد فامیل می‌شود که شاید در طول سال به دلایلی فرصت یا اراده‌ای برای دیدار یکدیگر و گذشت و مهربانی نداشته باشند. البته مهم‌ترین اثر افطاری امروزه، ترویج فرهنگ روزه‌داری است که شادی و طراوت زیبایی نیز به آن می‌بخشد. گاهی حتی افرادی نیز که روزه‌خواری می‌کنند، در این مراسم شرکت می‌نمایند و به این عمل عبادی تشویق و رهنمون می‌شوند. توجه به این نکته ضروری است که نباید این سنت زیبا را با تجمل‌گرایی کاذب و چشم و هم‌چشمی یا برخی رفتارهای نامناسب مانند دعوت نکردن افراد بی‌بضاعت آلوده کرد.

تأثیر رسانه در ماه مبارک بر ایجاد صمیمیت

امروزه رسانه به عنوان عضوی ثابت در خانواده‌ها حضور دارد. اهمیت رسانه در زندگی بشر امروزی تا آنجاست که نمی‌توان منکر نقش مهم و حیاتی آن در فرهنگ‌سازی و ارائه الگو به افراد جامعه که خانواده نیز رکن مهمی از آن است، شد. برای مثال در سال‌های اخیر پخش ویژه‌برنامه‌های افطار و سحر، مخاطبان بسیاری را به خود جذب کرده است. بیشتر افراد به صورت خانوادگی، بیننده این برنامه‌ها هستند؛ به‌ویژه سریال‌های مناسبتی ماه مبارک که گاه مخاطبان زیادی را از همه اقشار جامعه با خود همراه می‌کند. افراد خانواده نیز در کنار یکدیگر بعد از افطار و نماز، برنامه و زمان مشترکی را به همین مناسبت در کنار هم دارند که شاید در ایام دیگر سال کمتر چنین فرصتی داشته باشند. این برنامه‌ها افزون بر سرگرمی و ایجاد نشاط در خانواده، وظیفه مهم‌تری دارند و آن، بالابردن سطح فرهنگ و رشد و تعالی مردم در زمینه دینداری و آموزش اخلاق در تعامل و رفتار فرد با خانواده است؛ زیرا این زمان فرصتی مناسب

۱. محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۴.

برای ارائه آن‌هاست. به نظر می‌رسد با توجه به دوره‌می اعضای خانواده در زمان افطار و وجود زمینه مناسب در فضای معنوی ماه مبارک، آموزش اموری مانند احترام به والدین، همسایه‌داری، داشتن عفت کلام، دوری از گناهان زبانی و ...؛ هرگز نمی‌توان منکر تأثیرگذاری وسیع رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون در فضای خانواده شدک نیم‌نگاهی به برخی سریال‌ها یا برنامه‌های سرگرم‌کننده این ماه که به کودکان یا بزرگسالان اختصاص دارد، به راحتی می‌توان این تأثیر و دگرگونی را مشاهده کرد.

نتیجه‌گیری

داشتن آرامش در زندگی، یکی از مهم‌ترین نعمت‌های الهی است که انسان نیز نقش مهمی در ایجاد و حفظ آن دارد. انسان مؤمن به دلیل اتصال با قدرت لایزال الهی، احساس ضعف و پوچی نمی‌کند. پرداختن به مناسک دینی نیز که روزه از مهم‌ترین آن‌هاست، می‌تواند از افکار موهوم و نگرانی‌های دنیوی در انسان بکاهد. به این ترتیب هر یک از اعضای خانواده می‌توانند در مناسبات خویش گام مهمی در ایجاد انس و الفت و یکرنگی بردارند. البته نمی‌توان این آثار و پیامدهای مثبت را منحصر به این ماه دانست؛ بلکه روزه باعث تقویت اراده است، چه بسا تمرین‌ها و رفتارهای موقتی که در وجود آدمی ماندگار می‌شود. فردی که به مدت یک ماه به سبب روزه‌داری و تلاش برای قبولی آن می‌کوشد در مواجهه با دیگران و به‌ویژه در کانون خانواده از گناهان زبانی پرهیز کند، بی‌شک این سعی و تلاش به ملکه و عادت در او بدل می‌شود.

فهرست منابع

کتاب

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
۲. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۳. سالاری‌فر، محمدرضا، خانواده از نگاه اسلام و روان‌شناسی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ش.
۴. صدوق، محمد بن علی، الامالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۵. _____ من لایحضره الفقیه، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.

۶. قرآنی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۹ ش.
۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۸. مغنیه، محمدجواد؛ تفسیر الکاشف؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۳ ش.

مقالات

۱. چراغی، مونا و حسین مولوی، «رابطه بین ابعاد مختلف دینداری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان»، دوفصلنامه علمی پژوهش‌های تربیتی، سال دوم، شماره دوم، ۱۳۸۵، ص ۲۲-۱.
۲. جوانبخت، مریم و همکاران، «بررسی تأثیر روزه‌داری در ماه رمضان بر عزت نفس و سلامت روانی دانشجویان»، دوره یازدهم، شماره ۴۴، آذر و دی ۱۳۸۸، ص ۲۷۳-۲۶۶.

تبلیغ فحانواؤ

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول - شماره اول

پاییز و زمستان ۱۴۰۱

سیره خانوادگی سردار شهید قاسم سلیمانی

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

مقدمه

بی تردید شهید سلیمانی، صاحب مکتب در عرصه‌های اخلاق، معنویت، ولایت‌مداری و مدیریت نظامی است؛ چنانکه مقام معظم رهبری علیه‌السلام فرموده است: «... که ما به حاج قاسم سلیمانی - شهید عزیز... به چشم یک فرد نگاه نکنیم؛ به آن‌ها به چشم یک مکتب نگاه کنیم. سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم»^۱.

آنچه که امروزه صاحبان قلم و نظریه‌پردازان بدان پرداخته‌اند، ابعاد و زاویه‌های مکتب مدیریتی، نظامی و... سردار سرافراز اسلام است، اما فضای فکری و رفتارشناسی این سردار سرافراز نسبت به اعضای خانواده‌اش مورد توجه قرار نگرفته و یا کمتر بدان پرداخته شده است؛ این در حالی است که شهید سلیمانی در این عرصه نیز الگویی موفق است. از این رو الگوگیری از نظام خانوادگی شهید سلیمانی نیز بایسته است. بر این اساس شایسته است رویکرد شهید سلیمانی نسبت به اعضای خانواده‌اش بررسی شود. گفتنی است مقصود از اعضای خانواده اعم از والدین، همسر و فرزندان است.

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ی علیه‌السلام، «اینک نیروی بدون مرز قدس»،

.۱۳۹۸/۱۰/۲۷

<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=44709>

شیوه‌های رفتاری شهید سلیمانی با اعضای خانواده

شهید سلیمانی در رفتار با پدر و مادر و نیز همسر و فرزندان خود همواره می‌کوشید مطابق شریعت اسلامی عمل کند که به برخی از این روش‌ها اشاره می‌شود.

۱. محبت و مهربانی

خداوند درباره اهمیت محبت در حریم خانواده می‌فرماید: «مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۱ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد». قرآن کریم رابطه میان زوجین را با کلمه «مودت» و «رحمت» تعبیر کرده است که این نکته بسیار عالی اشاره به جنبه انسانی و فوق حیوانی زندگی زناشویی دارد. عشق و محبت نه تنها رکنی از ارکان خانواده، بلکه روح آن است. شهید مطهری در ضمن تشبیهی می‌نویسد:

مرد مانند کوهسار است و زن به منزله چشمه و فرزندان به منزله گل‌ها و گیاه‌ها. چشمه باید باران کوهساران را دریافت و جذب کند تا بتواند آن را به صورت آب صاف و زلال بیرون دهد و گل‌ها و گیاه‌ها و سبزه‌ها را شاداب و خرم نماید. اگر باران به کوهساران نبارد یا وضع کوهسار طوری باشد که چیزی جذب زمین نشود، چشمه خشک و گل‌ها و گیاه‌ها می‌میرند. پس همان طوری که رکن حیات دشت و صحرا، باران و بالأخص باران کوهستانی است؛ رکن حیات خانوادگی احساسات و عواطف مرد نسبت به زن است. از این عواطف است که هم زندگی زن و هم زندگی فرزندان صفا و جلا و خرمی می‌گیرد.^۲

مولوی نیز گفته است:

هر که را جامه ز عشقی چاک شد
او ز حرص و عیب کلی پاک شد

شاد باش ای عشقِ خوش سودای ما
ای طیبِ جمله علت‌های ما

یکی از رفتارهای مهم و اثرگذار شهید سلیمانی در ارتباط با همسر و فرزندان، محبت است. شهید سلیمانی از عمق دل همسر و فرزندان را دوست داشت و این امر را در قالب بهترین رفتار و زیباترین واژه ابراز می‌کرد؛ چنانکه در آخرین نامه به همسرش، ضمن تبریک روز

۱. روم: ۲۱.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱۹، ص ۲۷۰.

زن می نویسد: «همسر گرانقدر عزیز و مهربانم ... حقیقتاً مانده‌ام در پیشگاه خداوند که چگونه می‌توانم در این روزهای قریب رفتن، حق نزدیک چهل ساله شمارا اداء کنم. امیدی جز بخشش و محبت پیوسته شما و خداوند سبحان ندارم. روزت را تبریک می‌گویم و به خاطر این صبرچهل ساله، دست‌تان را می‌بوسم ...»^۱.

ایشان فرزندانش را نیز به شدت دوست داشت؛ زیرا باور داشت که در گزاره‌های دینی مورد تأکید ویژه قرار گرفته است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِيَشَدَّ حُبَّهُ لَوْلَايَهُ»^۲ خداوند به بنده‌اش به خاطر محبت زیاد بنده به فرزندش رحم می‌کند». شهید سلیمانی در نامه به دخترش می‌نویسد:

بارها در طول مسیر چهره‌های پر از محبت‌تان را یکی یکی جلوی چشمانم مجسم کرده و بارها قطرات اشکی به یادتان ریخته‌ام. دلتنگ‌تان شده‌ام، به خدا سپردم‌تان. اگر چه کمتر فرصت ابراز محبت یافته‌ام و نتوانستم آن عشق درونی خودم را به شما برسانم، اما عزیزم هرگز دیده‌ای کسی جلوی آینه خود را ببیند و به چشمان خود بگوید دوستان دارم؛ کمتر اتفاق می‌افتد، اما چشمانش برایش با ارزش‌ترینند. شما چشمان منید. چه بر زبان بیاورم و چه نیاورم، برایم عزیزید.^۳

۲. سپاسگزاری

یکی از عوامل استحکام نظام خانوادگی، قدردانی از زحمات یکدیگر است. زن و مرد هر دو برای اداره خانواده و تأمین مسائل رفاهی تلاش می‌کنند. چه زیباست انسان در مقابل خدمتی که به او می‌شود، شاکر باشد و از طرف مقابلش قدردانی کند؛ زیرا که یکی از مؤلفه‌ها و شاخص‌های زندگی موفق، سپاسگزاری از همسر است. زنی که تمام تلاش خود را وقف زندگی شوهر و اعضای خانواده می‌کند، سزاوار قدردانی است؛ زیرا این امر موجب می‌شود محبت در خانواده افزایش یابد و زن و مرد بیشتر به یکدیگر و اعضای خانواده خدمت کنند. بر این اساس

۱. خبرگزاری مهر، «روایتی از نامه شهید حاج قاسم سلیمانی به همسرش به مناسبت روز زن»، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳، کد خبر: ۵۴۰۶۵۴۰.

<https://www.mehrnews.com/news/5406540>

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۵۰.

۳. خبرگزاری دانشجویان ایران (ایرنا)، «نامه فرمانده فقید نیروی قدس سپاه به دخترش فاطمه»، ۱۳۹۹/۱۲/۰۲، کد خبر: ۹۹۱۲۰۲۰۰۹۱۶.

<https://www.isna.ir/news/99120200916>

مردان با استفاده از ابزار تشکر می‌توانند کمبودها و خلأهای رفتاری خود را نیز جبران کنند. ضمن آنکه تشکر از بندگان الهی، یکی از مصادیق احسان و نیکی است. اهمیت این مسئله تا آنجاست که قدردانی از بندگان خدا در برخی روایات، معادل سپاسگزاری از خداوند بیان شده است؛ چنانکه امام سجاد علیه السلام فرموده است:

روز قیامت خداوند متعال به بعضی از بندگان می‌گوید: آیا شکر فلان کس را به جای آوردی؟ عرض می‌کند: پروردگارا! من شکر تو را به جای آوردم. خداوند می‌فرماید: چون شکر او را به جای نیوردی، شکر مرا هم به جای نیورده‌ای». سپس حضرت فرمود: «أَشْكُرُكُمْ لِلَّهِ أَشْكُرُكُمْ لِلنَّاسِ؛^۱ شکرگزارترین شما در پیشگاه خدا، کسی است که از نعمت‌ها و زحمات مردم بیشترین قدردانی و شکرگزاری را به عمل آورد.

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «مَكْتُوبٌ فِي التَّوْرَةِ أَشْكُرُ مَنْ أَنْعَمَ عَلَيْكَ وَأَنْعِمَ عَلَيَّ مَنْ شَكَرَكَ فَإِنَّهُ لَا زَوَالَ لِلنَّعْمَاءِ إِذَا شَكَرْتَ وَلَا بَقَاءَ لَهَا إِذَا كَفَرْتَ الشُّكْرُ زِيَادَةٌ فِي النِّعَمِ»^۲ از کسی که به تو نعمتی می‌دهد، تشکر کن و به کسی که از تو سپاسگزاری می‌کند، نعمت عطا کن؛ زیرا با وجود سپاسگزاری، نعمت‌ها زوال نیابند و با وجود ناسپاسی، نعمت‌ها پایدار نمانند». حدیث معروف امام رضا علیه السلام نیز ناظر بر بایستگی قدردانی از دیگران است: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ»^۳ هر کس سپاسگزار آفریدگان نعمت‌گستر نباشد، از خدای بزرگ سپاسگزاری نکرده است».

بانوی خانه‌دار ۲۹ ساله‌ای از تهران می‌نویسد:

شوهر حق‌شناسی دارم. از صبح تا شام رنج می‌برم، زحمت می‌کشم، تمام کارهای خانه از شستن ظروف و لباس‌ها، از پختن غذا تا تزیین اتاق‌ها و بافتنی‌های لازم را برای او و فرزندان انجام می‌دهم، ولی وقتی به خانه می‌رسد مثل این است که هیچ کاری انجام نشده است. اصلاً توجهی به هیچ چیز ندارد. لباس‌های اتو شده و کفش‌های واکس زده او را که جلوی من می‌گذارم، یک «متشکرم» یا «دستت درد نکند» هم نمی‌گوید. اگر من هم برایش تعریف کنم، با تندی حرفم را قطع می‌کند که: «خوبه، این قدر کارهایت را به رخ من نکش. مگر چه کار کرده‌ای؟ شاخ غول

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۹.

۲. همان، ص ۹۴.

۳. محمد بن علی صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۴.

شکسته‌ای یا از قله دماوند بالا رفته‌ای؟». در صورتی که اگر زحمت‌های من نبود، حالا هشتش گرو نهش بود.^۱

شهید سلیمانی با توجه به میزان تأثیرگذاری قدردانی در استحکام خانواده و شناخت گزاره‌های دینی، از زحمات همسرش قدردانی می‌کند و در نامه‌ای به همسر خود می‌نویسد: «حقیقتاً مانده‌ام در پیشگاه خداوند که چگونه می‌توانم در این روزهای قریب رفتن، حق نزدیک چهل ساله شما را اداء کنم. امیدی جز بخشش و محبت پیوسته شما و خداوند سبحان ندارم».^۲

۳. روحیه شهادت طلبی

مسئولیت اصلی تربیت فرزندان، متوجه خانواده است که اولین و مهم‌ترین پایگاه شخصیت‌سازی و رشد فرزندان به شمار می‌آید. از نگاه دینی، والدین وظیفه دارد که راه و رسم بندگی را به فرزندان خود بیاموزد؛ چنانکه امام سجاد علیه السلام فرموده است: «وَ أَنْتَكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُليْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ؛^۳ تو (پدر) نسبت به فرزند خود مسئول هستی که او را نیکو تربیت نمایی و او را به سوی پروردگارش رهنمون شوی». به نظر روانشناسان نیز اخلاق و رفتار در محیط خانواده، پایه‌گذاری می‌شود و کودکان از طریق دیدن‌ها و شنیدن‌ها راه و رسم زندگی را می‌آموزند؛ یعنی افزون بر تأثیرگذاری یک‌جانبه خانواده بر خلق و خوی کودک، نوعی آموختن دیداری و شنیداری نیز توسط کودک صورت می‌گیرد که والدین، آموزگاران خواسته و ناخواسته این آموزش خواهند بود. خداوند متعال یکی از ویژگی‌های بندگان راستین را توجه خاص به تربیت فرزند و خانواده خویش دانسته و فرموده است: «وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَرْوَاحِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛^۴ و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزگاران پیشوا گردان».

یکی از رویکردهای مهم شهید سلیمانی، تربیت فرزندان مبتنی بر فرهنگ شهادت، ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی است. شهید سرافراز اسلام این رویکرد را از خانواده شروع نمود؛ یعنی از همان آغاز زندگی فرزندان، از شهادت‌طلبی و روحیه جهادی و آه و ناله‌های کودکان

۱. ابراهیم امینی، آیین همسرداری، ص ۲۷.

۲. خبرگزاری مهر، «روایتی از نامه شهید حاج قاسم سلیمانی به همسرش به مناسبت روز زن»، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳، کد خبر: ۵۴۰۶۵۴۰.

<https://www.mehrnews.com/news/5406540>

۳. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۶۴.

۴. فرقان: ۲۶.

مظلوم و ظلم ظالمان، برای اعضای خانواده سخن گفت و کلمات قصار امام علی علیه السلام را آوازه گوش فرزندانش نمود: «وَكُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»^۱. ایشان بارها اشتیاق و علاقه‌اش به شهادت را در کانون خانواده بیان می‌کرد؛ چنانکه در نامه‌ای به دخترش فاطمه می‌نویسند:

فاطمه عزیزم! این چند صفحه را برای تو می‌نویسم؛ چون می‌دانم مقدسانه مرا دوست داری. آه! مرگ خونین من! عزیز من! زیبای من! کجایی؟ مشتاق دیدارت هستم... وقتی بوسه انفجار تو، تمام وجود مرا در خود محو می‌کند؛ دود می‌کند و می‌سوزاند. چقدر این لحظه را دوست دارم. آه... چقدر این منظره زیباست. چقدر این لحظه را دوست دارم. در راه عشق جان دادن خیلی زیباست. خدایا! سی سال برای این لحظه تلاش کردم. برای این لحظه با تمام رقبای عشق در افتاده‌ام. زخم‌ها برداشته‌ام، واسطه‌ها فرستاده‌ام. چقدر این منظره زیباست! چقدر این لحظه را دوست دارم.^۲

این سردار سرافراز همواره درصدد القای فرهنگ ظلم‌ستیزی و شهادت‌خواهی برای فرزندانش بود؛ چنانکه در نامه‌ای از همسرش می‌خواهد دعا کند که شهید شود.^۳ نامه شهید سلیمانی به دخترش نیز ناظر بر همین مطلب است:

عزیزم از خدا خواستم همه شریان‌های وجودم را و همه مویرگ‌هایم را مملو از عشق به خودش کند. وجودم را لبریز از عشق خودش کند. این راه را انتخاب نکردم که آدم بکشم، تو می‌دانی من قادر به دیدن بریدن سر مرغی هم نیستم... و دوست دارم خداوند این قدرت را به من بدهد که بتوانم از تمام مظلومان عالم دفاع کنم؛ نه برای اسلام عزیز جان بدهم که جانم قابل آن را ندارد، نه برای شیعه مظلوم که ناقابل‌تر از آنم، نه... بلکه برای آن طفل وحشت‌زده بی‌پناهی که هیچ ملجایی برایش نیست، برای آن زن بچه به سینه چسبانده هراسان و برای آن آواره در حال فرار و تعقیب که خطی خون پشت سر خود بر جای گذاشته است، می‌جنگم.^۴

۱. حسین بن محمد شریف الرضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، ص ۴۲۲.

۲. خبرگزاری فارس، «نامه‌ای غریبانه برای فاطمه»، ۱۳/۱۰/۱۳۹۹، کد خبر: ۱۳۹۹۱۰۱۳۰۰۰۰۸۴.

<https://www.farsnews.ir/news/13991013000048>

۳. خبرگزاری مهر، «روایتی از نامه شهید حاج قاسم سلیمانی به همسرش به مناسبت روز زن»، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳، کد خبر: ۵۴۰۶۵۴۰.

<https://www.mehrnews.com/news/5406540>

۴. جهان‌نیوز، «فرودگاه بغداد؛ ساعت یک و ۲۰ دقیقه بامداد»، ۱۴۰۰/۱۰/۱۳، کد خبر: ۷۸۷۳۳۸.

<https://www.jahannnews.com/news/787338>

۴. فروتنی

در آموزه‌های دینی، به احترام و تکریم والدین توجه ویژه‌ای شده است؛ به گونه‌ای که تصور آن برای برخی مشکل است. بر اساس روایات، حتی بوسیدن پای والدین نیز ارزش محسوب می‌شود و نگاهی به صورت آن‌ها، ثواب یک حج را دارد. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره فرموده است: «مَا وَلَدٌ بَأْرٌ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ بِرَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حَبَّةٌ مَبْرُورَةٌ؛ نگاه پر مهر و محبت فرزند نیکوکار به پدر و مادرش ثواب حج دارد». از آن حضرت پرسیدند: اگر روزی صد مرتبه به والدین نگاه کند، آیا آن ثواب افزایش می‌یابد؟ فرمود: «نَعَمْ اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَطْيَبُ؛ بلی، خداوند بزرگ‌تر از آن است که شما فکر می‌کنید؛ چون برای آن قدرت مطلق، اعطای چنین ثواب‌هایی بسیار آسان است». خداوند در سفارش به فرزندان نسبت به والدین می‌فرماید: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ».^۲ در معنای جمله «وَ اخْفِضْ...» دو احتمال وجود دارد: احتمال اول اینکه، به حالت جوجه در مقابل مادر اشاره دارد که برای برانگیختن عطف مادر بال و پر خود را پایین می‌آورد و حالت ذلت به خود می‌گیرد. در این صورت معنای آیه چنین است که هنگام رویارویی و مکالمه با آنان، از روی محبت و رحمت چنان برخورد کن که تواضع و خضوع و افتادگی تو در مقابل آنان معلوم باشد. احتمال دوم اینکه این کلمه، تشبیه به حالت پرند باشد که بال گسترده محبت خود را بر روی جوجه‌هایش فرود می‌آورد و آن‌ها را در پناه خود می‌گیرد. بنابراین معنای آیه چنین است که بال محبت و عطف و رحمت خویش را بر آنان بگستر و آنان را مشمول عنایت ویژه خود قرار بده.^۳

رویکرد شهید سلیمانی، فروتنی نسبت به والدین خود بود. این امر در رفتار ایشان آنچنان برجسته بود که پای مادر را می‌بوسد و بدان افتخار می‌کند و اگر گاهی این امر ممکن نمی‌شد، از آن به عنوان آرزو و حسرت یاد می‌کرد. یکی از یاران ایشان می‌گوید: «ما نگران بودیم (مادر شهید سلیمانی در بیمارستان بود) که اتفاقی برای او رخ بدهد و از طرفی می‌دیدم که شهید سلیمانی زیاد نگران است. رفتیم و سرک کشیدیم. دیدیم سردار سلیمانی

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۷۳.

۲. اسراء: ۲۲: «بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر».

۳. جمعی از نویسندگان، تعالیم قرآنی، ج ۴، ص ۴۸.

کنار پای مادر نشسته و جوراب‌ها را از پای مادرش درآورده و پاهای مادر را بر روی پیشانی و چشمانش می‌کشد و اشک می‌ریزد»^۱.

۵. جلب رضایت والدین

جلب رضایت والدین، حاکی از اهمیت و جایگاه بلند والدین است تا آنجا که جلب رضایت و نارضایتی والدین با رضایت و نارضایتی خداوند گره خورده است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این زمینه فرموده است: «رِضَا اللَّهِ مَعَ رِضَا الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطُ اللَّهِ مَعَ سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ؛^۲ خشنودی و رضای خداوند همراه با خشنودی پدر و مادر است و سخط و خشم خداوند همراه با سخط و خشم پدر و مادر است». امام علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرموده است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ لَا تَعْصُوا الْوَالِدَيْنِ فَإِنَّ رِضَاهُمَا رِضَا اللَّهِ وَ سَخَطُهُمَا سَخَطُ اللَّهِ؛^۳ تقوای الهی را پیشه خود سازید و از والدین خود نافرمانی نکنید. به درستی که رضایتمندی آن‌ها، نمودی از رضایتمندی خدا و ناخرسندی آن‌ها، نمودی از ناخرسندی خداست».

بنابراین فرزندان باید با رفتار و گفتار مانند اطاعت، خدمت و احترام به والدین، زمینه رضایت آن‌ها را فراهم کنند؛ چنانکه قرآن کریم بر مهربانی، خشوع و فروتنی فرزند نسبت به پدر و مادر خود تأکید کرده و فرموده است: «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا».^۴ ابی‌ولاد می‌گوید: معنای آیه «وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» را از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام پرسیدم، حضرت فرمود: «احسان به پدر و مادر این است که رفتارت را با آن‌ها نیکو کنی و مجبورشان نکنی تا چیزی که نیاز دارند، از تو بخواهند؛ یعنی قبل از درخواست آنان، نیازشان را برطرف کنی».^۵ این در حالی است که در سوره مبارکه احقاف، یکی از ویژگی‌های افراد گناهکار این است که در برابر والدین مؤمن خود، ناخلف هستند و مورد عاق و نفرین آن‌ها قرار می‌گیرند؛ حتی سخن این گروه از فرزندان این‌گونه نقل

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ، «تحلیل جامع ده خصوصیت ویژه مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی»، ۱۴۰۱/۱۰/۱۰، کد خبر: ۱۳۹۴۵.

<https://www.balagh.ir/content/13945>

۲. محمد بن حسن فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۲، ص ۳۶۸.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۲۸.

۴. اسراء: ۲۵.

۵. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۹.

شده است: «وَالَّذِي قَالَ لَوْلَا إِلَهُي لَمَنْ أُفٍّ لَكُمْ أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ؛^۱ کسی که به پدر و مادرش می‌گوید اف بر شما! آیا به من وعده می‌دهید که من روز قیامت مبعوث می‌شوم».

در روایت آمده است که از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سوال شد: «عقوق والدین چیست؟». پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «هنگامی که والدین دستوری به فرزند می‌دهند، اما او آن‌ها را اطاعت نمی‌کند و هنگامی که والدین از فرزند خود خواهش و تمنایی دارند، اما او آن‌ها را از رسیدن به خواسته‌هایشان محروم می‌کند و هنگامی که فرزندی والدین خود را می‌بیند، اما آن‌ها را آن‌طور که شایسته است؛ مورد تعظیم قرار نمی‌دهد».^۲

عاق والدین، پیامدهایی مانند عدم استجاب دعا را در پی دارد؛ چنانکه امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده است: «ثَلَاثٌ دَعَوَاتٍ لَا يُجَبِّنُ عَنْ اللَّهِ (تَعَالَى): دُعَاءُ الْوَالِدِ لَوْلَا إِلَهُهُ إِذَا بَرَّهٗ، وَ دَعْوَتُهُ عَلَيْهِ إِذَا عَقَّهٗ، وَ دُعَاءُ الْمَظْلُومِ عَلَى ظَالِمِهِ؛^۳ خداوند دعای سه کس را رد نخواهد کرد: دعای پدر در حق فرزند در هنگام نیکی به او، دعای پدر بر ضد فرزند (نفرین) هنگامی که مورد عاق او واقع شود و دعای مظلوم بر ظالم».

با توجه به اهمیت و تأثیرگذاری جلب رضایت والدین در زندگی انسان است که شهید سلیمانی در صدد جلب رضایت والدین بود و سعی می‌کرد در قالب‌های مختلفی همچون خدمت به والدین، زمینه‌خشونودی پدر و مادرش را فراهم کند. سپهد شهید آنچنان دلبسته پدر و مادرش بود که در آخرین وصیت‌نامه‌اش محشور شدن و دیدار ملاقات با آنان را از خداوند متعال مسئلت می‌کند: «خداوندا! تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و پیوسته در مسیر پاکی بهره‌مند نمودی. از تو عاجزانه می‌خواهم آن‌ها را در بهشت و با اولیائت قرین کنی و مرا در عالم آخرت از درک محضرشان بهره‌مند فرمایی».^۴

برادر شهید سلیمانی می‌گوید: «او همیشه سعی می‌کرد رضایت پدر و مادر را جلب کند؛

۱. عبدالحمید بن هبة الله ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۶، ص ۱۵۰.

۲. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۳.

۳. محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۲۸۱.

۴. پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ، «تحلیل جامع ده خصوصیت ویژه مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی»، ۱۴۰۱/۱۰/۱۰، کد خبر: ۱۳۹۴۵.

چرا که رضایت خدا را در رضایت آن‌ها می‌دانست؛ حتی بچه‌ها و اقوام را به احترام به پدر و مادر سفارش می‌کرد. ایشان همیشه دست پدر و پای مادر را می‌بوسید. پدرمان خیلی دوست داشت حاجی به آرزویش که شهادت است، برسد و همیشه برایش دعا می‌کرد که این آرزوی برادرم برآورده شود»^۱.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله، شرح نهج البلاغة لابن ابی‌الحدید، تصحیح محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ اول، قم: مکتبه‌آیه‌الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۳. امینی، ابراهیم، آیین همسررداری، چاپ بیست و نهم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
۴. جمعی از نویسندگان، تعالیم قرآنی، چاپ اول، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی، ۱۳۸۲ش.
۵. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغة، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۶. صدوق، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، تصحیح: مهدی لاجوردی، چاپ اول، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ق.
۷. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، تصحیح: مؤسسة البعثة، چاپ اول، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.
۸. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، چاپ اول، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ش.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.

۱. خبرگزاری دانشجو، «ناگفته‌های سبک زندگی حاج قاسم از زبان مادرش»، ۱۴/۱۰/۱۳۹۹، کد خبر: ۹۰۲۴۰۸.
<https://snn.ir/fa/news/902408>

۱۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: انتشارات صدرا، [بی تا].
۱۲. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تصحیح: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

سایت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ، «تحلیل جامع ده خصوصیت ویژه مکتب شهید حاج قاسم سلیمانی»، ۱۴۰۱/۱۰/۱۰، کد خبر: ۱۳۹۴۵.
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی خامنه‌ی مد ظله العالی، «اینک نیروی بدون مرز قدس»، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷.
۳. جهان‌نیوز، «فرودگاه بغداد؛ ساعت یک و ۲۰ دقیقه بامداد»، ۱۴۰۰/۱۰/۱۳، کد خبر: ۷۸۷۳۳۸.
۴. خبرگزاری دانشجویان ایران (ایرنا)، «نامه فرمانده فقید نیروی قدس سپاه به دخترش فاطمه»، ۱۳۹۹/۱۲/۰۲، کد خبر: ۹۹۱۲۰۲۰۰۹۱۶.
۵. خبرگزاری دانشجو، «ناگفته‌های سبک زندگی حاج قاسم از زبان مادرش»، ۱۳۹۹/۱۰/۱۴، کد خبر: ۹۰۲۴۰۸.
۶. خبرگزاری فارس، «نامه‌ای غریبانه برای فاطمه»، ۱۳۹۹/۱۰/۱۳، کد خبر: ۱۳۹۹۱۰۱۳۰۰۰۰۸۴.
۷. خبرگزاری مهر، «روایتی از نامه شهید حاج قاسم سلیمانی به همسرش به مناسبت روز زن»، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳، کد خبر: ۵۴۰۶۵۴۰.

نقش سرپرست در ایجاد خانواده متعادل

فریده فاطمی مهر*

مقدمه

نهاد خانواده، اساس و زیربنای جامعه است. خانواده متعادل وقتی شکل می‌گیرد که هر یک از اعضای آن نقش خود را به درستی ایفا کند. مرد - معمولاً - سرپرست خانواده است و مسئولیت همسری، پدری و نقشی بنیادی در ایجاد خانواده مطلوب دارد؛ از این‌رو سرپرست خانواده می‌تواند با استفاده از شیوه‌هایی کارآمد و روش‌مند، خانواده متعادل را ایجاد کند. برای شکل‌گیری روابط گرم و صمیمی در خانواده، والدین و بویژه پدر باید به دور از افراط و تفریط و سهل‌گیری، مسئولیت وظایف خود را در برابر دیگر اعضای خانواده انجام دهد. از این‌روست که از سرپرست خانواده سؤال می‌شود که آیا این مهم را درست انجام داده است؟ چنانکه پیامبر خدا ﷺ فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَائِلُ كُلِّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرْعَاهُ أَحْفَظَ ذَلِكَ أَمْ صَيَّعَهُ حَتَّى يُسْأَلَ الرَّجُلُ عَنِ أَهْلِ بَيْتِهِ؛^۱ پروردگار متعال از هر آن کس که مسئولیتی را عهده‌دار است، سؤال می‌کند که آیا آن را پاس داشته است یا تباه ساخته است؛ حتی از مرد در خصوص خانواده‌اش پرسش می‌شود».

در این نوشتار به مهم‌ترین شیوه‌هایی که سرپرست می‌تواند با کمک آن‌ها خانواده متعادل را ایجاد کند، پرداخته می‌شود.

معنای خانواده متعادل

تعادل به معنای با هم برابر شدن و هم‌تا بودن آمده است.^۲ منظور از خانواده متعادل، نهاد فاقد

* دانش‌آموخته سطح ۳ رشته تفسیر و علوم قرآن.

۱. ابوالقاسم پایند، نهج الفصاحة، ص ۲۹۶

۲. محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ج ۱، ص ۱۰۹۶.

عیب و نقص نیست؛ بلکه این مفهوم به شبکه‌ای از روابط متقابل اطلاق می‌شود که اعضای آن درگیر با مشکلات و موانع احتمالی هستند و ضعف‌های کم و بیش قابل اعتنایی نیز دارند، اما در مقابله با موارد مذکور، شیوه منطقی اتخاذ می‌کنند.^۱ متعادل بودن خانواده موجب می‌شود که سلامت خانواده امکان‌پذیر، مقاومت و پایداری خانواده در مقابل مشکلات بیشتر، رضایت و امنیت و آسایش افراد ایجاد و زمینه برای خانواده مطلوب و بالنده فراهم شود.^۲ بی‌شک، سلامت جامعه وابسته به سلامت خانواده است و سلامت روانی و جسمانی افراد نیز تأمین نمی‌شود، مگر آنکه ازدواج‌هایی موفق و خانواده‌هایی سالم و متعادل داشته باشیم.^۳

نقش سرپرست خانواده در خانه

از نظر اسلام فردی که در نظام خانواده جایگاه شوهری و پدری را داراست، در جایگاه سرپرستی هم قرار خواهد داشت. البته باید توجه داشت که نگاه اسلام به چنین جایگاه‌هایی که فرد مسئولیت‌هایی را می‌پذیرد، نگاه معنوی است که آن را ابزار خدمت به دیگران و کسب سعادت می‌داند؛^۴ چرا که رسول خدا ﷺ خوشبختی مرد را در سرپرستی خانواده اش می‌داند و می‌فرماید: «الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِهَا وَوَلَدِهَا وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ»^۵ مرد، سرپرست خانواده است و درباره آنان از او سؤال می‌شود و زن، سرپرست خانه شوهرش و فرزندان اوست و درباره آنان از وی سؤال می‌شود.^۶ روشن است که مراد از قرار دادن مرد در جایگاه سرپرستی، استبداد، اجحاف و تعدی نسبت به دیگر اعضای خانواده نیست؛ بلکه منظور مدیریت واحد و منطقی با توجه به مسئولیت‌ها و مشورت‌های لازم است.^۷

شیوه‌های ایجاد خانواده متعادل

برای آنکه سرپرست خانواده بتواند نقش خود را در جایگاه همسری و پدری به نحو احسن ایفا

۱. محمدرضا شرفی، خانواده متعادل، ص ۴۷.

۲. احمد صافی، خانواده متعادل و نامتعادل، ص ۷۰.

۳. احمد به‌پژوه، ازدواج موفق و خانواده سالم، چگونه؟، ص ۷۴.

۴. قاسم ابراهیمی‌پور و همکاران، شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، ص ۱۸۶.

۵. محمد بن علی صدوق، من لا یحضره الفقیه، ص ۱۶۸.

۶. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۲۵؛ حسن بن محمد دیلمی، إرشاد القلوب الی

الصواب، ج ۱، ص ۱۸۴.

۷. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۰.

کند، باید شیوه‌هایی را در ایجاد خانواده متعادل به کار گیرد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. تأمین نیازهای معیشتی

یکی از وظایف سرپرست خانواده، ایجاد رفاه و گشایش در زندگی است. اگر برای او ممکن باشد که خانواده خود را از رفاه بیشتری برخوردار کند، باید این کار را انجام دهد. این، سنت اسلامی است^۱ و رسول خدا ﷺ درباره افرادی که از این سنت رویگردان هستند؛ فرموده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ وَسَّعَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ قَتَرَ عَلَى عِيَالِهِ؛^۲ کسی که خداوند به او روزی فراوان عطا فرموده است، ولی او بر عیال خود سخت بگیرد؛ از ما نیست.»^۳ گشایش در زندگی خانواده در برخی موارد حتی بر انفاق‌های مستحب دیگر اولویت دارد.^۴

یکی از مسئولیت‌های مرد که پس از ازدواج بر عهده‌اش قرار می‌گیرد، نفقه و تأمین نیازهای اقتصادی خانواده است. نفقه، از وظایف ویژه مرد و از حقوق قطعی زن است. نفقه، از چیزهایی است که افزون بر وجوب شرعی و التزام دینی، از نظر قانونی نیز بر مرد لازم است.^۵ بر این اساس تلاش و ممارست برای تأمین رفاه زن در خانواده، یکی از تکالیف مهم همسر است و مرد باید مطابق شرع، کلیه مخارج زن اعم از خوراک، پوشاک، دارو، درمان و ... را فراهم کند و در صورت امتناع یا کوتاهی در این وظیفه، نسبت به این مهم مسئول خواهد بود.

از آنجا که مرد مسئولیت اقتصادی خانواده را بر عهده دارد، بخل‌ورزی وی در مسائل مالی، شرایط زندگی را برای همسر و اعضای خانواده دشوار می‌کند؛ در حالی که آنچه مهم است، برخورد اعتدالی در مسائل معیشتی و رفاهی همسر به دور از بخل و اسراف است؛ چنانکه امیر مؤمنان علیه السلام فرموده است: «كُنْ سَمْحًا وَلَا تَكُنْ مُبَدِّرًا وَ كُنْ مُقَدِّرًا وَلَا تَكُنْ مُقْتَرًا؛^۶ بخشنده باش، ولی نه ولخرج و اسرافکار و اندازه‌گیر باش، ولی نه سختگیر و بخیل.»

امام صادق علیه السلام هنگامی که آیه «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛^۷ و

۱. قاسم ابراهیمی پور و همکاران، شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، ص ۱۹۸.

۲. حسین بن محمد تقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۲۵۶.

۳. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحة، ص ۳۸۴.

۴. قاسم ابراهیمی پور و همکاران، شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، ص ۱۹۹.

۵. علی احمد پناهی، نقش زن و مرد در خانواده با رویکرد اسلامی، ص ۱۰۳.

۶. حسین بن محمد شریف الرضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، حکمت ۳۳.

۷. فرقان: ۶۷.

کسانی که هر گاه اتفاق کنند، نه اسراف می نمایند و نه سخت گیری؛ بلکه در میان این دو حد اعتدالی دارند» را تلاوت فرمود، مثنی سنگ ریزه از زمین برداشت و محکم در دست گرفت؛ به طوری که حتی یک دانه آن به زمین نریخت و فرمود: «این، همان سخت گیری است». سپس مشت دیگری برداشت و چنان دست خود را گشود که همه آن ها بر زمین ریخت و حتی یک دانه باقی نماند. سپس فرمود: «این، اسراف است». آن گاه مشت دیگری برداشت و کمی دست خود را گشود؛ به گونه ای که مقداری ریخت و مقداری در دست او باقی ماند و فرمود: «این، همان قوام و حد اعتدال است». سپس فرمود: «قوام، حد وسط و میانه است».^۱

۲. مشورت و گفت و گو

یکی از عواملی که سبب تفاهم و همکاری اعضای خانواده می شود، گفت و گو و مشورت در خانواده است که در عین ایجاد خانواده ای مستحکم و صمیمی، بهترین محافظ در برابر مشکلات و موانع زندگی نیز است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «وَلَا ظَهِيْرَ كَالْمُشَاوِرَةِ»^۲ هیچ پشتیبانی چون مشورت نیست». در طول تاریخ زندگانی بشر نیز بهترین و مستحکم ترین کانون های خانوادگی، آن هایی بوده اند که زن و شوهر و فرزندان با همفکری و همکاری در آن حرکت نموده اند. امام رضا علیه السلام درباره مشورت با اعضای خانواده فرموده است: «پدرم امام کاظم علیه السلام به رغم خردی که داشت (که با عقل دیگران قابل قیاس نبود)، با غلامان سیاه خود مشورت می کرد و در جواب اعتراض دیگران می فرمود: چه بسا خدای متعال فتح و گشایش را در زبان این شخص قرار داده باشد».^۳

مشورت، اختصاص به زن و مرد ندارد؛ بلکه این امر می تواند با فرزندان نیز صورت گیرد؛ زیرا یکی از عواملی که به فرزندان شخصیت می دهد، مشورت با آن ها در امور خانواده است. این کار سبب می شود که آن ها احساس کنند که در خانواده به نظرشان توجه می شود و به این ترتیب آنچه را که در دل دارند، با والدین خود در میان می گذارند. مرحوم آیت الله کوهستانی رحمته الله همواره سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله را در نوع رفتار با فرزندان خود به کار می گرفت؛ به گونه ای که افزون بر مشورت، به قدری به شخصیت و احترام و تکریم فرزندان و اعضای خانواده اش اهمیت می داد

۱. علی اکبر قرشی، تفسیر احسن الحدیث، ج ۷، ص ۳۱۴ و ۳۱۵.

۲. حسین بن محمد شریف الرضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، حکمت ۵۴.

۳. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۳۱۹.

که از آن‌ها می‌خواست برای ایشان استخاره بگیرند.^۱ بنابراین لازم است والدین و به‌ویژه پدر، از پیشنهادهای صحیح نوجوانان استقبال کنند و در صورتی که در پیشنهادهای آنان خطایی می‌بینند، با دلیل و منطق آن‌ها را به اشتباه خود متوجه کنند. این عمل باید به‌گونه‌ای انجام شود که به شخصیت آن‌ها لطمه نزند و در آنان احساس ناتوانی را ایجاد نکند. بر این اساس والدین می‌توانند عقاید و تجربیات‌شان را با فرزندان‌شان در میان بگذارند، دقیقاً مانند یک مشاور موفق که مطلب خود را با طرف مراجعه در میان می‌گذارد.^۲ دختر شهید بهشتی درباره مشورت شهید بهشتی با فرزندان‌ش نقل می‌کند: «ما آنچه در ذهن به عنوان سؤال داشتیم، از ایشان می‌پرسیدیم و ایشان با وجود اشتغال زیادی که داشتند؛ در این گونه موارد وقت کافی و مناسبی می‌گذاشتند. البته این وقت‌گذاری هم منظم بود».^۳

۳. مراقبت و نظارت

اسلام در محیط خانواده برای شخصیت زن، احترام و ارزش ویژه‌ای قائل است و مسئولیت مراقبت از حریم زن قبل از ازدواج را بر عهده والدین، به‌ویژه پدر و بعد از ازدواج را بر عهده همسر وی قرار داده است. اهمیت این مسئله تا آنجاست که حتی فدا کردن جان در این راه امری پسندیده است؛ چنانکه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «مَنْ قُتِلَ دُونَ عِيَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ»؛^۴ کسی که در راه دفاع از اهل و عیال خود کشته شود، شهید است.»

بی‌تردید برای ایجاد خانواده‌ای متعادل، مراقبت از همسر و فرزندان یک اصل اساسی به شمار می‌رود. همسر شهید مطهری در این زمینه می‌گوید:

یادم هست یک‌بار برای دیدن دخترم به اصفهان رفته بودم و بعد از چند روز با یکی از دوستان به تهران برگشتم. نزدیک سحر بود به خانه رسیدیم. وقتی وارد شدم، دیدم همه بچه‌ها خوابند، ولی آقا بیدار است. چای را حاضر کرده، میوه و شیرینی چیده و منتظر من بودند. دوستم از دیدن این منظره متعجب شد و گفت: «همه روحانیون این قدر خوبند؟». بعد از سلام و علیک، آقا با اشاره به اینکه بچه‌ها هنوز خوابند، با تأثر به من

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ، «شیوه رفتار با نوجوانان در دوره بلوغ»، ۱۳۹۹/۰۵/۲۱، کد خبر: ۱۳۵۴۷.

<https://www.balagh.ir/content/13457>

۲. علی احمد پناهی و داوود حسینی، با دخترم (ویژه والدین و مربیان دختران نوجوان)، ص ۳۵۲.

۳. غلامعلی رجایی، سیره شهید دکتر بهشتی، ص ۷۸.

۴. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۰.

گفتند: «می ترسیدم یک وقت نباشم و شما از سفر بیایید و کسی نباشد به استقبالتان بیاید». حتی در سفری که من با ایشان به کربلا داشتم، وقتی به خانه برگشتیم؛ دو سه تا از بچه‌ها خواب بودند. ایشان ناراحت شدند و با بچه‌ها دعوا کردند که چرا وقتی مادران از سفر آمدند، همه شما به استقبالش نیامدید؟!^۱

یکی از وظایفی که مرد و سرپرست در زندگی زناشویی نسبت به همسر خود بر عهده دارد، مراقبت و محافظت از حیثیت و آبروی همسر خود در برابر تجاوز و رفتارهای غیر متعارف و نامالایمات اجتماعی است؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ غَيُورٌ يُحِبُّ كُلَّ غَيُورٍ وَ مِنْ غَيْرَتِهِ حَرَمَ الْفَوَاحِشِ ظَاهِرَهَا وَ بَاطِنَهَا»^۲ خدای تعالی دارای صفت غیرت است و انسان‌های غیور را دوست دارد و به دلیل وجود همین صفت بود که کارهای زشت از پیدا و پنهان را حرام نموده است. غیرت تنها به این نیست که انسان غیر را به حریم خود راه ندهد؛ بلکه غیور کسی است که به حریم دیگری هم راه پیدا نکند. اگر جامعه بخواهد به امنیت برسد و غیور باشد، باید خانواده را درست تأسیس کند.^۳

غیرت‌ورزی چنانکه بعضی تصور می‌کنند، به معنی بدبینی نسبت به همسر نیست. همچنین باید از غیرت بیجا خودداری کرد؛ چنانکه امام علی علیه السلام به امام حسن مجتبی علیه السلام فرموده است: «از غیرت بیجا پرهیزید؛ زیرا این کار سبب می‌شود که افراد صحیح و درستکار از آنان، گرفتار آلودگی و بیماری شوند و افراد بی‌گناه در معرض تهمت قرار گیرند».^۴ بر منبای این سخن امام علی علیه السلام داشتن غیرت ابتدا باید در جهت محافظت از همسر و سایر اعضای خانواده باشد و در مرحله بعد با رفتاری سرشار از عطف و مهربانی و بدون سختگیری و افراط همراه گردد. بنابراین اگر مردی دارای تعصب و بدبینی بی‌جا نسبت به همسر و سایر اعضای خانواده خود شود، باید با تمرین و ممارست نسبت به رفع این عمل مذموم تلاش نماید.

مراقبت و نظارت بر فرزندان نیز از مسولیت‌های مهم والدین و به‌ویژه پدران است. هنگامی که والدین بر فرزند خود نظارت داشته باشند و از وضعیت و شرایط فرزندشان آگاه باشند و او را درک کنند، هنگام بروز مشکل و آسیب برای فرزند می‌توانند از او مراقبت کنند که این امر،

۱. وبسایت روزنامه شهروند، «رفتار استاد مطهری با همسر و فرزندان»، ۱۴۰۱/۱۲/۰۲، شماره ۲۷۵۰.

<https://shahrvand-newspaper.ir/News:NoMobile/Main/62560>

۲. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۵۳.

۳. عبدالله جوادی آملی، خانواده متعادل و حقوق آن، ص ۸۰ و ۸۱.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۲.

سبب مهر و الفت در زندگی فردی و اجتماعی فرزند می‌شود. البته مراقبت و نظارت بر فرزند باید منطقی و به دور از افراط و تفریط باشد.^۱
نه به نزدیک آی و نه می‌باش دور در وسط رو تا بود خیر الامور^۲

۴. دغدغه‌مندی نسبت به تربیت

برای شکل‌گیری خانواده متعادل و مطلوب، تربیت فرزندان نقشی بنیادین دارد. عوامل بسیاری در شکل‌گیری ویژگی‌های شخصیتی رفتاری، شناختی، عاطفی، دینی و معنوی فرد تأثیرگذار است که یکی از این عوامل تأثیرگذار و مهم، عوامل محیطی است که شامل خانواده، همسالان، محیط جغرافیایی، محیط اجتماعی و مانند آن می‌شود. والدین از جمله پدر به عنوان نخستین مربیان کودک و به عنوان کسانی که ارتباط پیوسته و همیشگی با فرزندان دارند، تاثیر بیشتری در ابعاد گوناگون تربیتی کودکان دارند. بدین سبب در آموزه‌های دینی به نقش تربیتی والدین بیشتر توجه شده است.^۳ در مباحث روان‌شناختی نیز روانشناسان به تأثیر والدین از جمله پدر در شکل‌گیری شخصیت و ویژگی‌های رفتاری فرزندان پرداخته‌اند؛ به گونه‌ای که والدین را مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در شخصیت و ویژگی‌های رفتاری فرزندان می‌دانند.^۴ تربیت فرزندان همچنان که نیازمند تلاش و فداکاری و کاردانی مادر است، محتاج همکاری مدیریت و بصیرت پدر نیز است. این اصل مهم را نباید از نظر دور داشت که مسئولیت پدر تنها در تأمین هزینه‌های خانواده خلاصه نمی‌شود؛ بلکه تربیت فرزندان یکی از اساسی‌ترین وظایف است.^۵

۵. جامعه‌پذیری فرزند

یکی از وظایف سرپرست خانواده، آن است که اعضای خانواده خود را به گونه‌ای تربیت کند که شیوه زندگی در جامعه اسلامی خود را بیاموزند. خانواده‌ای که شیوه صحیح زیست اجتماعی را بدانند و نسبت به قوانین و مقررات جامعه احترام بگذارند، خانواده متعادل خواهد بود. جامعه‌پذیری فرد را به آموختن هنجارها، ارزش‌ها، زبان‌ها، مهارت‌ها، عقاید و الگوهای فکر و عمل که همگی برای زندگی اجتماعی ضروری هستند؛ قادر می‌کند. جامعه‌پذیری، جامعه را به

۱. ر.ک: علی قائمی، خانواده و تربیت کودک، ص ۳۷۸.

۲. فریدالدین عطار نیشابوری.

۳. علی احمد پناهی، نقش زن و مرد در خانواده بارویکرد اسلامی، ص ۲۲۲ و ۲۲۳.

۴. دوان شولتز، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، ص ۱۱۹، ۲۴۵ و ۲۴۷.

۵. محمدعلی سادات، راهنمای پدران و مادران، ج ۱، ص ۱۴۶.

بازسازی خود از لحاظ اجتماعی قادر می‌سازد و بدین ترتیب استمرار آن را از نسلی به نسل دیگر تضمین می‌کند.^۱

نوزاد در خانواده به دنیا می‌آید و نخستین برخوردهای خود را با محیط خانواده آغاز می‌کند. در این کانون اولیه، نخستین تأثیرگذاری و تأثیرپذیری‌ها آغاز می‌شود و کودک به تدریج در فرایند اجتماعی شدن قرار می‌گیرد.^۲ والدین، نمونه برتر و الگوی شایسته هستند که کودک در رفتار و اخلاق دنباله‌رو آن‌هاست و خواه ناخواه گفتار و کردار والدین خویش را بازتاب می‌دهد.^۳

فهرست منابع

کتاب

۱. ابراهیمی پور، قاسم و همکاران، شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۵ ش.
۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری،
۳. به‌پژوه، احمد، ازدواج موفق و خانواده سالم، چگونه؟، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۸ ش.
۴. بهشتی، احمد، اسلام و تربیت کودک، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۰ ش.
۵. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۶. پناهی، علی احمد و داوود حسینی، با دخترم (ویژه والدین و مربیان دختران نوجوان)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰ ش.
۷. پناهی، علی احمد، نقش زن و مرد در خانواده بارویکرد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۸ ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، خانواده متعادل و حقوق آن، قم: اسراء، ۱۳۹۷ ش.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تصحیح مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.

۱. لیدا کاکیا، «بررسی نقش آموزش خانواده در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار مقطع راهنمایی دخترانه شهرستان‌های استان تهران سال ۸۵-۸۴»، خانواده و پژوهش، ص ۱۲.

۲. قاسم ابراهیم پور و همکاران، شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، ص ۵۱۶.

۳. احمد بهشتی، اسلام و تربیت کودک، ص ۱۶.

۱۰. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب الی الصواب، چاپ اول، قم: شریف الرضی، ۱۴۱۲ق.
۱۱. رجایی، غلامعلی، سیره شهید دکتر بهشتی، چاپ سوم، تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۶ش.
۱۲. سادات، محمدعلی، راهنمای پدران و مادران، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۱۳. شرفی، محمدرضا، خانواده متعادل، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۲ش.
۱۴. شریف الرضی، حسین بن محمد، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۱۵. شولتز، دوان، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر روان، ۱۴۰۱ش.
۱۶. صافی، احمد، خانواده متعادل و نامتعادل، چاپ هفتم، تهران: انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۴ش.
۱۷. صدوق، علی بن محمد، من لا یحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۱۸. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، تهران: نشر فراهانی، ۱۳۹۰ش.
۱۹. قائمی، علی، خانواده و تربیت کودک، تهران: انتشارات امیری، ۱۳۶۸ش.
۲۰. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۴ش.
۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، چاپ هفتم، تهران: سپهر، ۱۳۷۱ش.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ش.
۲۴. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تصحیح مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.

مقالات و سایت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی بلاغ، «شیوه رفتار با نوجوانان در دوره بلوغ»، ۱۳۹۹/۰۵/۲۱، کد خبر: ۱۳۵۴۷.

۲. کاکیا، لیدا، «بررسی نقش آموزش خانواده در ایجاد سازگاری نوجوانان ناسازگار مقطع راهنمایی دخترانه شهرستان‌های استان تهران سال ۸۵-۸۴»، فصلنامه خانواده و پژوهش، شماره ۷، بهار ۱۳۸۷، ص ۵۰-۳.
۳. وبسایت روزنامه شهروند، «رفتار استاد مطهری با همسر و فرزندان»، ۱۴۰۱/۱۲/۰۲، شماره ۲۷۵۰.

نقش نظارتی خانواده در کاهش آسیب‌های اجتماعی فرزندان

سیدرضا صیادمینش*

مقدمه

کنترل و نظارت اجتماعی، مفهوم مهمی در جامعه‌شناسی و بحث از آن، در واقع مقصود نهایی و مطلوب پایانی مباحث علوم اجتماعی پیرامون رفتارهای ناهنجار و مخالف با اصول و موازین اجتماعی است؛ زیرا تمام مباحث و مطالب مهم تخصصی معطوف به کجروی، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، بدان سبب است تا ابزارهای مناسب و کارآمد را به شیوه‌ای متناسب و مؤثر برای مقابله با انحرافات و کجروی‌ها شناسایی کند و برای نظارت اجتماعی به کار گیرند. اگر چه اصل نظارت اجتماعی درآموزه‌های دینی مطرح است، اما امروزه اندیشمندان اجتماعی به طور جدی آن را مطرح و پیگیری می‌کنند. برای اینکه فرزندان ما در جامعه دچار آسیب نشوند، باید قبل ورودشان به جامعه برای تربیت صحیح و اصولی آن‌ها اقدام کرد. لازمه تربیت درست و دینی فرزندان، آن است که والدین به شکلی صحیح بر رفتار فرزندان خود نظارت داشته باشند. این نوشتار نظارت در سه جنبه مهم «نظارت بر دوستان»، «نظارت بر تغذیه» و «نظارت بر حفظ حریم خصوصی خانواده» را مورد توجه قرار داده است.

مفهوم‌شناسی

برای بررسی بهتر این مسئله، بایسته است ابتدا مفاهیم مهم مورد بررسی قرار گیرد.

۱. نظارت

نظارت به معنای نظر کردن و نگرستن به چیزی، مراقبت و در تحت نظر و دیده‌بانی داشتن

* سطح سه حوزه علمیه قم.

کاری است.^۱ در اصطلاح نیز نظارت اجتماعی به ابزارها و روش‌هایی اطلاق می‌شود که برای وادار کردن فرد به انطباق او با انتظارات گروه معین یا کل جامعه به کار می‌رود.^۲

۲. آسیب

آسیب به معنای رنج، آفت، بلا، آزار، زیان و ضرر است.^۳ در اصطلاح نیز به هر پدیده نامطلوب و مضر در سلامت جامعه مانند جرم، جنایت و ارتشا، آسیب گویند.^۴

۳. آسیب‌شناسی اجتماعی

آسیب‌شناسی اجتماعی، شاخه‌ای از دانش است که هدف از آن شناخت بیماری‌های روانی، تنی و اجتماعی و نحوه تکوین، رشد و دگرگونی آنان است.^۵ از جمله آسیب‌های اجتماعی می‌توان به جرم اشاره کرد. جرم به شیوه‌های گوناگونی تعریف شده است. به نظر می‌رسد کامل‌ترین تعریفی که با توجه به نظریات کارشناسان رشته‌های مختلف ارائه شده است، این است که جرم اقدام به عملی بر خلاف موازین، مقررات و قوانین جامعه است، انجام آن موجب پیگرد قانونی می‌شود و به کسانی که مرتکب چنین اعمالی می‌شوند، مجرم یا بزهکار می‌گویند.^۶

شیوه‌های نظارت بر فرزندان

نظارت بر فرزندان شیوه‌هایی دارد که لازم است هر کدام را آن‌گونه که باید باشد، معنا کرد و توضیح داد تا مشخص شود خانواده‌ها چگونه می‌توانند بر فرزندان خود نظارت کنند. در نتیجه این نظارت به کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود.

۱. نظارت بر دوستان فرزند

نظارت و کنترل بر فرزند، یکی از وظایف مهم والدین است. بی‌تردید فرزند به دلیل قرار داشتن در دوران بحران ممکن است هر لحظه دچار خطا، اشتباه و آسیب‌های اجتماعی شود. در این میان والدین که تجربه بیشتری دارند، می‌توانند با درایت و ویژه بر رفتار فرزندان خود نظارت کنند و

۱. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۲۵۶۱.

۲. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه رضا فاضل، ص ۵۷.

۳. همان، ص ۵۸.

۴. باقر ساروخانی، درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی، ص ۵۲۴.

۵. همان.

۶. محمدحسین فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، ص ۱۶۹.

آنان را از انحراف و آسیب‌رهایی بخشند. والدین بسیاری به دلیل آشنا نبودن با روش‌های تربیتی، نتوانسته‌اند نظارت دقیق و درستی بر فرزندان خویش داشته باشند. از این‌رو فرزندان‌شان به راه‌های خطا و انحراف کشیده شده‌اند. فرزندان تحت شرایط نظارت و کنترل، مناسب‌ترین رشد را دارند. بر همین اساس فرزندان‌ی که تحت نظارت و کنترل والدین بوده‌اند، از آسیب‌پذیری پایین و روابط اجتماعی بالایی برخوردار هستند. با افزایش میزان نظارت والدین، میزان آسیب‌پذیری کاهش می‌یابد.^۱ خداوند درباره دوستی و همنشینی با دوستان نابابی که موجب کجروی آدمی می‌شوند، می‌فرماید: «وَيَوْمَ يَعَضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛^۲ به خاطر آور روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! ای وای بر من، کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم».

تأثیر دوست در انسان تا جایی است که برای شناخت هر فرد به دوستان و همنشینان او مراجعه می‌کنند تا از طریق آن‌ها روحیه و شخصیت فرد مورد نظر را به دست آورند. امام علی علیه السلام درباره تأثیر دوست خوب بر آدمی فرموده است: «بهترین دوست برای تو، کسی است که با راستگویی خود تو را به راستگویی دعوت کند و با اعمال نیک خود تو را به بهترین کارها فرا خواند».^۳ رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز در تمثیلی زیبا درباره تأثیر دوست فرموده است: «مَثَلُ الْجَلِيسِ الْأَصَالِحِ مَثَلُ الدَّارِيِّ إِنْ لَمْ تَجِدْ عِطْرَهُ عَلِقَكَ رِيحُهُ وَ مَثَلُ الْجَلِيسِ السَّوِّءِ مَثَلُ صَاحِبِ الْكَبِيرِ إِنْ لَمْ يُحْرِقْكَ شِرَازُ نَارِهِ عَلِقَكَ مِنْ نَتْنِهِ؛^۴ حکایت همنشین خوب، مثل عطار است که اگر عطر خویش به تو ندهد؛ بوی خوش آن تو را خوشبو می‌کند و حکایت همنشین بد، مثل آهنگر است؛ اگر شرار آتش آن تو را نسوزاند، بوی بد آن تو را بد بو می‌کند». امام علی علیه السلام نیز فرموده است: «سَيِّئِ الرِّفِيقِ رَفِيقًا لِأَنَّهُ يُرْفِقُكَ عَلَى صَلاَحِ دِينِكَ، فَمَنْ أَعَانَكَ عَلَى صَلاَحِ دِينِكَ فَهُوَ الرِّفِيقُ الشَّفِيقُ؛^۵ رفیق را از این‌رو رفیق نامیدند که با تو در آنچه صلاح دینت در آن است، موافقت و همراهی می‌کند. آن کس که تو را در دینت یاری رساند، رفیق شفیق است». رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز درباره

۱. خدابخش احمدی و زهرا بیگدلی، نظارت بر فرزندان، ص ۹۵.

۲. فرقان: ۲۷ و ۲۸.

۳. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۴۳۴.

۴. محمد بن محمد شعیری، جامع الأخبار، ج ۱، ص ۱۸۳.

۵. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۸۷۸.

دوستی با انسان‌های کریم و بزرگوار فرموده است: «أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ؛ خوشبخت‌ترین مردم کسی است که با انسان‌های کریم و بزرگوار مصاحبت و مخالطت نماید».^۱ نداشتن رفیق شایسته، مایه محرومیت‌هایی در زندگی دنیا و تأثیراتی در آخرت است؛ ولی مصیبت بسیار بزرگ، رفاقت با عناصر فاسد و همنشینی با افراد گناهکار است؛ زیرا این قبیل دوستان با تلقین‌های شیطانی، رفیق خود را به گمراهی و ناپاکی می‌کشاند و با وسوسه‌های منحرف‌کننده به انواع گناه و پلیدی آلوده‌اش می‌کنند که همین امر موجب می‌شود فرد در منجلاب آسیب اجتماعی فرورود. به عبارت دیگر کسی که رفیق خوب ندارد، تنها به پاره‌ای از نعمت‌ها نمی‌رسد و از کمالاتی که می‌توانست به سبب همنشینی با رفیق شایسته به دست آورد؛ محروم می‌ماند، ولی کسی که رفیق بد دارد؛ نه تنها با مصاحبت با او به کمال عالی‌تر نمی‌رسد؛ بلکه کمالات فطری و فضایل طبیعی خود را نیز از دست می‌دهد و در نتیجه به محرومیت‌های دنیوی و کفرهای اخروی دچار می‌شود و در نتیجه هم خود و هم جامعه را گرفتار آسیب‌های اجتماعی می‌کند.^۲ پدر و مادر آگاه می‌کوشند تا با فراهم کردن شرایط لازم، امکان انتخاب بهترین دوستان را برای فرزندان خود تأمین کنند و به طور مستقیم و غیرمستقیم او را با معیارهای صحیح انتخاب دوست آشنا سازند و خطرات دوستی‌های نامناسب را در قالب وقایع و حکایات و به طور غیرمستقیم به او یادآوری و آموزش دهند تا کمبود تجربه او را بدین طریق تا حدودی جبران کنند.^۳

۲. نظارت بر تغذیه حلال و حرام

خداوند در قرآن کریم در یک قاعده کلی انسان را به دقت در طعام خویش فرا می‌خواند: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ».^۴ مفسران در بیان معنای «نظر به غذا» معتقدند روشن است که منظور از «نگاه کردن» تماشای ظاهری نیست؛ بلکه نگاه به معنی دقت و اندیشه در ساختمان این مواد غذایی و اجزای حیات‌بخش آن و نیز تأثیرات شگرفی که در وجود انسان دارد و سپس اندیشه در خالق آن‌هاست. همچنین انسان باید هنگامی که بر سفره می‌نشیند، دقیقاً بنگرد که

۱. محمد بن علی صدوق، الأمالی، ص ۷۳.

۲. محسن غرویان، تربیت فرزند، ص ۲۹.

۳. مجید محمدیان، روش‌های تربیت نوجوانان و جوانان در اسلام، ص ۱۹۸.

۴. عبس: ۲۴.

آن‌ها را از چه راهی تهیه کرده است.^۱ رسول خدا ﷺ در این رابطه فرموده است: «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَايِبُ الْحَرَامُ»^۲ بی‌مناک‌ترین چیزی که بر امت خود از آن می‌ترسم، درآمدهای حرام است». در نتیجه والدین باید در این امر که بر تغذیه (حلال یا حرام) بودن درآمد یا مال فرزندان خود، نهایت تلاش و کوشش خود را به کار ببرند تا به سمت حرام یا شبه‌حرام نرود؛ زیرا عدم نظارت کافی خانواده در کسب روزی فرزندان، اثرات زیانباری را به دنبال خواهد داشت و به زیاد شدن آسیب‌های اجتماعی کمک بسزایی خواهد کرد.

آیت‌الله گلپایگانی^۳، شاگرد حوزه درسی آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری^۴ می‌گوید:

«روزی یکی از تجار پول قابل توجهی که ظاهراً سی هزار تومان بود (به اندازه سه ماه حقوق و شهریه طلاب حوزه) به محضر ایشان آورد. روزی بود که حوزه نیاز شدیدی به چنین پولی داشت، اما مرحوم حاج شیخ پس از بررسی و آگاهی از منشأ کسب آن که چندان صحیح و شرعی نبود، آن مبلغ کلان را که می‌توانست چند ماه فکر ایشان را از مخارج حوزه راحت کند، نپذیرفت و برگرداند».^۳

۳. نظارت بر حفظ حریم خصوصی خانواده

یکی از اصول مهم در تربیت خانوادگی، مراعات حریم‌ها و به ویژه حریم عفت و حیاست. دقت در حفظ این حریم‌ها، یکی از مؤلفه‌های مهم سبک زندگی خانواده ایده‌آل از منظر اسلام است. بنابراین از وظایف مهم والدین، نظارت جدی بر حفظ حریم خصوصی اعضای خانواده است. فرزندان باید در خانه و از طریق والدین خود، حفظ حریم عفت و حیا را بیاموزند تا در آینده بتوانند در محیط اجتماع، مدرسه، دانشگاه و محیط کار این امر را رعایت کنند و وارد حریم خصوصی افراد نشوند. متأسفانه امروزه برخی از جرائم اجتماعی، ناظر به عدم یادگیری و یا عدم رعایت حریم خصوصی افراد است.

آیات قرآن و روایات پیامبر گرامی ﷺ و ائمه اطهار^۵ توجه ویژه و خاصی به تربیت صحیح فرزندان داشته و آداب و رفتارهای خاصی را برای اعضای خانواده در محیط خانه و در

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۴۵.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۲۴.

۳. وبسایت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، «اندیشه‌ها و عملکرد آیت‌الله حائری در احیای حوزه علمیه قم»، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳.

تعامل با یکدیگر بیان کرده‌اند که عمل به آن‌ها، می‌تواند ضامن سلامت روحی و روانی فرزندان و در نتیجه جامعه شود. رعایت حریم عفت و حیا در محیط خانه توسط والدین، یکی از این آداب مهم اسلامی است که هم در قرآن و هم در روایات و احادیث اسلامی مورد توجه خاص و تأکید قرار گرفته است. گاهی سهل‌انگاری پدران و مادران، موجب می‌شود کودکان و فرزندان با منظره‌هایی مواجه شوند که سرچشمه انحرافات اخلاقی و گاه بیماری‌های روانی آن‌ها شده است.^۱ به تجربه ثابت شده است که کودکان در این مسائل حساسیت فوق‌العاده‌ای دارند؛ از این‌روست که خداوند دستور داده است کودکان باید هنگام ورود به اتاق والدین، از آن‌ها اجازه بگیرند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛^۲ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و همچنین کودکان‌تان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز صبح و نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشا؛ این سه وقت خصوصی برای شماست، اما بعد از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون اذن وارد شوند) و بر گرد یکدیگر بگردید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمایید). این‌گونه خداوند آیات را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است.

متأسفانه یکی از مسائل ظریف و مهمی که گاهی مورد بی‌توجهی خانواده‌ها قرار می‌گیرد، مسئله اجازه گرفتن فرزندان از والدین هنگام ورود به اتاق شخصی آن‌هاست. فرزند در دوران کودکی در کنار پدر و مادر به سر می‌برد و احساس می‌کند که محدودیتی برای بسیاری از کارها ندارد و چون انس و الفت و وابستگی زیادی بین او و والدین است؛ میل دارد بدون اجازه به اتاق آنان برود و در کنار آن‌ها بماند، اما به تدریج رفت و آمد کودک به اتاق والدین باید کنترل شود و بر این رفتار او نظارت صورت بگیرد. طبیعی است که این کار باید با ملایمت صورت گیرد و والدین با تقویت احساس استقلال روانی و عزت‌نفس کودکان و تمرین دادن آن‌ها این کار را پیش ببرند؛

۱. علی‌نقی فقیهی، مبانی اصول و روش‌های تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث، ص ۱۲۴.

۲. نور: ۵۸ و ۵۹.

آن‌گونه که تا پیش از سن بلوغ، به الزامی بودن این امر پی ببرند.^۱ از آیه فوق استفاده می‌شود که اتاق خواب والدین و فرزندان، باید جدای از همدیگر باشد و کودکان یاد بگیرند که هنگام ورود به اتاق خواب والدین با اجازه وارد شوند.^۲

از دیگر مواردی که باید تحت کنترل و نظارت خانواده باشد، جدا کردن بستر و اتاق خواب فرزندان از همدیگر است؛ چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «أَنْتُمْ يُتْرَقُ بَيْنَ الصَّبِيَّانِ فِي الْمَضَاجِعِ لَيْسَتْ سِنِينَ»^۳ از شش سالگی بستر فرزندان را از یکدیگر جدا کنید و بین آن‌ها فاصله بیندازید». لزوم جداسازی بستر خواب کودکان، به جداسازی بستر آن‌ها از یکدیگر اختصاص ندارد؛ بلکه باید بستر خواب آن‌ها از زنان و مردان دیگر نیز جدا باشد.

فهرست منابع

کتاب

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح سید مهدی رجایی، چاپ دوم، قم: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ش.
۳. ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، چاپ سوم، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۶ش.
۴. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، چاپ اول، نجف: مطبعة حیدریة، [بی‌تا].
۵. صدوق، محمد بن علی، الامالی، چاپ ششم، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.
۶. من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات دار الکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۵ق.
۷. طبسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، چاپ ۱۹، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۲ش.
۸. غروی‌ان، محسن، تربیت فرزند، چاپ پنجم، تهران: انتشارات احمدیه، ۱۳۸۵ش.
۹. فرجاد، محمدحسین، آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، چاپ هفتم، تهران: بدر، ۱۳۷۵ش.

۱. محمدجواد طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، ص ۱۲۸.

۲. همان، ۱۲۹.

۳. صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۶.

۱۰. فقیهی، علی نقی، مبانی اصول و روش های تربیت جنسی از منظر قرآن و حدیث، قم: انتشارات دار الحدیث، ۱۳۹۲ ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، قم: انتشارات دار الثقلین، ۱۳۹۳ ش.
۱۲. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه رضا فاضل، چاپ اول، تهران: انتشارات سیمیا، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. محمدیان، مجید، روش های تربیت نوجوانان و جوانان در اسلام، چاپ اول، قم: انتشارات خلق (وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری دارالهدی)، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، با همکاری جمعی از محققان، چاپ ۳۲، قم: انتشارات دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۹۲ ش.

مجلات و سایت‌ها

۱. احمدی، خدابخش و زهرا بیگدلی، «نظارت بر فرزندان و اثرات آن در خانواده‌های کارکنان سپاه»، مجله علوم و رفتاری، دوره اول، شماره اول، ۱۳۸۶، ص ۹۶ - ۸۷.
۲. وبسایت مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، «اندیشه‌ها و عملکرد آیت‌الله حائری در احیای حوزه علمیه قم»، ۱۴۰۰/۱۱/۰۳.

سیره اهل بیت علیهم السلام در ازدواج فرزندان

علی جبّاری *

مقدمه

بشر از نخستین روزهای حضور خود بر عرصه خاک، به خوبی دریافته است که خانواده، بهترین کانون برای تبلور سکون و اطمینان است و بسیاری از مشکلات روانی حاصل از تنش‌های زندگی روزمره، توسط یک خانواده سالم و بهنجار التیام می‌یابد و جبران می‌شود. به همین دلیل متفکران اخلاقی و حقوقی جوامع بشری درصدد برآمده‌اند تا بر استحکام این کانون بیفزایند و ازدواج، این سنت تغییرناپذیر الهی را در جامعه هر چه بیشتر تقویت کنند تا انسان‌ها ازدواج را زمینه کسب کمال خویشتن بیابند.^۱ بدیهی است برای رسیدن به نتایج مطلوب ازدواج و تشکیل خانواده باید شرایط و ملاک‌های ازدواج مطلوب را رعایت کرد. روشن است که هر ازدواجی نمی‌تواند اهداف پیش‌گفته را تضمین کند. در عصری که با ورود تجملات و آداب غیر ضروری و گاهی غلط، ازدواج این سنت مبارک در برخی موارد از مسیر اصلی خود، خارج و چالش‌های زیادی را برای برخی به وجود آورده است. بازخوانی آموزه‌های اسلامی و مراجعه به سخنان و سیره اهل بیت علیهم السلام می‌تواند به عنوان الگویی برای ازدواج سالم در نظر گرفته شود و از آنجا که پیشوایان دینی ما هر سخنی که بر زبان می‌راندند، خود به آن عمل می‌کردند؛ می‌توان به سخنان آنان به عنوان سیره عملی نیز نگاه کرد.

اهمیت ازدواج در اسلام

دین اسلام برای ازدواج، جایگاه و ارزش ویژه‌ای قائل است و تبلور این اهمیت را می‌توان در

* کارشناس ارشد تاریخ و پژوهشگر مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور.

۱. ر.ک: احمد پناهی، «ازدواج در اسلام با نگاهی به کارکردهای تربیتی و روان‌شناختی»، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، ص ۳۵ و ۳۶.

کلام رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یافت که فرموده است: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعَزَّ مِنَ التَّزْوِجِ؛^۱ هیچ کانونی در اسلام بر پا نشده است که نزد خداوند از کانون ازدواج محبوب‌تر و عزیزتر باشد». آن حضرت کامل شدن نیمی از ایمان افراد و حفظ دیانت و صیانت از اخلاق و شخصیت افراد را از کارکردهای مهم ازدواج برشمرده و فرموده است: «مَنْ تَزَوَّجَ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ نِصْفَ الْإِيمَانِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْبَاقِي؛^۲ هر کس ازدواج کند، نیمی از ایمان خود را کامل کرده است و برای نیم دیگر باید تقوا پیشه کند».

در کلامی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، خداوند متعال برای تشویق و ترغیب به ازدواج و تشکیل زندگی، برای اعمال عبادی فرد متأهل پاداش‌های ویژه‌ای در نظر گرفته است: «رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يُصَلِّيْهَا غَيْرَ مُتَزَوِّجٍ؛^۳ دو رکعت نمازی که مرد متأهل میخواند، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که مرد مجرد میخواند».

لزوم تحقیقات و دقت قبل از ازدواج

انسان عاقل و دوراندیش، پیش از اقدام به کارهای مهم با کارشناسان و افراد صاحب رأی و تجربه مشورت می‌کند و ابعاد قضیه را به صورت کامل و دقیق مورد بررسی قرار می‌دهد تا از خسارت‌های مادی و معنوی جلوگیری کند و بهترین نتیجه را به دست آورد. ازدواج هم از این امر مستثنی نیست و نیازمند تحقیق و بررسی کامل و مشورت با افراد باتجربه و در این عصر بهره‌مندی از نظر مشاورین خبره روانشناسی است تا از ضررهای بزرگ مادی و معنوی و حیثیتی جلوگیری نمود. در روایتی آمده است:

وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ إِمْرَأَةً بَعَثَ إِلَيْهَا مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْهَا؛^۴ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

عموماً در مواردی که قصد ازدواج داشت، ابتدا تحقیق می‌کرد و کسی را می‌فرستاد تا بانوی مورد نظر را ببیند و همچنین می‌فرمود: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَتَزَوَّجَ فَلَا بُأْسَ أَنْ يُوَلِّجَ بَصَرَهُ فَإِنَّمَا هُوَ مُشْتَرٍ؛^۵ هر گاه کسی از شما تصمیم گرفت ازدواج کند، ایرادی ندارد آن زن را خوب ببیند؛ زیرا وی مشتری است.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۲.

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۷۵۴.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹، ح ۱۵.

۴. محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۸.

۵. فضل الله بن علی راوندی کاشانی، النوادر، ص ۱۹۲.

خانمی در نامه‌اش می‌نویسد:

نزدیک یک سال پیش با جوانی ازدواج کردم که قبلاً با او آشنایی نداشتم. دو نوبت آمد خانه ما، ولی من آن رو را نداشتم که خوب در او دقت کنم که آیا به عنوان همسر آینده‌ام او را دوست دارم یا نه. با خود می‌گفتم وقتی صیغه عقد خوانده شد، محبت خواهد آمد؛ ولی متأسفانه بعد از عقد که به منزل ما آمد، دیدم اصلاً علاقه‌ای به او ندارم. بعداً موضوع را با خانواده‌ام در میان گذاشتم، ولی با مخالفت شدید آن‌ها روبه‌رو شدم و گفتند: بعداً علاقه‌مند می‌شوی، ولی اکنون که يك سال از ازدواج ما می‌گذرد؛ نه تنها علاقه‌مند نشده‌ام؛ بلکه تحمل دیدن او را ندارم. شوهرم نیز می‌داند که او را دوست ندارم، ولی می‌گوید: من تو را دوست دارم، دیگر لازم نیست که تو مرا دوست داشته باشی و تو را طلاق نخواهم داد. واقعاً دارم از بین می‌روم. چند دفعه خواستم خودم را از بین ببرم، ولی از خدا ترسیدم. زندگی من مثل جهنم می‌ماند. می‌سوزم و می‌سازم و نمی‌دانم چه کنم. هر چند تقصیر خود من بود که بدون دقت کافی جواب مثبت دادم.^۱

ملاک‌های انتخاب همسر

انتخاب همسر شایسته ملاک‌هایی دارد که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. دینداری

در متون دینی اولین و مهم‌ترین ملاک در انتخاب همسر، دینداری معرفی شده است؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَنَّ وَلَا مَآئِمَةً مُّؤْمِنَةً خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَا أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَ لَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَا أَعْجَبَكُمْ...^۲ و با زنان مشرک و بت‌پرست تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید؛ زیرا کنیز با ایمان از زن آزاد بت‌پرست بهتر است؛ هر چند (زیبایی، یا ثروت، یا موقعیت او) شما را به شگفتی آورد و زنان خود را به ازدواج مردان بت‌پرست تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید. یک غلام با ایمان از یک مرد آزاد بت‌پرست بهتر است؛ هر چند (مال و موقعیت و زیبایی او) شما

۱. ابراهیم امینی، جوان و همسرگزینی، ص ۱۰۶.

۲. بقره: ۲۲۱.

را به شگفتی آورد.

پیشوای ششم شیعیان نیز به مردان توصیه می‌کند که در انتخاب همسر، دین و تقوا مهم‌ترین ملاک مد نظر آنان باشد و فقط به خاطر زیبایی یا ثروت با کسی ازدواج نکنند: «إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِمَالِهَا أَوْ جَمَالِهَا لَمْ يُرْزَقْ ذَلِكَ فَإِنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَالَهَا وَجَمَالَهَا»^۱ اگر مرد زن را برای زیبایی و یا ثروتش بگیرد، از این هر دو محروم ماند و اگر برای دین و تقوایش بگیرد، خداوند مال و جمال نیز نصیبش گرداند». رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با بیان یکی از مصادیق درباره رعایت قید و بندهای شرعی و شخصیت دینی خواستگار فرموده است: «مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ بَعْدَ مَا حَرَّمَهَا اللَّهُ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُزَوَّجَ إِذَا خَطَبَ»^۲ هر کس شراب بنوشد، بعد از اینکه خداوند آن را حرام کرد؛ اگر خواستگاری کرد، شایسته ازدواج نیست».

بنا بر آیه و روایات فوق کسانی که درصدد انتخاب همسر هستند، باید ایمان و دینداری را به عنوان شرط اصلی و ضروری محسوب بدانند و برای یافتن آن، کمال سعی و جدیت را به عمل آورند. والدین پسر و دختر نیز باید در انتخاب همسر برای فرزندان خود، ایمان و دیانت و تقید به ضوابط و مقررات شریعت را شرط اساسی بدانند و دریافتن چنین فردی به پسر و دخترشان کمک کنند.^۳

۲. اخلاق حسنه

اخلاق خوب و حسنه، از ویژگی‌های بسیار مهمی است که داشتن آن می‌تواند مایه قوام و استحکام زندگی شود و خلأ برخی نداشته‌ها را پر کند. از این رو معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام روی اخلاق خواستگار تأکید زیادی داشته‌اند. نقل است وقتی حسین بن بشار به امام موسی کاظم عَلَيْهِ السَّلَام نامه نوشت و از ایشان درباره خواستگاری که فامیل بود و اخلاق بدی داشت، نظر خواست؛ حضرت با صراحت فرمودند: «لَا تُزَوِّجُهُ إِنْ كَانَ سَيِّئَ الْخُلُقِ»^۴ اگر بد اخلاق است، با او ازدواج نکنید». همچنین نقل شده است زنی در دادگاه شکایت کرد که شوهرم همیشه ناهار و شام را بیرون از خانه می‌خورد. شوهر جواب داد: «علت این است که زخم اصلاً با من سازگاری ندارد و بد اخلاق‌ترین زن دنیا است». زن ناگهان خیز برداشت و در حضور اعضای داور، شوهرش را

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۳.

۲. همان، ص ۲۰۴.

۳. اسماعیل اخلاقی، «ملاک‌های انتخاب همسر از منظر قرآن و روایات»، ماهنامه پیام زن، ص ۷۰.

۴. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۳.

کتک زد.^۱

۳. پاکدامنی و عفت

عفت و پاکی نیز از ملاک‌های مهمی است که در انتخاب همسر باید به آن توجه نمود و غفلت از آن، تبعات منفی زیادی در پی خواهد داشت. عفت به معنای خویشتنداری از شهوت جنسی و نیز خودنگه داری از مال حرام است. امام صادق علیه السلام درباره اهمیت عفت و پاکدامنی مادر در شکل‌گیری شخصیت افراد فرموده است: «طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً؛^۲ خوشا به حال کسی که مادرش پاکدامن باشد».

۴. عقلانیت و تدبیر

تربیت فرزندان، مدیریت دخل و خرج‌ها و خریدها، تنظیم روابط و رفت و آمدها، حل بحران‌های خانوادگی و بسیاری از امور دیگر در خانواده‌ها، مستلزم بهره‌مندی از هوش و درایت و خوش‌فکری و تصمیم‌گیری‌های بجا و عقلانی است. از این‌رو در صورتی که شریک زندگی در این زمینه از قدرت کافی برخوردار نباشد، قطعاً در مسیر زندگی مشکلات بزرگی به وجود خواهد آمد که برخی از آنها می‌تواند باعث متلاشی شدن کانون خانواده گردد. از این‌رو امیرمؤمنان علی علیه السلام در سخنی به این مسئله توجه کرده و فرموده است: «إِيَّاكُمْ وَ تَرْوِيجَ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَ وُلْدَهَا ضَيَاعٌ؛^۳ با انسان احمق ازدواج نکنید؛ زیرا معاشرت با او بلایی است عظیم و فرزندانش نیز ضایع خواهند شد».

ویژگی‌های خانواده همسر

علم ژنتیک ثابت می‌کند که بسیاری از ویژگی‌های اخلاقی والدین از طریق وراثت^۴ به فرزند منتقل می‌شود؛ از این‌رو نمی‌توان ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری اشخاص را جدای از خانواده‌ای که در آن رشد و نمو کرده است، مورد بررسی و تحلیل قرار داد. الگوگیری افراد از والدین در طول مدتی که از کودکی تا جوانی نزد آنها سپری می‌کنند، از مواردی است که نمی‌توان آن را نادیده

۱. ابراهیم امینی، آیین همسراری، ص ۵۵.

۲. محمد بن علی صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۶۴.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۰، ص ۶۵۰.

۴. سید علی حسینی‌زاده، «نقش وراثتی مادر در تربیت فرزند از دیدگاه اسلامی»، دوفصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، ص ۵۴.

گرفت. بسیاری از داشته‌های اخلاقی و ویژگی‌های رفتاری افراد، همان چیزی است که از پدر و مادر خود فرا گرفته‌اند. بنابراین قبل از انتخاب هر فردی برای تشکیل زندگی، باید خانواده وی را مورد بررسی قرار داد؛ زیرا بدون در نظر گرفتن روحیات و فرهنگ یک خانواده نمی‌توان فرزند آن‌ها را برای زندگی مشترک انتخاب کرد؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده است: «تَرَوُجُوا فِي الْحُجْرِ الصَّالِحِ فَإِنَّ الْعُرْقَ دَسَّاسٌ»^۱ از خاندان صالح همسر بگیرید که نطفه اثر (پنهانی) دارد (یعنی صفات و حالات والدین از راه نطفه به فرزند می‌رسد). رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز جایگاه خانواده را مهم ارزیابی کرده و افراد را از انتخاب همسر از خانواده‌های نامطلوب برحذر داشته و در نظر گرفتن ملاک زیبایی فارغ از جایگاه و موقعیت خانواده را مناسب ندانسته و فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي كُفُّمُ وَ حَضْرَاءُ الدَّمَنِ؛ ای مردم از گل‌ها و سبزه‌های مزبله‌ها بپرهیزید». از حضرت سؤال شد منظور از سبزه‌های مزبله‌ها چیست؟ حضرت فرمود: «الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ السُّوءِ»^۲ زن زیبا در خانواده بد.

تأخیر نینداختن زمان ازدواج

وقتی انسان به سن جوانی می‌رسد، میل‌ها و خواسته‌هایی درون او شکل می‌گیرد که اگر از راه صحیح خود پاسخ داده نشود، می‌تواند تبعات منفی زیادی در پی داشته باشد و تأخیر انداختن ازدواج برای جوانی که به سن ازدواج رسیده است؛ وی را تحت فشارهای جسمی و روحی قرار خواهد داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به جوانی به نام عکاف که بدون عذر ازدواج را تأخیر انداخته بود، قاطعانه فرمود: «تَرَوُجُ وَإِلَّا فَأَنْتَ مِنَ الْمُذْنِبِينَ»^۳ ازدواج کن، وگرنه از گنهکاران هستی).

سیره عملی امامان معصوم علیهم السلام نیز ازدواج در سن جوانی بوده است. امام سجاد علیه السلام در سال ۳۸ قمری در مدینه متولد شد^۴ و در ماجرای کربلا که در سال ۶۱ قمری و در ۲۳ سالگی ایشان روی داد، فرزندشان امام محمدباقر علیه السلام حدوداً چهار ساله بود.^۵ با توجه به این مطالب می‌توان سن ایشان در هنگام ازدواج را حدود ۱۹ یا ۲۰ سالگی تخمین زد.

۱. محمد محسن فیض کاشانی، الوافی، ج ۳، ص ۷۰۶.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱۰، ص ۵۹۱.

۳. محمد بن محمد شعیری، جامع الاخبار، ص ۱۰۱.

۴. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۶۳۴.

۵. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۹۸.

ولادت امام جواد علیه السلام در سال ۱۹۵ قمری^۱ و ولادت فرزندش امام علی بن محمد هادی علیه السلام در سال ۲۱۲ قمری^۲ روی داد و امام جواد علیه السلام در سن حدود ۱۷ سالگی ازدواج کرده است. با توجه به ولادت امام حسن عسکری علیه السلام فرزند امام هادی علیه السلام در سال ۲۳۲ قمری^۳ می توان به این نتیجه رسید که امام هادی علیه السلام در حدود سن ۲۰ سالگی ازدواج کرده است.

مهریه

یکی از مسائلی که به دستور اسلام در ازدواج باید آن را تعیین و مد نظر قرار داد، مهریه است که مرد برای نشان دادن صداقت و علاقه و تعهد خود برای زندگی و کمک به خانواده عروس، خود را متعهد به پرداخت آن می داند. قدرت پرداخت مهریه و استطاعت مالی مرد، از مسائل مهمی است که در تعیین میزان مهریه باید به آن توجه شود و تعیین مهریه های سنگین و نجومی که فراتر از توان و قدرت مالی مرد باشد، نه تنها آنگونه که برخی گمان می کنند موجب استحکام زندگی نمی شود؛ بلکه موجب لطمه زدن به کیان زندگی و گسست روابط می گردد. از این رو در سیره معصومین علیهم السلام توانایی و استطاعت مالی مرد برای تعیین میزان مهریه در نظر گرفته می شد؛ چنانکه امام باقر علیه السلام فرموده است: «مَا زَوْجَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَائِرَ بَنَاتِهِ، وَلَا تَزَوَّجَ شَيْئاً مِنْ نِسَائِهِ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أُوقِيَةً وَنَشْءٍ، الْأُوقِيَةُ أَرْبَعُونَ، وَالنَّشْءُ عَشْرُونَ دِرْهَمًا؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله برای هیچ یک از دختران و زنان خود بیش از دوازده اوقیه و نش مهریه قرار نداد و اوقیه، چهل درهم و نش، بیست درهم است (که مجموعاً پانصد درهم می شود)».

هر چند اصل تعیین مهریه از موارد واجب شرعی برای ازدواج است، اما رسول خدا صلی الله علیه و آله مهریه کم را یکی از امتیازات زنان دانسته و فرموده است: «أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي أَضْبَحُهُنَّ وَجِهًا وَ أَقَلُّهُنَّ مَهْرًا؛^۴ بهترین زنان امتم، آنانند که مهرشان کمتر و صورتشان زیباتر است». آن حضرت برای ازدواج حضرت امام علی علیه السلام و دخترش فاطمه زهرا علیها السلام نیز مهریه را معقول و اندک و در حد توان داماد در نظر گرفت؛ به حدی که مورد طعنه بعضی از اصحاب قرار گرفت: «لَمَّا زَوَّجَ رَسُولُ

۱. محمد بن همام اسکافی، منتخب الانوار، ص ۸۱.

۲. محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۲۹۷.

۳. عبدالله بن محمد شیرازی، الانتحاف بحب الاشراف، ص ۳۶۵.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ص ۷۰۸.

۵. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ص ۳۷۷.

اللَّهِ ص فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ مِنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَتَاهُ أَنَسٌ مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالُوا إِنَّكَ زَوَّجْتَ عَلِيًّا بِمَهْرٍ حَسِيسٍ»^۱.

به همان میزان که مهریه‌های معقول و منطقی و مطابق با توان مالی مرد، می‌تواند نشان‌دهنده علاقه و صداقت و تعهد وی نسبت به زندگی باشد و پشتوانه مالی برای زن قرار گیرد؛ تعیین مهریه‌های نامعقول و فراتر از توان پرداخت، این روزها به عاملی برای جدایی زن و مرد و روی دادن برخی طلاق‌ها تبدیل شده است.

ولیمه عروسی

یکی دیگر از اقداماتی که هنگام عروسی جزو سیره معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بوده است، ولیمه دادن به بستگان است. این ولیمه‌ها به دور از تجمل و اسراف و ریخت و پاش و با هدف جمع کردن بستگان دور هم و اطعامی ساده برای آنان بوده است؛ چنانکه امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده است: «إِنَّ النَّجَاشِيَّ لَمَّا خَطَبَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أُمَّ حَبِيبَةَ أَمْتَةً بِنْتُ أَبِي سُفْيَانَ فَرَوَّجَهُ دَعَا بِطَعَامٍ وَقَالَ إِنَّ مِنْ سُنَنِ الْمُزْسَلِينَ الْإِطْعَامَ عِنْدَ التَّزْوِيجِ؛^۲ هنگامی که نجاشی، ام‌حبیبه دختر ابوسفیان را برای رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خواستگاری کرد و به همسری آن حضرت در آورد؛ سوری ترتیب داد و گفت: از سنت‌های پیامبران سور دادن در ازدواج است». مورد دیگر از ولیمه دادن پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای عروسی، هنگامی است که با حفصه ازدواج می‌کرد. در روایت آمده است: «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تَزَوَّجَ حَفْصَةَ أَوْ بَعْضَ أَرْوَاجِهِ فَأَوْلَمَ عَلَيْهَا بَتْمَرٍ وَ سَوِيقٍ؛^۳ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ چون حفصه یا یکی از دیگر از زنان را گرفت، به مردم خرما و سویق ولیمه داد».

بنابراین اصل ولیمه دادن امری معمول و پسندیده در سیره حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بوده است، اما امروزه متأسفانه زیاده‌روی‌هایی که در این امور صورت می‌گیرد؛ موجب ایجاد گرفتاری‌های زیادی برای خانواده‌ها به‌ویژه در زمینه اقتصادی شده است تا جایی که انجام برخی مقدمات یا امور مربوط به جشن‌های ازدواج، باعث به حاشیه رفتن اصل تشکیل زندگی مشترک و ازدواج شده است.

۱. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۸.

۲. احمد بن محمد برقی، المناسن، ج ۲، ص ۴۱۸.

۳. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۰۶.

فهرست منابع

کتب

۱. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفة الائمه علیهم السلام، چاپ اول، قم: رضی، ۱۴۲۱ق.
۲. اسکافی، محمد بن همام، منتخب الانوار فی تاریخ الائمة الاطهار علیهم السلام، چاپ اول، قم: دلیل ما، ۱۴۲۲ق.
۳. امینی، ابراهیم، جوان و همسرگزینی، چاپ پنجم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰ش.
۴. _____، آیین همسررداری، چاپ ۲۹، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹ش.
۵. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تصحیح جلال الدین محدث ارموی، چاپ دوم، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
۶. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ش.
۷. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، النوادر، ترجمه احمد صادقی اردستانی، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۳۷۶ش.
۸. شیراوی، عبدالله بن محمد، الاتحاف بحب الاشراف، تحقیق سامی الغریری، چاپ اول، قم: دارالکتب، ۱۴۲۳ق.
۹. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، چاپ اول، نجف: مطبعة حیدریه، بی تا.
۱۰. صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، چاپ اول، قم: کتاب فروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
۱۱. _____، من لایحضره الفقیه، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: موسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۱۲. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، چاپ چهارم، قم: الشریف الرضی، بی تا.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۷ق.
۱۴. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، چاپ اول، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ق.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح دارالحدیث، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۹ق.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۱۷. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

مقالات

۱. احمد پناهی، علی، «ازدواج در اسلام با نگاهی به کارکردهای تربیتی و روان شناختی»، ماهنامه علمی ترویجی معرفت، شماره ۱۰۴، مرداد ۱۳۸۵، ص ۴۴ - ۳۴.
۲. اخلاقی، اسماعیل، «ملاک‌های انتخاب همسر از منظر قرآن و روایات»، ماهنامه پیام زن، شماره دهم (پیاپی ۲۰۲)، سال هفدهم، دی ۱۳۸۷، ص ۷۳ - ۷۰.
۳. حسینی‌زاده، سید علی، «نقش وراثتی مادر در تربیت فرزند از دیدگاه اسلامی»، دو فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، سال یازدهم، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۶۶ - ۵۳.

راه‌های آموزش مهارت قاطعیت به فرزندان

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری*

مقدمه

ارتباط مانند تیغ دو لبه‌ای است که گاهی می‌تواند به نفع انسان باشد؛ آن زمانی که به درستی صورت گیرد و گاهی نیز می‌تواند آسیب‌ها و ضررهایی را برای انسان به همراه داشته باشد و آن، زمانی است که اصول و قواعد لازم در آن مورد توجه قرار گرفته نشود. توجه به ارتباط فرزندان با همسالان و دیگر افراد جامعه، یکی از دغدغه‌های بسیاری از والدین است؛ به گونه‌ای که برخی از والدین به خاطر ترس از آسیب‌های ارتباطی همچون خطرات روابط جنسی، مانع ارتباط فرزندان‌شان با دوستان، همسالان و به طور کلی فعالیت‌های اجتماعی می‌شوند.^۱ عدم توجه به آموختن این مهارت به فرزندان، ممکن است آسیب‌های بسیاری به همراه داشته باشد. از یک سو نداشتن رابطه با دیگران می‌تواند آسیب‌هایی را برای فرزندان به همراه داشته باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به عدم شکل‌گیری تربیت اجتماعی در ایشان دانست و گاه همین ارتباط، می‌تواند منبع آسیب رساندن به سلامت روان و شخصیت اجتماعی فرزندان شود.^۲

انسان در هر دوره‌ای از زندگی‌اش به ارتباط با دیگر افراد جامعه نیاز دارد و بنا بر مبانی دینی، از آن روی که دارای اختیار است؛ می‌تواند مرزها و محدوده‌ها را در زندگی خود مشخص کند.^۳ آنچه که در این میان مهم است، داشتن مرز درست میان خود و دیگران و قاطعیت در ملزم

* سطح ۴ حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد مشاوره و روان‌شناسی.

۱. حافظ ثابت، تربیت جنسی در اسلام، ص ۱۰۸.

۲. حمیدرضا دائمی، فرامرز سهرابی و سیده فاطمه مقیمی بافروش، «تاثیر برنامه آموزشی ارتقای مهارت‌های قاطعیت در تغییر نگرش دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و تهران نسبت به سوء مصرف مواد»، فصلنامه علمی پژوهشی اعتیاد پژوهی، ص ۷۱.

۳. سیدعلی حسینی‌زاده، جنسیت و تربیت، ص ۱۲۰.

دانستن خود به این حدود با دیگر افراد است. آموختن این مرزها و پرورش قاطعیت در فرزندان، مهارتی است که در بستر خانواده می‌توان به آن شکل داد و با تمارینی آن را به درستی در ایشان پرورش داد. قرآن کریم دستور برخورد قاطعانه با کسانی را که در دین شک دارند، داده و فرموده است: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّن دِينِي فَلَا أَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّنَكُمْ وَ أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ»^۱؛ بگو: ای مردم! اگر از (درستی) دین من در شک و تردیدید، پس (بدانید که من) کسانی را که شما به جای خدا می‌پرستید، نمی‌پرستم؛ بلکه خدایی را می‌پرستم که جان شما را (در وقت مرگ) می‌گیرد و مأمورم که از مؤمنان باشم».

مفهوم‌شناسی مهارت و قاطعیت

مهارت در لغت به معنای چیرگی، صلاحیت و متخصص شدن به کار رفته است.^۲ صاحب‌نظران مختلف، مهارت را کاربست عملی یک دانش در حد چیرگی و با کمترین اشتباه می‌دانند.^۳ قاطعیت (جرئت‌ورزی)، به معنای دفاع از حقوق خود و بیان افکار و احساسات به شیوه مستقیم، صادقانه و مناسب است.^۴ افراد قاطع از سویی برای خود و دیگران احترام قائل هستند، منفعل نیستند و اجازه نمی‌دهند دیگران از آن‌ها سوءاستفاده کنند. از سوی دیگر به خواسته‌ها و نیازهای دیگران احترام می‌گذارند و به شیوه‌ای مدبرانه با آن‌ها ارتباط برقرار می‌نمایند.^۵ وارد شدن یک کودک و یا نوجوان به یک رابطه بدون داشتن قاطعیت، مانند کسی است که در جنگی بدون سپر وارد شود؛ چرا که ممکن است آسیب‌هایی همراه این رابطه باشد که شخص بدون قاطعیت، نمی‌تواند آسیب‌های این رابطه را از خود دفع کند.

ای بسا رزم که مردی سپر انداختن است به شجاعت همه جا دست بدر نتوان کرد^۶

۱. یونس: ۱۰۴.

۲. عنایت‌الله شریفی، «مهارت‌های ارتباطی در قرآن»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، ص ۱۵۱.

۳. محمود معافی، «آموزش آداب و مهارت‌های زندگی»، ماهنامه رشد معلم، ص ۳۱.

۴. نعیمه سیدفاطمی و دیگران، «مهارت قاطعیت و مصرف اکستاسی در بین نوجوانان»، فصلنامه علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، ص ۲۶۵.

۵. کریس کلینکه، مهارت‌های زندگی: تکنیک‌های مقابله با اضطراب، افسردگی، تنهایی، کمرویی و...، ترجمه شهرام محمدخانی، ص ۳۵.

۶. محمدعلی صائب تبریزی، دیوان صائب تبریزی، ج ۱، غزل شماره ۳۳۵۶.

مؤلفه‌های قاطعیت

برای سنجش قاطعیت و جرئت‌پذیری در فرزندان، می‌توان مؤلفه‌های قاطعیت را در ایشان مورد بررسی قرار داد. برای قاطعیت، چهار مؤلفه قابل تصور است:

۱. توانایی «نه» گفتن

باید توجه داشت که هر «نه» گفتنی نشانه قاطعیت نیست. «نه» گفتنی که در چارچوب‌های دینی، عقلانی و فرهنگ نشأت گرفته از مبانی حقیقی باشد؛ می‌تواند مصداق واقعی قاطعیت باشد. وقتی فرزند بر اساس چارچوب‌هایی از این کلمه استفاده می‌کند، مشخص است به درستی مهارت قاطعیت را آموخته است.

۲. توانایی بیان خواسته‌ها و نیازها

باید توجه داشت که توانایی بیان هر نیازی، جزو مؤلفه‌های قاطعیت به شمار نمی‌آید. اگر درخواست و تقاضایی در غیر چارچوب بیان شده باشد، ممکن است مصداق رفتارهای نابهنجار باشد.

۳. توانایی ابراز سازنده احساسات مثبت و منفی

برای برخی فرزندان، ابراز احساسات مثبت سخت است و یا دارای احساسات منفی زیادی هستند؛ از این رو به راحتی با دیگران قهر می‌کنند، لج می‌کنند و یا سخنان ناروا به زبان می‌آورند. برخی افراد نیز احساسات منفی خود را بیان نمی‌کنند، اما به شدت در غیاب شخص و به طور پنهانی، رفتارهای مخرب‌گونه از خود بروز می‌دهند که این نشان از الگوهای تربیتی نامناسب این نوع از فرزندان دارد.

۴. توانایی شروع، حفظ و پایان دادن یک رابطه

بعضی از افراد نمی‌توانند یک رابطه را شروع کنند و برخی دیگر از افراد نیز توانایی آن را ندارند که یک رابطه را حفظ کنند. گروهی دیگر نیز هستند که نمی‌توانند در صورت نادرست بودن رابطه، آن را به اتمام برسانند که این خود، نشان از فقدان مهارت قاطعیت در فرد است. فردی که دارای این چهار مؤلفه در ارتباط باشد، دارای مهارت قاطعیت است و می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی خود به موفقیت‌های خوبی برسد و از خود رفتارهای انسان سالم به

نمایش بگذارد.^۱

الگوهای ارتباطی چهارگانه

در شکل‌گیری انواع ارتباطات، دو مؤلفه «رضایت خود» و «رضایت دیگران» دارای نقش اساسی هستند. بر اساس این دو مؤلفه می‌توان چهار نوع الگوی ارتباطی را مطرح کرد. این چهار الگوی ارتباطی عبارتند از:

۱. الگوی ارتباطی منفعلانه^۲

در این دسته از ارتباطات، فرد رضایت خود را فدای رضایت دیگری می‌کند و برای رضایت خود در این رابطه ارزشی قائل نیست. در این ارتباط، فرد به دنبال آن است که به هر طریقی رضایت دیگری را کسب کند.^۳ این افراد به‌گونه‌ای خود را مهربان، دلسوز و جذاب برای دیگران تلقی می‌کنند. این افراد عزت نفس پائینی دارند و حال درونی‌شان اصلاً خوب نیست. یکی از گونه‌های اختلالات شخصیت که این رفتارها را بسیار از خود بروز می‌دهند، اختلال شخصیت وابسته است.

۲. الگوی ارتباطی پرخاشگرانه^۴

در این نوع ارتباط، فرد رضایت دیگری را فدای رضایت خود می‌کند، به‌گونه‌ای که رفتارشان از بی‌اهمیت بودن دیگران در نزدش دارد. در این افراد یک حالت سلطه‌جویی وجود دارد که سعی دارند دیگران را به زیر سلطه خود در آورند. این افراد، احساسات و نیازهای دیگران را در ارتباط با خود، بی‌ارزش می‌دانند و آنچه برایشان مهم است، نیازها، احساسات و در کل رضایت فردی‌شان است.

۳. الگوی ارتباطی منفعل-پرخاشگر^۵

در این الگو، شخص نه برای رضایت خود و نه دیگران ارزشی قائل نیست. ممکن است به

۱. محمد صادق شجاعی، نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، ص ۲۰۹.

2. Passive communication

۳. مهدی بحرینی، «تأثیر آموزش ابراز وجود بر عزت نفس و ابراز وجود دانشجویان پرستاری شهر بوشهر»، پایان‌نامه دانشگاه علوم پزشکی تهران، ص ۱۱۸.

4. Aggressive communication

5. Passive- Aggressive communication

دفعات بسیار آدم‌هایی را دیده باشید که پولی به راننده تاکسی می‌دهند و به جای آنکه بگویند منتظر دریافت بقیه پول خود هستند، در را به عنوان بیان شکایت محکم می‌کوبند. این رفتار نشان از انتخاب الگوی ارتباطی منفعل - پرخاشگر است. این افراد بسیار در مورد دیگران حرف می‌زنند (غیبت می‌کنند) و سعی دارند دیگری را از مقام و جایگاهی که دارند، پایین بیاورند. تخریب دیگران در وقتی که ایشان حضور ندارند، عمده فعالیت این افراد است. دوستی‌های ناپایدار و غیرقابل اعتماد، بیشتر حاصل همین الگوی ارتباطی است.

۴. الگوی ارتباطی سودمند^۱

در این الگوی ارتباطی، فرد به دنبال یک رابطه برد - برد است. رضایت خود و دیگری، هر دو در این رابطه مورد توجه هستند. نام دیگری که می‌توان برای این رابطه نهاد، رابطه قاطعانه و جرئت‌مندانه است. با این بیان می‌توان قاطعیت را مؤثرترین و بهترین نوع از انواع الگوهای ارتباطی دانست و به طور خاص هدف از آموزش مهارت قاطعیت، آموختن همین الگوی ارتباطی است. خدای متعال در آیات سوره کافرون از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خواهد که قاطعانه با کفرورزی مشرکان برخورد کند:

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ، وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ، وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ، وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ، لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ؛ بگو ای کافران! آنچه را که شما می‌پرستید، هرگز من نمی‌پرستم و نه هرگز شما پرستنده آن هستید که من می‌پرستم و نه هرگز من، پرستنده آنم که شما می‌پرستید و نه هرگز شما پرستنده آن هستید که من می‌پرستم، دین شما از آن خودتان و دین من از آن من.^۲

ضرورت آموزش مهارت قاطعیت

بر اساس چهار الگوی ارتباطی، می‌توان گفت کودک و نوجوانی که در ارتباط خود یکی از سه الگوی ارتباطی، منفعلانه، منفعل - پرخاشگر و پرخاشگرانه را انتخاب می‌کنند؛ نیاز دارند که مهارت‌های قاطعیت به ایشان آموزش داده شود. دسته دیگری از افرادی که نیاز به یادگیری این

1. Assertive communication

۲. کافرون: ۶-۱.

مهارت‌ها دارند، افرادی هستند که به اختلالات شخصیت (مانند خودشیفته، وابسته، کمال‌گرا) مبتلا هستند. از این‌رو لازم است که مهارت قاطعیت برای تلطیف روابط این افراد با دیگران، به آن‌ها آموزش داده شود.

پیامدهای عدم قاطعیت فرزندان

۱. ناکامی‌های پرتکرار در رابطه با دیگران و آسیب به بهداشت روان فرد.^۱
۲. افسردگی؛ این پیامد حاصل از ناکامی‌های پرتکرار است که در نتیجه عدم قاطعیت در فرد به وجود می‌آید. فردی که در هر رابطه‌ای وارد شده است، جز شکست چیزی عاید او نشده است؛ درباره خود، پندارها و باورهایی به دست می‌آورد که زمینه‌ساز افسردگی در او می‌شود.
۳. روابط بی‌کیفیت؛ روابط این افراد مانند یادداشتی است که بر روی آب نوشته می‌شود؛ چرا که افراد در این نوع از رابطه، احساس اطمینان به هم ندارند و هر لحظه این احساس را دارند که دیگری در حال خیانت در این رابطه است و قصد بدگویی از او را در نزد دیگران دارد.
۴. ناتوانی در حل تعارضات بین فردی؛ در این رابطه که هر فرد به دنبال بُرد خود و باختن دیگری است، در هر تعارضی هر فرد به دنبال برقراری عدالت نیست؛ بلکه به فکر نفع و سود خود خواهد بود. از این‌رو در این روابط، تعارضات به صورت منطقی حل نخواهد شد و این ناتوانی در حل تعارضات وجود دارد.
۵. ناتوانی در تنظیم هیجانات؛ به عنوان نمونه، استرس‌های بی‌مورد، اضطراب در رابطه و ...
۶. افزایش احتمالی اصطکاک و درگیری میان فردی.

گام‌های آموزش مهارت قاطعیت به فرزندان

آموزش مهارت به فرزندان، دارای گام‌هایی که در این بخش به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱. گام اول: شناخت موانع قاطعیت در فرزندان

در این گام موانع درونی قاطعیت به درستی شناخته و با توجیه فرزندان، اقدام به از بین بردن این موانع می‌شود. از جمله پرتکرارترین موانع در تحقق قاطعیت، می‌توان به ۱۰ مورد اشاره کرد:

- ترس از طرد شدن یا رها شدن؛
- تعریف نادرست از مفهوم «گناه»؛

۱. محمدرضا سالاری فر و دیگران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۱۱۴.

- تعریف نادرست از مفهوم «خودخواهی»؛
- تعریف نادرست از مفهوم «رضایت دیگران»؛
- تعریف نادرست از مفهوم «احترام»؛
- تعریف نادرست از «گذشت»؛
- تعریف نادرست از «ادب»؛
- تعریف نادرست از «دوستی»؛
- تعریف نادرست از «نوع دوستی»؛
- احساس حقارت (بی‌ارزشی).

موارد بیان شده، گویای آن است که این مفاهیم، دارای تعریف درست و منطقی در نزد کودک و نوجوان نیست؛ از این‌رو لازم است والدینی که به دنبال تربیت فرزندان قاطع هستند، آن‌ها را از کودکی با این مفاهیم به درستی آشنا کرد و با بیان مصادیق درست و کاربردی، فهم ایشان را در شناخت بهتر ارتقا داد. بیان این مفاهیم بدون روشن شدن مصادیق آن‌ها در زندگی، نمی‌تواند راه‌گشای آموختن مهارت قاطعیت در فرزندان باشد. یکی از بهترین شیوه‌های آموزش این ارزش‌ها و مفاهیم مرتبط با آن‌ها، از طریق مشاهده است. فرزندان در این سنین با الگوبرداری از والدین خود، با این دست از مفاهیم و ارزش‌ها آشنا می‌شوند و در خود نهادینه‌سازی می‌کنند.^۱ یکی از بهترین شیوه‌ها برای تشخیص این موانع درونی شکل‌گیری درست رفتارهای قاطعانه در فرزندان، «گفتگوی سقراطی» است؛ یعنی با او به گفتگو پرداخته و از او خواسته شود که بیان کند که چرا قاطع نیست؟ قاطعیت در نگاه او به چه معناست؟ آیا چون بلد نیست نه بگوید، احساس می‌کند قاطعیت ندارد یا نه؟ با این سبک گفتگو به مرور می‌توان به او این باور را داد که بسیاری از مفاهیم ارزشی در ذهن او به درستی شکل نگرفته است و باید در این مورد تجدیدنظر کند.

۲. گام دوم: آشنا نمودن کودک و نوجوان با حقوق فردی و اجتماعی

قاطعیت، میوه حق‌مداری است. شناخت حقوق این جسارت را به افراد می‌دهد که در چه موقعیت‌هایی باید از خود قاطعیت نشان دهند تا حق‌شان پایمال نشود. انسانی که با حقوق خود و دیگران آشنا باشد، بهتر از دیگران می‌تواند خود را ملزم به رعایت حقوق کند. از این‌رو لازم است که فرزندان را به درستی با حقوق فردی، خانوادگی و اجتماعی او و دیگران آشنا کرد. برخی

۱. حسین زارع، روان‌شناسی یادگیری، ص ۱۴۳.

از این حقوق عبارتند از:

- حق داشتن افکار، رفتار و احساسات ویژه خود؛
 - حق اشتباه کردن غیر عمد؛
 - حق انتخاب؛
 - حق نپذیرفتن مسئولیت مشکلات دیگران؛
 - حق تصمیم‌گیری؛
 - حق درخواست کردن؛
 - حق «نه» گفتن؛
 - حق عدم ارائه دلیل جهت توجیه رفتار خود؛
 - حق گفتن کلماتی چون: «نمی‌دانم»، «نمی‌خورم» و
- کسی که این حقوق را در خود باور نداشته باشد، نمی‌تواند از خود قاطعیت نشان دهد.

۳. گام سوم: آموزش جمع میان قاطعیت با اخلاق و قوانین اجتماعی

هر انسانی باید در زندگی خود به چارچوب‌هایی اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، پایبند باشد و خود را به اجرای آن مقید کند. از آن‌رو که دارای حقوقی است، اجازه ندارد آن چارچوب‌ها را زیر پا بگذارد. اخلاق، هنجارها و قوانین اجتماعی، شکل‌دهنده همان چارچوب‌هاست. قاطعیت هیچ منافاتی با اخلاق ندارد. از همین روی هیچ‌کس حق ندارد به اسم قاطعیت، اخلاق را زیر پا بگذارد.

۴. گام چهارم: شناسایی و فهرست کردن موقعیت‌های هدف (جدول قاطعیت)

باید برای فرزندان جدولی ترسیم کرد و موقعیت‌هایی را که باید قاطعیت داشته باشد، اما در آن قاطعیت نداشته است؛ توسط خود او و یا با کمک والدین در آن جدول آورده شود. لازم است حدود ۴۰ موقعیت آورده و برای آن‌ها نمره‌گذاری شود. در جایی که اصلاً قاطعیت ندارد، نمره یک و در جایی که قاطعیت خوبی از خود نشان می‌دهد، نمره پنج در ستونی دیگر قرار داده شود. با این جدول مشخص می‌شود در کدام موقعیت‌ها نیاز به تمرین بیشتر دارد و نقاط ضعف مهارتی او در داشتن قاطعیت در کجاست.

۵. گام پنجم: آموزش فنون قاطعیت و تمرین آن‌ها در موقعیت‌های هدف

این گام دارای چند مرحله است که در اینجا تنها به یک مرحله آن اشاره می‌شود.

مرحله: آموزش زبان بدن مرتبط با مهارت قاطعیت

در این مرحله به فرزند آموزش داده می‌شود که باید در هنگام ارتباط با دیگران، از رفتارهای غیرکلامی زیر بهره بگیرد:

- الف. ثابت و مستقیم بایستد و تماس چشمی خودش را حفظ کند.^۱
- ب. رسا صحبت کند. باید پیام‌ها را که تُن صدای بلند، علامت پرخاشگری و تُن صدای پائین، نشان‌دهنده ضعف است. از این‌رو هنگامی که حدود و مرزهای ارتباطات در حال شکسته شدن است، باید با صدای رسا، حقوق خویش و محدوده ارتباط را برای دیگری مشخص کند.
- ج. روان صحبت کند و در ارتباط به اندازه کافی اطلاعات بدهد.

نتیجه‌گیری

انسان، موجودی اجتماعی است و راهی جز آن ندارد که با دیگر افراد در جامعه زندگی کند و به قواعد و هنجارهای آن اجتماع دل بدهد. یکی از هنجارهای مهم اجتماعی، ارتباط با دیگران برای رشد جامعه است که باید مهارت‌های مرتبط با این ارتباطات به درستی شناخته شود و قلمروها و محدوده‌های آن تبیین گردد. آنچه پس از شناخت این مرزها و قلمروها باید آموخته شود، مهارت قاطعیت (جرئت‌ورزی) در حفظ آن‌هاست که باید از کودکی به فرزندان آموخته شود و آن را به‌گونه‌ای در شکل‌گیری تربیت اجتماعی به کار گرفت. برای رسیدن به این مهارت که جزو جدایی‌ناپذیر روابط خانوادگی و اجتماعی است، باید گام‌هایی را طی کرد که نخستین گام در آن، شناخت درست این مفاهیم است و گام‌های بعدی را باید بر اساس گام نخست شکل داد.

فهرست منابع

کتاب

۱. پیتز، آلن و باربارا پیتز، زبان بدن، ترجمه سیمین موحد، تهران: نشر قاصدک صبا، ۱۳۹۰ ش.
۲. ثابت، حافظ، تربیت جنسی در اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۵ ش.
۳. حسینی‌زاده، سید علی، جنسیت و تربیت، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ش.

۱. آلن پیتز و باربارا پیتز، زبان بدن، ترجمه سیمین موحد، ص ۲۲۵.

۴. زارع، حسین، روان‌شناسی یادگیری، تهران: انتشارات پیام‌نور، ۱۳۸۶ش.
۵. سالاری‌فر، محمدرضا و دیگران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰ش.
۶. شجاعی، محمدصادق، نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۹ش.
۷. صائب تبریزی، محمد علی، دیوان صائب تبریزی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۴ش.
۸. کلینکه، کریس؛ مهارت‌های زندگی: تکنیک‌های مقابله با اضطراب، افسردگی، تنهایی، کمرویی و ...، ترجمه شهرام محمدخانی، تهران: سپند هنر، ۱۳۸۴ش.

پایان‌نامه‌ها و مقالات

۱. بحرینی، مهدی، «تأثیر آموزش ابراز وجود بر عزت‌نفس و ابراز وجود دانشجویان پرستاری شهر بوشهر»، پایان‌نامه دکتری (پزشکی)، تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده علوم توان‌بخشی و بهزیستی، سال تدوین پایان‌نامه ذکر شود.
۲. دائمی، حمیدرضا و فرامرز سهرابی و سیده فاطمه مقیمی، «تأثیر برنامه آموزشی ارتقای مهارت‌های قاطعیت در تغییر نگرش دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و تهران نسبت به سوء‌مصرف مواد»، فصلنامه علمی پژوهشی اعتیادپژوهی، شماره نهم، بهار ۱۳۸۸، ص ۱۰۰-۶۷.
۳. سید فاطمی، نعیمه و دیگران، «مهارت قاطعیت و مصرف اکستازی در بین نوجوانان»؛ فصلنامه علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی، دوره دهم، شماره چهارم، ۱۳۷۸، ص ۲۷۲-۲۶۵.
۴. شریفی، عنایت‌الله، «مهارت‌های ارتباطی در قرآن»، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، دوره هشتم، شماره ۳۰، آذر ۱۳۹۶، ص ۱۸۴-۱۵۱.
۵. معافی، محمود، «آموزش آداب و مهارت‌های زندگی»، ماهنامه رشد معلم، شماره ۲۴۸، بهار ۱۳۹۸، ص ۳۳-۳۰.

تبلیغ فحانواؤ

دوفصلنامه علمی - تخصصی

سال اول - شماره اول

پاییز و زمستان ۱۴۰۱

خدمت به مردم و مراقبت از ارزش‌های دینی آنان در سیره شهدا

حجت‌الاسلام والمسلمین رضا آبیاری*

مقدمه

خدمت به مردم و مراقبت از ارزش‌های دینی آنان در جامعه، از موضوعات مهم و بایسته امروز ماست و بسیار شایسته و بجاست که خانواده‌ها نیز به آن‌ها توجه ویژه داشته باشند. انسان در آموزه‌های دینی، مقام خلیفه‌اللهی دارد و خدمت به او، مقدمه قرب الهی و عبادت است؛ از این روست که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «خَصَلْتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا مِنَ الْبِرِّ شَيْءٌ إِلَّا إِيمَانٌ بِاللَّهِ وَالتَّنْفُحُ لِعِبَادِ اللَّهِ»^۱ دو کار است که هیچ کار خوبی بالاتر از آن دو نیست: ایمان به خدا و سود رساندن به بندگان خدا. آن حضرت در روایت دیگری فرموده است: «إِنَّ أَعْظَمَ النَّاسِ مَنْزِلَةً عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهُمْ فِي أَرْضِهِ بِالتَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ»^۲ با منزلت‌ترین مردم نزد خداوند در روز قیامت، کسی است که در راه خیرخواهی برای خلق او بیش از دیگران قدم بردارد. خدمت به مردم و خیرخواهی و دغدغه‌مندی نسبت به حفظ ارزش‌های دینی آنان در جامعه، از مسلمات اخلاق اجتماعی اسلامی است. واکاوی سیره شهدای هشت سال دفاع مقدس گویای آن است که ویژگی‌های برجسته اخلاقی در سیره آن پیشگامان عرصه جهاد و شهادت برجسته و نمایان بود.

اهمیت خدمت‌رسانی

بنا بر آموزه‌های دینی، خدمت به مردم وظیفه هر فرد مسلمان و جزء برنامه‌های اصلی پیامبران است؛ از این رو در قرآن به خدمت و خدمت‌افزایی تأکید شده است: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا

* کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی. پژوهشگر سبک زندگی شهیدان.

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۳۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۰۸.

مِمَّا تُحِبُّونَ؛^۱ هرگز به حقیقت نیکوکاری نمی‌رسید، مگر اینکه از آنچه دوست دارد، در راه خدا انفاق کنید». خداوند متعال چهار نوبت با صراحت بیان کرده است: «وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^۲ و نیکی کنید که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد». پروردگار متعال در چهار آیه دیگر تأکید کرده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»^۳ همانا خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند».

در روایات نیز به خدمت‌رسانی تأکید شده است؛ چنانکه پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ؛ محبوب‌ترین بندگان نزد خداوند، کسانی هستند که برای بندگان خدا سودمندتر باشند». آن حضرت در روایت دیگری فرموده است: «دَخَلَ عَبْدُ الْجَنَّةِ بَعْضٌ مِنْ شَوْكٍ كَانَ عَلَى طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ فَأَمَاطَهُ عَنْهُ»^۴ بنده‌ای از بندگان خدا در اثر اینکه شاخه خاری را از سر راه مسلمانان برداشت، اهل بهشت شد». امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «يَحِقُّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْإِحْتِهَادُ فِي التَّوَاصِلِ وَ التَّعَاوُنُ عَلَى التَّعَاطُفِ وَ الْمَوَاسَاةُ لِأَهْلِ الْحَاجَةِ وَ تَعَاظُفُ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ»^۵ مسلمانان موظفند در راه پیوستگی و کمک نسبت به نیازمندان، کوشا و جدی باشند؛ از عواطف اخلاقی و کمک‌های مالی مضایقه نکنند و به هنگام گرفتاری و نیاز، یار و یاور هم باشند».

گستره خدمت‌رسانی

خدمت‌رسانی ابعاد و گونه‌های متعددی دارد. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی می‌نویسد:

کمک‌های مردمی در فرهنگ اسلام، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. نه تنها کمک به نیازمندان، بلکه هر گونه کمک به کارهای خیر و فعالیت‌های مثبت اجتماعی اعم از ساختن مدرسه، درمانگاه، جاده، مراکز فرهنگی، مساجد و مانند آن‌ها به عنوان «انفاق فی سبیل الله» در این مفهوم درج است؛ همه از بهترین اعمال محسوب

۱. آل عمران: ۹۲.

۲. بقره: ۱۹۵.

۳. توبه: ۱۲۰.

۴. حسن بن علی ابن‌شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۹.

۵. محمد بن علی صدوق، النخصال، ج ۱، ص ۳۲.

۶. محمدباقر مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول صلی الله علیه و آله، ج ۹، ص ۴۹.

می‌شود و سرچشمه انواع برکات و آثار معنوی و مادی در دنیا و آخرت است.^۱ در این میان خدمت و کمک به مستمندان از اهمیت بیشتری برخوردار است، از همین روست که اهل بیت علیهم‌السلام به این قشر بیشتر توجه داشتند؛ چنانکه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرموده است:

مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ إِبْرَادُ الْكِبَادِ الْحَارَّةِ وَ إِشْبَاعُ الْكِبَادِ الْجَائِعَةِ وَ الَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يُؤْمِنُ بِي عَبْدٌ يَبِيتُ شَبَعَانَ وَ أَخُوهُ أَوْ قَالَ جَارَهُ الْمُسْلِمِ جَائِعٌ؛^۲ از بهترین اعمال، خنک کردن جگرهای سوزان (سیراب کردن تشنگان) و سیر کردن شکم‌های گرسنه است. سوگند به کسی که جان محمد در دست قدرت اوست، کسی که سیر بخوابد و همسایه یا برادر مسلمانش گرسنه باشد به من ایمان نیاورده است.

خدمت به بندگان خدا نه تنها مورد توجه پیشوایان دینی و بزرگان بوده است؛ بلکه آنان خود نیز برای این انجام امر پیش قدم بودند. هشام بن سالم می‌گوید:

امام صادق علیه‌السلام وقتی پاسی از شب می‌گذشت، کیسه‌هایی را برمی‌داشت که در آن نان و گوشت و درهم‌ها بود. سپس آن را بر دوشش حمل می‌کرد و نزد نیازمندان مدینه می‌برد و آن را بین ایشان تقسیم می‌کرد؛ در حالی که آنان حضرت را نمی‌شناختند (گویا تاریکی شب و یا بسته بودن صورت حضرت مانع می‌شد). هنگامی که امام صادق علیه‌السلام از دنیا رفت، آن گاه متوجه شدند که فرد کمک‌کننده، امام صادق علیه‌السلام بوده است.^۳

امام باقر علیه‌السلام نیز به نیازمندان صدقه می‌داد و نیکی به یاران و اصحاب را فراموش نمی‌کرد. حسن بن کثیر می‌گوید:

نزد امام باقر علیه‌السلام از جفای دوستان و برآورده نکردن حاجات شکایت کردم. حضرت فرمود: «بِئْسَ الْأَخُّ أَخٌ يَرْعَاكَ غَنِيًّا وَ يَقْطَعُكَ فَقِيرًا؛^۴ بد برادری است؛ برادری که در حال پولداری مراعاتت کند و در حال فقر و نداری (تو) با تو قطع رابطه کند». سپس به غلامش دستور داد کیسه‌ای به مبلغ هفتصد درهم به من داد و فرمود: «فَأَدَا نَفْسَتَ فَأَغْلِنِي؛ هر گاه تمام کردی، به من خبر بده».

۱. ناصر مکارم شیرازی، اسلام و کمک‌های مردمی، ص ۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۱، ص ۳۶۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۸.

۴. محمد بن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۶۶.

امام علی علیه السلام نیز به کارگزاران خود توصیه می‌کرد که به فقیران و محرومان کمک کنند:

ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى، فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَمُعْتَرًا، وَاحْفَظْ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ...^۱؛ پس از خدا بترس، از خدا بترس درباره دسته زیردستان در مانده بیچاره و بی چیز و نیازمند و گرفتار در سختی و رنجوری و ناتوانی؛ زیرا در این طبقه هم خواهنده است که ذلت و بیچارگی اش را اظهار می‌کند و هم کسی است که به عطاء و بخشش نیازمند است، ولی (از عفت نفس) اظهار نمی‌کند و برای رضای خدا آنچه را که از حق خود درباره ایشان به تو امر فرموده است، به جای آور و قسمتی از بیت المال را برای ایشان قرار ده ...

دانی که خدا چرا تو را داده دو دست؟ من معتقدم که اندر آن سزای هست

یک دست به کار خویشتن پرداختن با دست دگر ز بی کسان گیری دست^۲

مادر شهید محمدحسن فایده^۳ می‌گوید:

مقابل منزل ما زنی پیر و تنها زندگی می‌کرد که روزگار را به خاطر فقر زیادی که داشت، به سختی می‌گذارند. گاهی که محمدحسن از خرید برمی‌گشت، می‌دیدم برخی از اجناس کمتر از مقداری است که سفارش داده‌ام. علت را که از محمدحسن سوال می‌کردم، می‌گفت: «با صغری خانم تقسیم کردیم. بنده خدا نیازمند است و باید به فکر او هم باشیم». وقتی هم می‌گفتم شاید مهمانی برسد و خودمان احتیاج داشته باشیم، می‌گفت: «میهمان روزی اش را با خودش می‌آورد، شما نگران نباش»^۴.

همرزم شهید نیز در وصف مردمداری او می‌گوید:

محمدحسن تعدادی خانواده را در حومه شهر بیرجند شناسایی کرده بود و معمولاً هر روز به آن‌ها سر می‌زد. آن روز مرا به منزل نیمه ویرانی برد. پیرزن قد خمیده‌ای به

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغة، تصحیح صبحی صالح، ص ۴۳۹.

۲. علیرضا صابری یزدی، نداهای عاطفی، ص ۲۴۶.

۳. سردار شهید محمدحسن فایده، فرمانده گردان لشکر خراسان.

۴. خدیجه ابول اولاء، افلاکیان، ص ۶۳.

خدمت به مردم و مراقبت از ارزش‌های دینی آنان در سیره شهید ■ ۱۰۳

استقبال ما آمد. در گوشه ویرانه، مرد کهن‌سالی از درد به خود می‌پیچید. پیرزن با عجز خاصی گفت: «مدتی است کسی دیگر به ما سر نمی‌زند و همسرم مدت‌هاست که بیمار است». شهید فایده بلافاصله به دنبال ماشین رفت. مرد بیمار را به بیمارستان بردیم و بعد از معالجه و تهیه دارو، او را به منزلش برگرداندیم. آن شب پیرزن تا لحظه خداحافظی برای ما دعا می‌کرد.^۱

هم‌رمز شهید حجة الاسلام محمد شهاب^۲ نیز می‌گوید:

در شب‌های ماه مبارک رمضان، آقای شهاب به اتفاق شهید رحیمی به صورت ناشناس غذای آماده را بین مناطق مستضعف‌نشین شهر توزیع می‌کردند. ایشان حتی برای آن دسته از خانواده‌هایی که یخچال نداشتند، یخ تهیه می‌کردند تا در وقت افطار و سحر، آب خنک داشته باشند. برخی اوقات با چندین نفر از دوستان و همکاران صحبت می‌کرد تا هزینه گوسفند فراهم شود. می‌گفت: «مردم پایین شهر توان تهیه گوشت ندارند». گوشت‌ها را بسته‌بندی می‌کرد و همراه دیگر اقلام ضروری به فقرا می‌داد. همیشه هم تأکید می‌کرد که اسمی از من برده نشود.^۳

هم‌دردی و همانندی با تهیدستان

بررسی سیره اجتماعی رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که آن حضرت همواره اصحاب و اطرافیان خود را به نزدیک شدن و دوستی با مردم به‌ویژه مستضعفان توصیه می‌کرد. سلمان فارسی در این باره می‌گوید:

أَوْصَانِي خَلِيلِي بِسَبْعَةِ خِصَالٍ لَا أَدْعُهُنَّ عَلَيَّ كُلِّ حَالٍ؛ أَوْصَانِي أَنْ أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ دُونِي وَلَا أَنْظُرَ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقِي وَأَنْ أُحِبَّ الْفُقَرَاءَ وَأَذْنُوَ مِنْهُمْ وَ...؛^۴ خلیل من، پیامبر خدا ﷺ مرا به هفت خصلت سفارش فرموده است که در هیچ حال آن‌ها را رها نمی‌کنم. سفارش فرموده است: به آن کس بنگرم که از من پایین‌تر است، نه به آن کس که از من برتر است (منظور در امور مادی است) و اینکه فقرا و مستمندان را دوست

۱. همان، ص ۲۷۱.

۲. شهید حجة الاسلام محمد شهاب، از فرماندهان لشکر خراسان.

۳. خدیجه ابول‌اولا، افلاکیان، ص ۲۲.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۲۹.

بدارم، به فقرا و مستمندان نزدیک شوم (و از حال آن‌ها جويا شوم).
 سیره و سلوک رسول خدا ﷺ در ارتباط با مردم، مثال‌زدنی است. ایشان در غم و شادی مردم در کنار آن‌ها بود و در راه کمک به آن‌ها، شخصیت و جایگاه خود را در نظر نمی‌گرفت. مانند مردم فقیر جامعه خود لباس بر تن می‌کرد و همانند آن‌ها غذا می‌خورد. سیره شهدای عزیز هشت سال دفاع مقدس، بیانگر الگوگیری آنان از سلوک اجتماعی پیامبر ﷺ است. پدر شهید عباس بابایی^۱ در مورد همانندی شهید با بچه‌های فقیر می‌گوید:

عباس در مدرسه‌ای درس می‌خواند که برادرزمنم، ناظم آن مدرسه بود. يك روز با ناراحتی آمد منزل ما و گفت: «حاج اسماعیل! چرا با آبروی ما و خودتان بازی می‌کنید؟ این قدر به سر و وضع این بچه نرسیدید که امروز اسمش را در لیست دانش‌آموزان فقیر زدند». دستش را گرفتم و بردم سر کمد عباس. درب کمد را باز کردم و ردیف لباس‌ها و کت و شلوارها را نشانش دادم؛ بعد هم با دلخوری گفتم: «تو دیگه چرا این حرف را می‌زنی؟ واقعا فکر می‌کنی من برای عباس کم می‌گذارم؟ عباس خودش می‌گوید من لباس نو نمی‌پوشم. وقتی هم دلیلش را می‌پرسم، می‌گوید در مدرسه ما بچه فقیر زیاد است؛ از آن‌ها خجالت می‌کشم. نمی‌خواهم جلوی من احساس نداری کنند.^۲

سرایدار آن مدرسه نیز از فروتنی و خدمت به مردم شهید بابایی می‌گوید:

کمر درد داشتم و نمی‌توانستم کارهای مدرسه را به خوبی انجام دهم تا اینکه مدیر مدرسه جلوی دانش‌آموزان به من توهین کرد و بابت نامرتب بودن بخش‌های مختلف، توبیخ شدم. او گفت: «اگر بخواهی اینطور کار کنی، باید از این مدرسه بروی». آن شب تا صبح به حرف‌های مدیر مدرسه فکر می‌کردم و اینکه اگر مرا از مدرسه اخراج کنند، توان هیچ کاری ندارم. چون در خانه مدرسه هم زندگی می‌کردیم، در صورت اخراج، خانه سرایداری را هم از ما می‌گرفتند. فردا صبح وقتی به مدرسه رفتم، دیدم حیاط و همه کلاس‌ها مثل دسته گل تمیز شده است؛ حتی از خودم بهتر تمیز کرده‌اند. منبع آب مدرسه هم پر شده است. این قضیه هر روز داشت تکرار می‌شد و هر بار خواستیم متوجه شویم، دیرتر از آن شخص می‌رسیدیم. يك شب به هر زحمتی بود،

۱. فرمانده عملیات نیروی هوایی ارتش.

۲. محمدعلی صمدی، علمدار آسمان، ص ۲۳.

خدمت به مردم و مراقبت از ارزش‌های دینی آنان در سیره شهدا ■ ۱۰۵

بیدار ماندم تا آن شخص را شناسایی کنم. صبح علی‌الطلوع پسر بچه‌ای از دیوار وارد مدرسه شد، جارو و شلنگ آب را برداشت و شروع به نظافت کرد. خودم را آرام و بی‌سروصدا رساندم بالای سرش. از دانش‌آموزان مدرسه خودمان بود. گفتم: «پسرم، اسمت چیه؟ اینجا چکار می‌کنی؟». گفت: «عباس بابایی». گفتم: «این کارها را چرا انجام دادی؟ آخه...». پرید توی حرفم و گفت: «من به شما کمک می‌کنم تا خدا هم به من کمک کنه». با کاری که عباس در آن چند روز انجام داد، من پیش مدیر سربلند شدم و باعث شد کارم را از دست ندهم.^۱

دغدغه‌مندی نسبت به حفظ ارزش‌های دینی

مراقبت از ارزش‌های دینی جامعه، همواره از اهداف قیام معصومین علیهم‌السلام و از توصیه‌های جدی آنان بوده است. این مراقبت و دغدغه‌مندی در قرآن کریم، با عنوان فریضه امر به معروف و نهی از منکر شناخته می‌شود: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها همان رستگارانند». امت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به واسطه انجام این واجب اجتماعی، بهترین امت خوانده شده است: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۳ شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند؛ (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید».

غیرت دینی و توجه به حفظ ارزش‌های دینی مردم در جامعه، از مهم‌ترین جلوه‌های زندگی شهداست. یکی از هم‌زمان شهید محمد گرامی^۴ می‌گوید:

شهید محمد برای کاهش مسئله بدحجابی و حفظ ارزش‌ها، کانون تبلیغ و نشر حجاب راه‌اندازی کرده بود. آن روز افراد دغدغه‌مند را دور هم جمع کرد و گفت: «نباید بگذاریم ارزش‌ها را مسخره کنند. بایستی با برنامه‌های معنوی و فرهنگی بتوانیم حجاب را نهادینه کنیم». ایشان از همه افراد خواسته بود که حتی المقدور در انجام کارها و فعالیت‌ها با وضو باشند. اجرای طرح‌ها به اندازه‌ای خوب و مؤثر انجام گرفته

۱. همان، ص ۲۴.

۲. آل‌عمران: ۱۰۴؛ ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۵.

۳. آل‌عمران: ۱۱۰.

۴. سردار شهید محمد گرامی از فرماندهان لشکر ۴۱ ثارالله کرمان.

بود که دادستان شهر هم اعلام رضایت کرده بود و تأثیر چشمگیری در فضای شهر داشت.^۱

بی‌اعتنا نبودن به گناه و پیشگیری از ترویج ناهنجاری‌ها در فضای عمومی جامعه، از وظایف هر مسلمانی است؛ رسالتی که شهیدان آن را سرلوحه اعمال خود قرار می‌دادند و با شجاعت به آن اهتمام داشتند. یکی از دوستان شهید جلال افشار^۲ می‌گوید:

صدای آهنگ مبتدلی که راننده اتوبوس گذاشته بود، جلال را اذیت می‌کرد. کسی هم تذکر نمی‌داد تا اینکه جلال از راننده خواست صدای آهنگ را کم و یا خاموش کند، اما راننده نه تنها اعتنایی نکرد؛ بلکه به جلال گفت: «اگر ناراحتی، می‌توانی پیاده شوی». جلال هم در جواب راننده گفت: «اگر صدای نوار را کم نکنی، پیاده می‌شوم». به محض اینکه حرف جلال تمام شد، راننده زد روی ترمز و ایستاد. جلال هم بی‌درنگ پیاده شد و شروع کرد به راه رفتن؛ اما چند لحظه بعد راننده ایستاد، دنده عقب گرفت، نوار را هم خاموش کرد و از جلال خواست تا سوار شود. اخلاص و سبک تذکر دادن جلال این قدر خوب بود که راننده را مجاب کرد، حرف جلال را گوش کند.^۳

بخش زیادی از ارزشمندی سیره شهیدان، به خاطر داشتن روحیه مسئولیت‌پذیری آنهاست. بی‌خیال نبودن نسبت به مردم و به‌ویژه جوانان، از ظرافت‌های اخلاق اجتماعی شهدای عزیز ما بود. نگرانی برای جوانان و بی‌اعتنا نبودن نسبت به اشتباهات و کجروی‌های آنها، مهم‌ترین پیام سیره شهیدان در اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. بی‌از هم‌زمان شهید خلیل مطهرنیا^۴ در مورد حساسیت و دغدغه این شهید نسبت به انحراف جوانان می‌گوید:

اوج جنگ بود و خلیل به عنوان فرمانده طرح و عملیات لشکر، گرفتاری‌ها و مشغله زیادی داشت؛ اما وقتی متوجه شد تعدادی از جوانان محل تا مرز انحراف و کارهای خلاف پیش رفتند، از من کاغذ و قلم خواست و شروع کرد برای آنها نامه نوشت. کلماتی سرشار از عشق رزمنده‌ها و امام به جوانان. از اهمیت دوستی و ارزش‌های اخلاقی نوشت و اینکه دوست واقعی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد. در پایان هم

۱. احمد مؤمنی‌راد، اینگونه بودند مردان مرد، ص ۳۵.

۲. سردار جلال افشار از فرماندهان لشکر ۱۴ امام حسین علیه السلام اصفهان.

۳. مریم زینلی، راز گل سرخ، ص ۱۵.

۴. سردار شهید خلیل مطهرنیا، فرمانده طرح و عملیات لشکر المهدی علیه السلام فارس.

خدمت به مردم و مراقبت از ارزش‌های دینی آنان در سیره شهدا ■ ۱۰۷

آن‌ها را دعوت کرد به جبهه بیایند و با خلیل باشند. بعد هم نامه را به من داد و گفت: «برو جهرم^۱ و تا نتیجه نگرفتی، برنگرد». وقتی به جهرم رسیدم، آن چند نفر را پیدا کردم و نامه را تحویلشان دادم و گفتم: «خلیل سلام رسانده و گفته جواب نامه را هم بنویسید». دغدغه‌مندی خلیل آنچنان با آداب و حساب شده بود که آن افراد فردای آن روز پیش من آمدند و از من خواستند تا آن‌ها را با خودم به جبهه ببرم. پس از مدتی، همان چند نفر تبدیل به زنگ‌ترین بچه‌های گردان شده بودند و برخی از آن‌ها مسئولیت هم گرفتند.^۲

یکی از هم‌زمان شهید علی ماهانی می‌گوید:

در مقطعی، برخی از رزمنده‌های گردان به صورت منظم در نماز جماعت و جلسات قرآن و دعا شرکت نمی‌کردند. برخی اصلاً نمی‌آمدند و بعضی دیگر با تأخیر در نماز جماعت حاضر می‌شدند. با اینکه علی‌آقا می‌توانست به عنوان مسئول و فرمانده دستور بدهد و همه را اجبار کند، اما روش دیگری پیشه کرد. ایشان وقت نماز که می‌شد، آستین‌هایش را بالا می‌زد و در حضور همه، قدم‌زنان برای وضو می‌رفت و با این حرکت به همه اعلام می‌کرد که وقت نماز است. رزمنده‌ها هم پیام ایشان را گرفته بودند و متوجه منظور او بودند؛ به همین خاطر بعد از مدتی افرادی که به اذان کم توجه بودند، وقتی می‌دیدند فرمانده با این همه مشغله، کارهای خودش را رها می‌کند و به نماز اول وقت توجه دارد، وضو می‌گرفتند و در نمازخانه حاضر می‌شدند.^۳

فهرست منابع

۱. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۲. ابول‌اولا، خدیجه، افلاکیان، چاپ اول، مشهد: کنگره سرداران شهید استان خراسان، ۱۳۸۱ش.
۳. آبیاری، رضا، دوقلوهای جنگ، قم: مؤسسه فرهنگی هنری مطاق عشق، ۱۳۹۹ش.

۱. شهید خلیل مطهرنیا، اهل جهرم بود و مرقد مطهرش هم در آنجاست.

۲. رضا آبیاری، دوقلوهای جنگ، ص ۲۱.

۳. رضا آبیاری، ظرافتی‌های اخلاقی شهیدان، ص ۱۷.

۴. _____، ظرافت‌های اخلاقی شهیدان، چاپ اول، قم: دفتر نشر عقل، ۱۳۸۹ش.
۵. زینلی، مریم، راز گل سرخ، چاپ اول، اصفهان: پویان مهر، ۱۳۸۳ش.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
۷. صابری یزدی، علیرضا، ندهای عاطفی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، ۱۳۷۰ش.
۸. صدوق، محمد بن علی، الخصال، تصحیح علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ش.
۹. صمدی، محمد علی، علمدار آسمان، چاپ اول، تهران: پیام فاطمیون، ۱۳۸۴ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تصحیح جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۲. _____، مرآة العقول فی شرح اخبار الرسول، تصحیح هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ق.
۱۳. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تصحیح مؤسسه آل‌البتین علیه السلام، چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۱ش.
۱۵. _____، اسلام و کمک‌های مردمی، چاپ اول، قم: نسل جوان، ۱۳۸۳ش.
۱۶. مؤمنی‌راد، احمد، اینگونه بودند مردان مرد، چاپ اول، تهران: لوح محفوظ، ۱۳۸۴ش.